

- سیره امام علی علیه السلام در ماه مبارک رمضان | ۲ |
- قرآن در کلام امام حسن مجتبی علیه السلام | ۹ |
- برنامه عملی برای بهره‌گیری بهتر از ماه رمضان  
سید بن طاووس رحمته الله علیه | ۱۳ |
- سیره عملی امام خمینی رحمته الله علیه در ماه مبارک رمضان | ۱۵ |
- بهار فرصت‌ها در ماه مبارک رمضان  
توصیه‌های رمضانیه امام خامنه‌ای | ۱۸ |
- اهمیت و فضیلت توسل و دعا در ماه مبارک رمضان در نگاه آیت‌الله العظمی بهجت رحمته الله علیه | ۲۰ |
- مروری کوتاه بر سیره عملی آیت‌الله العظمی گلپایگانی رحمته الله علیه در ماه مبارک رمضان | ۲۴ |
- حکمت‌های اجتماعی روزه  
نوشتاری از آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته الله علیه | ۲۸ |
- توصیه‌های اخلاقی و رمضانیه آیت‌الله العظمی وحید خراسانی | ۳۴ |
- آداب ورود به ماه مبارک رمضان  
آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی | ۳۶ |
- توصیه‌های آیت‌الله شاه‌آبادی رحمته الله علیه در ماه مبارک رمضان | ۴۲ |
- سیره عملی علامه طباطبایی رحمته الله علیه در ماه مبارک رمضان | ۴۴ |
- فلسفه ماه رمضان و آثار و برکات آن  
آیت‌الله العظمی جوادی آملی | ۴۶ |
- توصیه‌هایی برای درک بهتر ماه مبارک رمضان  
آیت‌الله العظمی مظاهری | ۵۰ |
- دو خطر اهمال از توبه در دیدگاه شیخ بهایی رحمته الله علیه | ۵۷ |
- موانع فهم قرآن و ضرورت رفع آن‌ها  
میرزا جواد ملکی تبریزی رحمته الله علیه | ۵۹ |
- این دشمن خیلی سرسخت است  
آیت‌الله شهید دستغیب رحمته الله علیه | ۶۰ |
- برنامه‌های الهی در ضیافت ماه رمضان  
استاد شهید آیت‌الله مطهری رحمته الله علیه | ۶۲ |
- ماه رمضان در نگاه امام موسی صدر | ۶۴ |
- انعکاس دل‌بستگی‌ها در آینه ماه رمضان  
آیت‌الله مصباح‌یزدی رحمته الله علیه | ۶۶ |
- هشت نکته اخلاقی درباره آداب دعا  
آیت‌الله مجتهدی تهرانی رحمته الله علیه | ۷۲ |
- تذکراتی درباره ماه مبارک  
آیت‌الله آقامجتبی تهرانی رحمته الله علیه | ۷۴ |
- مراحل شش‌گانه توبه حقیقی  
حضرت آیت‌الله مشکینی رحمته الله علیه | ۸۰ |
- ماه مبارک رمضان در کلام آیت‌الله حق‌شناس رحمته الله علیه | ۸۲ |
- سبک زندگی و سیره عملی امام خمینی رحمته الله علیه | ۸۴ |
- سیره علامه حسینی در ارتباط با قرآن و آداب آن  
گفتاری از فرزند ارشد علامه حسینی تهرانی | ۸۸ |
- عمل به سیره عبادی و اخلاقی اهل بیت علیهم السلام در ماه مبارک رمضان  
حجت‌الاسلام والمسلمین فرحزاد | ۹۱ |

ویژه‌نامه سیره عملی و توصیه‌های کاربردی  
عالمان بزرگ اخلاق برای مهمانان ماه مبارک رمضان

هفته‌نامه افق حوزه

اسفندماه ۱۴۰۳ | شعبان‌المعظم ۱۴۴۵

۹۶ صفحه

صاحب امتیاز: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

مسئول مرکز رسانه و فضای مجازی

حوزه‌های علمیه: رضا رستمی

سردبیر: رمضانعلی عزیزی

دبیر ویژه‌نامه‌ها: حمید کرمی

با همکاری: جلال خسروی

عماد شالیکاریان، داوود مظاهری

امور هنری: سید امیر سجادی

کارشناس فنی چاپ: مصطفی اویسی

چاپ: صمیم ۴۴۵۳۳۷۲۵

تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۰۰۵۳۸

نمابر: ۰۲۵-۳۲۹۰۱۵۲۳

نشانی: قم، بلوار جمهوری

کوچه ۲، پلاک ۱۵

صندوق پستی: ۳۷۱۸۵/۴۳۸۱

پایگاه اینترنتی: [www.ofoghawzah.ir](http://www.ofoghawzah.ir)

پست الکترونیک: [info@ofoghawzah.ir](mailto:info@ofoghawzah.ir)

کانال ایستا و سروش: [/ofogh\\_howzah/](http://ofogh_howzah/)







سیره امام علی علیه السلام

در ماه مبارک رمضان



## خطبه حضرت

### هنگام ورود به ماه مبارک رمضان

امام باقر علیه السلام به نقل از پدرانش علیهم السلام روایت می‌کند: حضرت علی علیه السلام در اولین روز ماه رمضان در مسجد کوفه خطبه خواند. پس خدا را به بهترین ستایش و برترین و رساترین ثنا ستود و بر پیامبرش محمد صلی الله علیه و آله و سلم درود فرستاد. سپس فرمود: «ای مردم! این ماه، ماهی است که خداوند، آن را بر ماه‌های دیگر برتری داده است، مانند برتری ما اهل بیت بر دیگر مردم و آن، ماهی است که درهای آسمان و درهای رحمت، در آن گشوده می‌شوند و درهای آتش در آن بسته می‌گردند و ماهی است که در آن ندا شنیده می‌شود و دعا مستجاب می‌گردد و گریه مورد ترحم قرار می‌گیرد.

این ماه، ماهی است که در آن، شبی وجود دارد که فرشتگان از آسمان فرود آمده، بر مردان و زنان روزه‌دار، به اذن پروردگارش تا طلوع سپیده سلام می‌دهند و آن شب، «شب قدر» است. دو هزار سال پیش از آن که آدم علیه السلام آفریده شود، ولایت من در آن شب، مقدر شد. روزه گرفتن آن، برتر از روزه‌داری هزار ماه است و عمل در آن، برتر از عمل در هزار ماه است.

ای مردم! خورشید ماه رمضان بر مردان و زنان روزه‌دار، با رحمت می‌تابد و ماه آن با رحمت بر آنان نورافشانی می‌کند و هیچ روز و شبی از این ماه نیست، مگر آن که پروردگار متعال، بر سر این امت، نیکی می‌افشاند. پس هر کس از ریزش نعمت الهی ذره‌ای بهره‌مند گردد، در روز دیدارش با خدا، نزد خداوند گرامی خواهد بود و هیچ بنده‌ای نزد خدا گرامی نگردد، مگر آن که خداوند، بهشت را جایگاه او قرار می‌دهد.

بندگان خدا! این ماه، هم‌چون دیگر ماه‌ها نیست. روزهایش برترین روزهاست و شب‌هایش برترین شب‌ها و ساعاتش برترین ساعات است. آن، ماهی است که شیطان‌ها در آن در بند و زندانی‌اند؛ ماهی که خداوند در آن، روزی‌ها و اجل‌ها را می‌افزاید؛ ماهی که اهل ایمان، با

آمرزش و رضای الهی، با شادی و نعمت‌های الهی و با خشنودی فرمانروای دادگر و توانا پذیرفته می‌شوند.

ای روزه‌دار! اگر از درگاه صاحب‌رانده شوی، به کدام درگاه روی خواهی آورد؟ و اگر پروردگار تو را محروم سازد، کیست که روزی‌ات دهد؟ و اگر تو را خوار شمرد، کیست که اکرامت کند؟ و اگر ذلیلت ساخت، کیست که عزت بخشد؟ و اگر تو را وا گذاشت، کیست که یاری‌ات کند؟ و اگر تو را در جمع بندگان نپذیرفت، بندگی‌ات را به آستان چه کس خواهی برد؟ و اگر از خطای گذشته نکرد، برای آمرزش گناهانت به چه امید خواهی بست؟ و اگر حق خویش را از تو طلبید، حجت تو چه خواهد بود؟ مژده‌ای روزه‌دار! تو در ماهی هستی که روزه‌داری‌ات در آن واجب، نفس کشیدن در آن تسبیح، خفتنت در آن عبادت، طاعتت در آن، پذیرفته، گناهانت در آن آزریده، صداهايت در آن شنیده شده، و مناجات در آن مورد ترحم است. از حبیب پیامبر خدا شنیدم که می‌فرمود: «خداوند متعال را در هنگام افطار هر شب ماه رمضان، آزادشدگانی از آتش است که شمار آنان را کسی جز خداوند نمی‌داند و شمار آنان، نزد او در علم غیب است. پس چون آخرین شب این ماه فرارسد، خداوند به شمار همه کسانی که در تمام این ماه آزاد کرده، آزاد خواهد نمود».

مردی از قبیله همدان برخاست و گفت: ای امیرمؤمنان علیه السلام! از آن چه که حبیب تو درباره ماه رمضان فرمود، بیشتر بگو.

فرمود: «باشد، شنیدم که برادر و پسر عموم، پیامبر خدا، می‌فرمود: «هر کس ماه رمضان را روزه بدارد و خود را در این ماه از حرام‌ها نگه دارد، وارد بهشت می‌شود».

آن مرد همدانی دوباره گفت: ای امیرمؤمنان! از آن چه برادر و پسر عمویت درباره ماه رمضان فرمود، بیشتر بگو.

فرمود: «باشد، شنیدم که دوستم پیامبر خدا می‌فرمود: «هر کس از روی ایمان و به خاطر اجر الهی، [ماه] رمضان را روزه بدارد، وارد بهشت می‌شود».

مرد همدانی گفت: ای امیرمؤمنان! از آن چه دوستت درباره این ماه فرمود، بیشتر بگو. فرمود: «باشد، شنیدم که سرور اولین و آخرین، پیامبر خدا می فرمود: «هر کس [ماه] رمضان را روزه بدارد و در شب های آن حرام نخورد، وارد بهشت می شود. مرد همدانی گفت: ای امیرمؤمنان! از آن چه سرور اولین و آخرین با تو درباره این ماه گفت، بیشتر بگو.

فرمود: «باشد، شنیدم که برترین پیامبران، فرستادگان و فرشتگان مقرب می فرمود: «همانا سرور اوصیا، در سرور ماه ها کشته می شود.

گفتم: ای پیامبر خدا! سرور ماه ها، کدام است و سرور اوصیا کیست؟

فرمود: «سرور ماه ها، ماه رمضان است و اما سرور اوصیا، تویی ای علی!»

گفتم: ای پیامبر خدا! آیا چنین خواهد شد؟

فرمود: «آری، به پروردگام سوگند که همانا نگون بخت ترین امت من، برادر پی کننده ناقه ثمود، برمی خیزد و ضربتی بر فرق سرت می زند که محاسنت از خون آن، رنگین می شود.»

پس مردم شروع به گریه و شیون کردند و حضرت علی علیه السلام خطبه اش را به پایان برد و فرود آمد.<sup>۱</sup>

\* برخی احادیث از حضرت علی علیه السلام پیرامون روزه ماه مبارک

### ❖ فضیلت ماه مبارک رمضان

حضرت علی علیه السلام «اللَّهُ أَكْبَرُ فِي صِيَامِ شَهْرِ رَمَضَانَ فَانَّهُ جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ؛<sup>۲</sup> خدا را، خدا را، در روزه ماه رمضان؛ زیرا آن ماه سپری است در برابر آتش دوزخ.

### ❖ «ماه رمضان» نه «رمضان»!

حضرت در مورد ادای نام ماه مبارک چنین گوشزد می نمایند که: «نگویید رمضان؛ زیرا نمی دانید رمضان چیست و اگر کسی گفت، باید برای کفاره آن، صدقه دهد و روزه بگیرد. بلکه همان طوری که خداوند متعال فرموده است بگویید: ماه رمضان.<sup>۳</sup>

### ❖ کیفیت روزه از زبان حضرت علی علیه السلام

امام علی علیه السلام فرمود: «الْصِّيَامُ اجْتِنَابُ الْمُحَارِمِ كَمَا يَمْتَنِعُ الرَّجُلُ مِنَ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ؛ روزه پرهیز از حرام ها است هم چنان که شخص از خوردنی و نوشیدنی پرهیز می کند.<sup>۴</sup> حضرت در مورد برترین روزه می فرمایند: «صَوْمُ الْقَلْبِ خَيْرٌ مِنْ صِيَامِ اللِّسَانِ

۱. کتاب ماه خدا، محمدی ری شهری/ج ۱/ص ۱۷۶؛

۲. بهج الصباغة/ج ۱۱/ص ۶۶؛

۳. الاقبال بالاعمال الحسنه (سید بن طاووس)/ج ۱/ص ۲۸؛

۴. بحار الانوار/ج ۹۳/ص ۲۴۹؛



خَيْرٌ مِنْ صِيَامِ الْبَطْنِ؛ روزه قلب، بهتر از روزه زبان است و روزه زبان، بهتر از روزه شکم است.<sup>۱</sup>

ایشان در مورد روزه بی ارزش می فرمایند: كَمْ مِنْ صَائِمٍ لَيْسَ لَهُ مِنْ صِيَامِهِ إِلَّا الْجُوعُ وَالْظَّمْأُ وَكَمْ مِنْ قَائِمٍ لَيْسَ لَهُ مِنْ قِيَامِهِ إِلَّا السَّهَرُ وَالْعَنَاءُ؛ چه بسا روزه داری که از روزه اش، جز گرسنگی و تشنگی بهره ای ندارد و چه بسا شب زنده داری که از نمازش، جز بی خوابی و سختی سودی نمی برد.<sup>۲</sup>

### ◆ حکمت روزه از نگاه امام علی علیه السلام

حضرت حکمت روزه را آزمون اخلاص معرفی نموده و فرمود: «فَرَضَ اللَّهُ... الصِّيَامَ ابْتِلَاءً لِاخْلَاصِ الْخَلْقِ؛ یعنی خداوند روزه را واجب کرد تا به وسیله آن اخلاص خلق را بیازماید.<sup>۳</sup>

### ◆ دعای حضرت در شب اول ماه مبارک

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: آن گاه که هلال (ماه رمضان) را دیدی بایست و بگو بار پروردگارا خیر و خوبی در این ماه را از تو می خواهم و هم چنین فتح و پیروزی (بر شیطان) و نورانیت، و یاری (بر روزه داری) و برکت و طهارت، و روزی این ماه را از تو می طلبم. از تو خیر آن چه در این ماه هست را بعد از ماه مسئلت می نمایم. به تو پناه می آورم از شر و بدی آن چه در این ماه می باشد و آن چه بعد از آن است. بار پروردگارا این ماه را با امن و امان و ایمان به تو و سلامت نفس و نعمت اسلام، و برکت و تقوی و توفیق یافتن به آن چه تو دوست می داری و راضی می گردی بر ما وارد گردان (که همه اوصاف شایسته را در این ماه داشته باشیم).<sup>۴</sup>

### ◆ نمازهای مستحبی

نمازهای مخصوصی برای هر شب ماه مبارک رمضان از حضرت علی علیه السلام روایت شده و ثواب های زیادی برای هر شبی ذکر فرموده اند. تمام این نمازهای مستحبی دو رکعت خوانده می شود، اگر چه نشسته هم جایز است، لکن ایستاده بهتر است.

### ◆ تلاوت قرآن

امام علی علیه السلام در خطبه اول ماه مبارک در مورد تلاوت قرآن در این ماه فرمودند: ای روزه دار! در شب و روزت با تلاوت کتاب خدا، به او تقرب بجوی که همانا کتاب خدا، شفیع است که روز قیامت، شفاعتش برای قرآن خوانان پذیرفته است و با خواندن آیات آن، از درجه های بهشت بالا می روند.<sup>۵</sup>

### ◆ اهمیت شبها و روزهای ماه رمضان

حضرت علی علیه السلام در خطبه ماه مبارک خود، در مورد احیاء شب های ماه مبارک چنین فرمودند: ای روزه دار! در کار خویش نیک بنگر که در این ماه، میهمان پروردگار خویش هستی. بنگر که در شب و روزت چگونه ای و چگونه اعضای خود را از نافرمانی خدا حفظ می کنی؟ بنگر تا مبادا شب در خواب باشی و روز در غفلت؛ پس این ماه بر تو بگذرد و بار گناهت هم چنان بر دوشت مانده باشد. پس آن گاه که روزه داران پاداش های خود را می گیرند، تو از زیان کاران باشی و آن گاه که به کرامت فرمانروای خویش نایل می شونی، از محرومان گردی و آن گاه که به همسایگی با پروردگارشان سعادت مند می شونی، تو از

«إِبْرَاهِيمَ النَّوْفَلِيَّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ إِذَا رَأَيْتَ الْهَيْلَالَ فَلَا تَبْتَخِرْ وَقُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذَا الشَّهْرِ وَفَتْحَهُ وَ نُورَهُ وَ نَصْرَهُ وَ بَرَكَتَهُ وَ طَهْوَرَهُ وَ رِزْقَهُ وَ أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا فِيهِ وَ خَيْرَ مَا بَعْدَهُ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا فِيهِ وَ شَرِّ مَا بَعْدَهُ اللَّهُمَّ أَدْخِلْنَا بِالْأَمْنِ وَ الْإِيمَانِ وَ السَّلَامَةِ وَ الْإِسْلَامِ وَ الْبِرِّكَةِ وَ التَّوْفِيقِ لِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى؛

۵. کتاب ماه خدا، محمدی ری شهری/ج/۱ص/۱۷۶؛

۱. غررالحکم/ج/۱ص/۴۱۷ح/۸۰؛

۲. نهج البلاغه/حکمت ۱۴۵؛

۳. نهج البلاغه/حکمت ۲۵۲؛

۴. الکافی/ج/۴ص/۷۶/باب ما يقال فی مستقبل شهر رمضان ...



طردشدگان باشی!'

عروه بن زبیر می گوید: «با گروهی در مسجد رسول خدا نشسته بودیم که سخن از بدر و بیعت رضوان به میان آمد. ابودرداء گفت: آیا می خواهید کسی را نام ببرم که ثروتش از همگان کمتر، ولی تقوا و تلاشش در عبادت خدا بیش از همه است؟ گفتند: آری بگو.

گفت: امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام.

در این هنگام تمام حاضرین در مجلس با ناراحتی از ابودرداء روگردانند. ابودرداء گفت: ای مردم! من آن چه را دیدم می گویم، و هر یک از شما آن چه را که دیده است بگوید. من، علی بن ابی طالب علیه السلام را در نخلستان دیدم که نیمه های شب با صدایی حزن آلود چنین مناجات می کرد: خدای من! چه بسیار گناهایی که تو به دلیل شکیبایی ات، آن ها را مایه انتقام از من قرار ندادی، و چه بسیار رسوایی هایی که تو از سر بزرگواری، آن ها را آشکار نساختی. خدایا! اگر عمرم را مدتی طولانی در معصیت تو گذراندم و در نامه اعمالم گناهانم بزرگ است، جز آمرزش تو آرزوی دیگری ندارم و جز رضایتت به چیز دیگری امیدوار نیستم.»

صدای علی بن ابی طالب علیه السلام مرا به خود مشغول ساخت. من دنبال صدا رفتم و به علی بن ابی طالب علیه السلام رسیدم. بدون حرکت در گوشه ای ایستادم و دیدم علی علیه السلام در دل تاریک شب چند رکعت نماز گزارد. آن گاه به دعا و گریه و مناجات مشغول شد و در



## ◆ دعای آن حضرت در هنگام افطار

خدایا! برای تو روزه گرفتیم و با روزی تو افطار می‌کنیم. پس این روزه را از ما بپذیر که به راستی تو شنوا و دانا هستی. خدایا! ای پروردگار روشنی‌سترگ و ای پروردگار جایگاه بلند! تویی معبود هر کس که در آسمان‌ها است و معبود هر کس که در زمین است و جز تو معبودی در میان آن‌ها نیست و تویی قاهر و مسلط بر هر که در آسمان‌ها و هر که در زمین است.

از تو می‌خواهم که در کار من آسانی و گشایشی مقرر فرمایی و مرا بر دین محمد و خاندان محمد و بر سنت محمد و خاندان محمد که درود بر او و آنان باد، پا برجا و ثابت قدم بداری و عمل و کردار مرا در فراز جایگاه پذیرفته قرار دهی؛ زیرا که من به تو ایمان دارم و بر تو توکل می‌کنم و به درگاه تو زاری می‌نمایم.

می‌دانم که بازگشتم به سوی تو است و هر آن‌چه خیر و خوبی است از تو می‌خواهم که همه را برای من، پدر و مادر، خاندان و فرزندانم گردآوری و هر آن‌چه بدی است، همه را از ما بازگردانی. ای خدا! تویی مهر پیشه و نعمت بخش، پدید آورنده آسمان‌ها و زمین، عطا فرمایی خیر و خوبی را به هر که خواهی و بگردانی آن را از هر که خواهی. پس به مهر و رحمت خویش بر من منت بنه ای مهربان‌ترین مهربانان!

## ◆ استغفار در این ماه

از امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام روایت شده است: «عَلَيْكُمْ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بِكَثْرَةِ الْإِسْتِغْفَارِ وَالْذُّعَاءِ فَأَمَّا الذُّعَاءُ فَيُدْفَعُ بِهِ عَنْكُمْ الْبَلَاءُ وَأَمَّا الْإِسْتِغْفَارُ فَيَمْحَى ذُنُوبَكُمْ»<sup>۳</sup> بر شماست که در ماه رمضان طلب بخشش و دعا کنید، اما دعا بلا را از شما دور می‌کند و استغفار، گناهان شما را از بین می‌برد.

ضمن مناجات‌هایش چنین گفت: خدای من، به عفو تو می‌اندیشم و گناهانم بر من سبک می‌شود؛ و گاه مؤاخذه و مجازات هول‌انگیز تو را یاد می‌کنم و گناهانم بر من بزرگ و سخت می‌گردد. آه، اگر تو در نامه اعمالم گناهی را بخوانی که من فراموش کرده‌ام و تو آن را ثبت کرده‌ای، آن‌گاه فرمان دهی که او را بگیرد. پس وای بر اسیری که خاندانش نتواند او را رهایی بخشد و قبیله‌اش سودی برایش نداشته باشد. آه از آتشی که جگرها و کلیه‌ها را می‌سوزاند...

پس آن قدر گریست که بدون حرکت افتاد. من پیش خودم گفتم که از شدت شب‌زنده‌داری، خوابش برده، و گفتم او را برای نماز صبح بیدار می‌کنم. جلو رفتم و او را تکان دادم، ولی تکانی نخورد.

گفتم: انالله و انا الیه راجعون. علی بن ابی طالب مُرد! با شتاب به منزلش رفتم و خبر مرگ او را به همسرش دادم. حضرت زهرا علیها السلام ماجرا را پرسید و من تعریف کردم. او فرمود: ای ابودرداء! به خدا سوگند این حالتی است که از ترس خدا به علی دست می‌دهد.

صبح که شد مردم به صورت علی آب زدند و علی به هوش آمد. برخاست و مراد دید که می‌گیریم. فرمود: چرا گریه می‌کنی؟

گفتم: به خاطر کاری که تو با خودت می‌کنی. فرمود: ای ابودرداء! چه می‌گویی اگر مرا ببینی که برای حساب فرا خوانده‌اند و فرشتگان عذاب مرا گرفته‌اند و در پیشگاه خداوند جبار ایستاده‌ام، در حالی که دوستانم رهایم ساخته‌اند. در این هنگام تو بیشتر از اکنون به من رحم می‌کنی و برایم دل می‌سوزانی. ابودرداء می‌گوید: به خدا سوگند، این صحنه را در زندگی هیچ یک از اصحاب رسول خدا ندیدم.»<sup>۱</sup>

۲. الإقبال بالأعمال الحسنة، ابن طاووس/ج ۱/ص ۶۹؛

۳. سفینة البحار/ج ۱/ص ۷۰۳

۱. بحار الأنوار/ج ۴۱/ص ۱۱/ح ۱؛ امالی صدوق؛



## ◆ اعتکاف

امام علی علیه السلام در زمینه اعتکاف و خلوت با خداوند می فرماید: «فَلَمْ يَزَلْ يَعْتَكِفُ فِي الْعَشْرِ الْأَوَّخِرِ مِنْ رَمَضَانَ حَتَّى تَوَفَّاهُ اللَّهُ؛ پس [پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله] همیشه در دهه آخر ماه رمضان در حال اعتکاف بود تا آن وقت که خداوند او را گرفت».

## ◆ گزارشی از آخرین شب قدر

علی علیه السلام در رمضان آخر عمر خویش، حال عجیبی داشت و هر شبی را در یک جا میهمان بود. غذا کم میل می فرمود. ابن حجر چنین می گوید: «هنگامی که رمضان [آخر عمر حضرت] فرا رسید، هر شب در منزل یکی از بستگان افطار می کرد؛ شبی در منزل امام حسن علیه السلام، شبی در منزل امام حسین علیه السلام و شبی نزد عبدالله بن جعفر [شوهر دخترش زینب]، و بیش از سه لقمه غذا نمی خورد، «و يَقُولُ: أَحِبُّ أَنْ أَلْقِيَ اللَّهَ وَأَنَا خَمُصٌ؛ و می فرمود: دوست دارم خدا را [باشکم] گرسنه ملاقات کنم»<sup>۱</sup>

در آن شب حضرت سوره یس می خواند و مرتب به آسمان نگاه می کرد و می فرمود: «امشب، همان شبی است که به من وعده دیدار داده شده است»<sup>۲</sup>.

علی علیه السلام هیجان عجیبی داشت. خود می گوید: هر کاری کردم، راز مطلب را نفهمیدم؛ «ما زِلْتُ أَفْحَصُ عَنْ مَكْتُونِ هَذَا الْأَمْرِ وَ أَبِي اللَّهِ إِلَّا أَخْفَاءُ؛<sup>۳</sup> خیلی تلاش کردم که سر و باطن این امر را به دست بیاورم، ولی خدا ابا کرد، جز این که آن را پنهان کرد».

آن گاه رهسپار مسجد شد. چند رکعت نماز گذارد. سپس بالای مأذنه رفت تا اذان بگوید. وقتی از بالای مأذنه پایین می آمد، می فرمود: «خَلُّوا سَبِيلَ الْمُؤْمِنِ الْمُجَاهِدِ فِي اللَّهِ لَا يَعْْبُدُ غَيْرَ الْوَاحِدِ؛ یعنی باز کنید راه مؤمن رزمنده در راه خدا را که [افتخارش این است که] غیر از [خدای] واحد را نپرستیده است.» آن گاه به مسجد بازگشت و مشغول نماز شد و سر از سجده برداشت که شمشیر زهرا آگین، فرقش را شکافت. در این حال، فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ فُزْتُ وَ رَبُّ الْكَعْبَةِ... هذا ما وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ؛<sup>۴</sup> به نام خدا و به یاری خدا و بر دین رسول خدا. قسم به پروردگار کعبه که رستگار شدم... این [شهادت] چیزی بود که خدا و رسولش به ما وعده داده بودند».



۱. انوارالبهية، شيخ عباس قمي/ص ۳۱

۲. همان/ص ۸۰؛

۳. منتهی الآمال/ج ۱/ص ۱۲۶؛ نهج البلاغه/خطبه ۱۷۷؛

۴. نهج البلاغه، صبحی صالح/ص ۳۷۹؛ زندگانی امیرالمؤمنین/ج ۲/ص ۳۲۱؛ انسان کامل، مرتضی مطهری/ص ۴۹.





# قرآن در کلام

## امام حسن مجتبیٰ علیه السلام

اشاره: رسالت‌های امامان معصوم علیهم السلام تبلیغ دین، بیان احکام و تفسیر قرآن است. میراث قرآنی باقی مانده و ارزشمند وجود مبارک امام حسن مجتبی علیه السلام از نمونه‌های اعلی و عظیم ذخایر تفسیری معصومان علیهم السلام است. در ادامه با مقاله‌ای تحت عنوان «نگرش قرآنی و تفسیری امام حسن مجتبی علیه السلام» به قلم سید مهدی سلطانی‌رنانی به نقل از پایگاه تخصصی نور آشنا می‌شویم.

### ◆ قرآن چراغ هدایت

علی بن عیسی اربلی از امام حسن علیه السلام نقل می‌کند که فرمودند: در این قرآن، چراغ‌های نور و شفای سینه‌هاست. پس باید سالک، در نور آن سلوک کند و با این ویژگی، دل خود را لگام زند؛ زیرا این اندیشیدن (و از نور قرآن بهره‌بردن) حیات دل بیناست؛ همان‌سان که آدمی در تاریکی‌ها، با (تابش) نور، روشنایی می‌گیرد!

دیلمی می‌گوید: امام حسن علیه السلام فرمود: در دنیا جز این قرآن، چیزی باقی نمانده است. پس آن را امام خود قرار دهید تا شما را به هدایت (فطرتان) راهنمایی کند. سزاوارترین مردم به قرآن، کسی است که به آن عمل می‌کند؛ هر چند آن را حفظ نکرده باشد و دورترین مردم

از قرآن، کسی است که به آن عمل نمی‌کند؛ هر چند آن را بخواند.<sup>۲</sup>

در این حدیث، مقصود امام حسن علیه السلام این است که قرآن کریم را امام خویش در سیره عملی و زندگانی قرار دهید و بر اساس آن عمل کنید.

### ◆ قرآن قاضی اعمال در قیامت

امام حسن علیه السلام فرمود: این قرآن در روز قیامت می‌آید، در حالی که راهبر است و پیش برنده؛ مردمی را که حلال خدا را حلال و حرام خدا را حرام گرفته‌اند و به متشابهات قرآن، ایمان آورده‌اند، به بهشت رهنمون می‌شوند و مردمی را که حدود و احکام الهی را تباه کرده‌اند و حرام‌های خدا

۱. کشف الغمّة/ج ۱/ص ۵۷۳؛ بحار الانوار/ج ۷۸/ص ۱۱۲ و ج ۹۲/ص ۳۲؛

۲. إرشاد القلوب دیلمی/ص ۷۹؛

را حلال گرفته اند، به آتش می راند.<sup>۱</sup>  
 و نیز می فرمود: هر کس درباره قرآن، با رأی و پیش داوری خود سخن گوید و تفسیر کند، گر چه حق باشد، باز گناه کرده است.<sup>۲</sup>

### ◆ پاداش قرائت قرآن

قطب الدین راوندی در کلامی از امام حسن علیه السلام نقل می کند که فرمود: «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ كَانَتْ لَهُ دَعْوَةٌ مُجَابَةٌ إِمَّا مُعَجَّلَةً وَإِمَّا مُؤَجَّلَةً»<sup>۳</sup> هر کس قرآن بخواند، یک دعای مستجاب دارد که یا زود و یا دیر به اجابت می رسد.

### ◆ قرآن و اهل بیت علیهم السلام

«عن الحسن بن علی علیه السلام انه حمد الله تعالى و اثنى عليه و قال: «و السَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ»<sup>۴</sup> فکما أَنَّ لِّلسَّابِقِينَ فَضْلَهُمْ عَلٰی مَنْ بَعْدَهُمْ كَذَلِكَ لِأَبِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام فَضِيلَتُهُ عَلٰی السَّابِقِينَ بِسَبْقِهِ السَّابِقِينَ... وَ عَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله النَّاسَ الصَّلَاةَ فَقَالَ: قُولُوا: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلٰی إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ أَنْتَ حَمِيدٌ مُّجِيدٌ، فَحَقَّنَا عَلٰی كُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ يَصَلِّيَ عَلَيْنَا مَعَ الصَّلَاةِ فَرِيضَةً وَاجِبَةً مِنَ اللَّهِ، وَ أَحَلَّ اللَّهُ الرَّسُولَةَ الْغَنِيمَةَ وَ أَحَلَّهَا لَنَا وَ حَرَّمَ الصَّدَقَاتِ عَلَيْنَا وَ حَرَّمَهَا عَلَيْنَا، كَرَامَةً أكرمنا اللَّهُ وَ فَضِيلَةً فَضَّلَنَا اللَّهُ بِهَا؛ حسن بن علی علیه السلام پس از حمد و ثنای خداوند فرمود: پیشگامان نخستین از مهاجران و انصار و کسانی که با نیکوکاری از آنان پیروی کردند، پس هم چنان که پیشگامان، بر کسانی که پس از آنان هستند، برتری دارند، پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام نیز. چون پیشتاز پیشگامان است. بر پیشتازان برتری دارد... رسول خدا صلی الله علیه و آله، صلوات را به مردم آموخت و فرمود: بگوئید: خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست؛ چنان که بر ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی، همانا تو ستوده بزرگواری. پس حق ما بر هر مسلمانی، به عنوان یک فریضه واجب خداوندی، این است که در تشهد هر نمازی، بر ما صلوات فرستد. خدا غنایم را برای پیامبر خود حلال کرد و برای ما نیز، و صدقات را بر او حرام کرد و بر ما نیز، اینها کرامت و فضیلتی از خدا بر ماست»<sup>۵</sup>.

علامه مجلسی می گوید: امام حسن، ضمن خطبه ای فرمود: «أنا من أهل البيت الذين افترض الله مودتهم على كل مسلم. فقال: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَ مَنْ يَتَرَفَّ

۱. کشف الغمّة/ج ۱/ص ۵۳۷؛ موسوعة کلمات الامام الحسن علیه السلام /ص ۳۶۴؛

۲. موسوعة کلمات الامام الحسن علیه السلام /ص ۳۶۵؛

۳. مهج الدعوات/ج ۲۴/ص ۳۱؛ بحار الانوار/ج ۹۲/ص ۲۰۴/ج ۳۱؛

۴. توبه/۱۰۰؛

۵. تفسیر فرات کوفی/ص ۱۶۹/ج ۲۱۷؛



حَسَنَةً نَّزِدُ لَهُ فِيهَا حُسْنًا<sup>۱</sup> و اقراراف الحسنه مودتنا اهل البيت؛ امام حسن مجتبیٰ علیه السلام برای مردم سخنرانی کرد و فرمود: من از آن خاندانم که خدا دوستی صمیمی آنان را بر هر مسلمانی، واجب کرد و فرمود: بگو به ازای آن (رسالت)، پاداشی از شما خواستار نیستم، مگر دوستی درباره خویشاوندان، و هر کسی کار نیکی به دست آورد، ما آن را زیاد می‌کنیم و نیکی، محبت ما خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله است.»

### ◆ تفسیر آیات قرآنی

سیره و روایات تفسیری باقی مانده از کریم اهل بیت امام حسن مجتبیٰ علیه السلام، بسیار ارزشمند است و دست مایه بسیار مهم برای مفسران و علاقه‌مندان به تفسیر قرآن به شمار می‌رود. ما به اختصار نمونه‌هایی را ذکر می‌کنیم:

۱. امام حسن مجتبیٰ علیه السلام در تفسیر آیه شریفه ﴿إِنَّا كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ﴾<sup>۲</sup> فرمود: یعنی ما هر چیز را برای دوزخیان (نیز) به اندازه اعمالشان آفریده‌ایم.<sup>۳</sup>

۲. امام حسن مجتبیٰ علیه السلام در تفسیر آیه شریفه ﴿وَ أَذْبَارَ السُّجُودِ﴾<sup>۴</sup> فرموده است: مقصود، آن دو رکعت نماز مستحبی پس از نماز مغرب است.<sup>۵</sup>

۳. علی بن عیسی اربلی می‌گوید: شیخ کمال‌الدین طلحه گفت: خدای عزوجل به امام حسن مجتبیٰ علیه السلام در تبیین امور و مقاصد اموری که به تدبیر آن‌ها می‌پرداخت، فطرتی ژرف‌نگر روزی کرده و برای اصلاح پایه‌ها و مبانی دین، هوشمندی استواری به او بخشیده و سرشتی ویژه او کرده بود که خمیره آن، سرشار از صور و معانی دانش بود... پس با اندیشه در خور ستایش و قریحه خود، با راستگاری

۱. شوری/۲۳؛

۲. بحار الانوار/ج ۲۳/ص ۲۳۲/ح ۲۶؛

۳. قمر/۴۹؛

۴. التوحید، شیخ صدوق/ص ۳۸۲/ح ۳۰؛

۵. ق/۴۰؛

۶. مستدرک الوسائل/ج ۳/ص ۶۲/ح ۳۰۲۹؛





میوه‌های اهداف دنبال شده را می‌چید، و در مسجد رسول خدا ﷺ می‌نشست، و مردم در اطرافش حلقه می‌زدند، و سخنانی می‌گفت که سوز عطش سؤال‌کنندگان را درمان می‌کرد و دستاویز گویندگان مخالف را می‌برید.<sup>۱</sup>

به‌عنوان نمونه، ابوالحسن علی بن احمد واحدی با سند خود، روایت می‌کند که مردی گفت: من وارد مسجد مدینه شدم و دیدم مردم دور یک نفر گرد آمده‌اند و او از رسول خدا ﷺ سخن می‌گوید. به او گفتم: مرا از تفسیر آیه شریفه ﴿وَ شَاهِدٍ وَ مَشْهُودٍ﴾<sup>۲</sup> آگاه کن. گفت: بله، اما «شاهد»، روز جمعه است و «مشهود»، روز عرفه. از او گذاشتم و به یک نفر دیگر (که مردم اطرافش بودند و سخن می‌گفت) رسیدم. و همان سؤال را پرسیدم، گفت: بله، اما «شاهد»، روز جمعه است و «مشهود»، روز عید قربان. از او نیز گذاشتم و نزد جوانی که صورتش هم چون طلای سرخ می‌درخشید و از رسول خدا ﷺ سخن می‌گفت، رسیدم و همان سؤال را پرسیدم، گفت: آری، اما «شاهد»، محمد ﷺ است و «مشهود»، روز قیامت. آیا نشنیدی که خدای سبحان می‌فرماید: «ای پیامبر! ما تو را شاهد فرستادیم»<sup>۳</sup> و نیز فرمود: «آن روز، روزی است که مردم را برای آن گرد می‌آورند و آن، روز «مشهود» است. (که جملگی در آن حاضرند).<sup>۴</sup> پرسیدم: اولی کیست؟ گفتند: ابن عباس، و پرسیدم: دومی کیست؟ گفتند: ابن عمر، و پرسیدم: سومی کیست؟ گفتند: حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام، و پاسخ حسن علیه السلام از همه بهتر بود.<sup>۵</sup>

۴. در تفسیر آیه شریفه ﴿فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ﴾<sup>۶</sup> ابن شهر آشوب می‌گوید: شیرازی در کتابش، با سند خود نقل کرده است که حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام درباره آیه شریفه مذکور فرمود: خدای سبحان، علی بن ابی طالب علیه السلام را در صلب ابوطالب، به صورت محمد صلی الله علیه و آله آفرید؛ از این رو، شبیه‌ترین مردم به رسول خدا ﷺ علی علیه السلام بود، و حسین بن علی علیه السلام شبیه‌ترین مردم به حضرت فاطمه علیها السلام است و من شبیه‌ترین مردم به خدیجه کبری علیها السلام هستم.<sup>۷</sup>

۵. در فضیلت قرائت سه آیه آخر سوره حشر، از امام حسن علیه السلام نقل شده که آن حضرت فرمود: هر کس چون صبح کند و سه آیه آخر سوره حشر را بخواند و در آن روز بمیرد، مهر شهدا (بر پرونده‌اش) خواهد خورد، و چون شب کند و بخواند و در آن شب بمیرد نیز ممهور به مهر شهدا می‌شود.<sup>۸</sup>

۱. ر.ک: موسوع کلمات الامام الحسن علیه السلام / ص ۳۷۳-۳۷۴؛

۲. بروج/۳؛

۳. احزاب/۴۵؛

۴. همان؛

۵. الفصول المهمة / ص ۱۴۷؛ العوالم / ج ۱۶ / ص ۱۰۵ / ح ۲؛

۶. انفطار/۸؛

۷. المناقب / ج ۴ / ص ۲؛ تفسیر نورالثقلین / ج ۵ / ص ۵۲۲ / ح ۱۱؛

۸. الدر المنثور، جلال‌الدین سیوطی / ج ۲ / ص ۲۰۲؛ بحار الانوار / ج ۹۲ / ص ۳۱۰ / ح ۳؛ موسوع کلمات الامام الحسن علیه السلام، بخش عقاید / ص ۳۷۳.



# برنامه عملی برای بهره‌گیری بهتر از ماه رمضان



سید بن طاووس رحمته الله علیه

مرحوم سید در اقبال با ادله نقلی و عقلی مختلف ثابت می‌کنند که گرچه ماه محرم اول سال قمری به لحاظ تقویمی است، ولی این برای عموم مردم و امور جاری زندگی است و برای اولیای الهی، اولین ماه سال، رمضان است؛ زیرا علاوه بر روایات مربوطه که صراحت دارد که ماه مبارک رمضان، اول سال است<sup>۱</sup>، شب قدر نیز که شب تعیین سرنوشت انسان است در این ماه واقع شده. لذا با حلول ماه مبارک، سال اولیای الهی نو می‌شود و با محاسبه و مراقبه و عبادت و تهجد و دعا، خود را برای ورود به سال جدید آماده می‌کنند و چنین آمادگی تنها در ظرف ماه رمضان تحصیل می‌شود.

## ◆ دستور عملی توبه

توصیه بنده آن است که در آخرین روز جمعه ماه شعبان (که بهترین زمان در ایام هفته است)، محاسبه دقیقی از سال گذشته داشته باشیم و به تمام گناهان خود رسیدگی نموده و از تک‌تک آن‌ها توبه کنیم. استاد می‌فرمود: بدون محاسبه‌ی نفس نباید استغفار کرد؛ زیرا تا انسان به جزئیات کوتاهی‌ها و نقطه‌های سیاه زندگی خود متوجه نباشد، امکان جبران گذشته و تصمیم بر عدم تکرار آن در آینده میسر نخواهد بود. چنان‌که امام هشتم علیه السلام می‌فرمایند که توبه بدون پشیمانی از گذشته و تصمیم جدی بر عدم تکرار گناه، به منزله مسخره کردن پروردگار است: «عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَثَلُ الْإِسْتِغْفَارِ مَثَلُ وَرَقٍ عَلَى شَجَرَةٍ تُحْرَكُ فَيَتَنَاثَرُ وَالْمُسْتَعْفِرُ مِنْ ذَنْبٍ وَ يَفْعَلُهُ كَالْمُسْتَهْزِئِ بِرَبِّهِ»<sup>۲</sup>؛ استغفار مانند برگ‌گی بر درخت است که تکان داده می‌شود و برگ‌های خشک آن فرو می‌ریزد، پس کسی که از گناهی استغفار می‌کند و باز

مرتکب آن می‌شود، مانند کسی است که پروردگارش را مسخره می‌کند. و چنین استغفاری نتیجه عملی در طهارت نفس هم نخواهد داشت.<sup>۳</sup> لذا لازم است زمانی را به محاسبه نفس اختصاص دهیم و یکایک اعمال و گناهانمان را به یاد آوریم. امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام برای توبه کامل، شش مرتبه را ذکر کرده‌اند که در میان علمای اخلاق نیز همین دستور برای توبه ذکر شده است و آن عبارت است از:

■ برنامه اول، پشیمانی جدی نسبت به گذشته است. در محاسبه گذشته می‌باید بر جزئیات اعمال سال قبل و خصوصاً خطاهای دانه درشتی که تکرار می‌شود و نفس به آن‌ها عادت کرده مروری شود و انسان ابراز پشیمانی و شرمساری نسبت به آن‌ها داشته باشد.

■ برنامه دوم، تصمیم جدی بر عدم تکرار گناهان است. انسان باید احکام دینی خود را بشناسد تا متوجه مرز میان حلال و حرام باشد و بتواند بنا بر عدم تکرار آن‌ها بگذارد،

۱. اقبال الاعمال طبع قدیم/ج ۱/ص ۴؛

۲. الکافی (ط - الإسلامية)/ج ۲/ص ۵۰۴؛

۳. قال الامام الرضا علیه السلام: مَنِ اسْتَعْفَرَ بِلِسَانِهِ وَ لَمْ يَنْدَمْ فَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ

(کنزالفوائد/ج ۱/ص ۳۳۰)؛

و الا چه بسیار گناهانی که نادانسته عمری از کسی سر می‌زند و چون او در پی یاد گرفتن آن‌ها نرفته، جاهل مقصر محسوب می‌شود و زمانی متوجه تقصیر خویش می‌گردد که شب اول قبرش فرارسیده و کاری جز پشت دست گزیدن از او بر نمی‌آید و تنها ﴿يَا حَسْرَتِي عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ﴾؛ را می‌گوید.

■ برنامه سوم، اصلاح و جبران مافات است؛ به این ترتیب که اگر حق الناس آبرویی بر ذمه دارد، بنا بر فتوای مرجع خود جبران نماید و اگر حق الناس مالی بر عهده دارد، تصمیم جدی بر ادای آن بگیرد و اگر ادای یک باره آن در توان او نیست، یادداشت نماید تا به تدریج در زمان حیاتش بپردازد یا وصیت کند تا بعد از مرگ ادا نمایند. در روایت نبوی ﷺ است که: «أَوْحَى اللَّهُ إِلَيَّ أَنْ يَا أَخَا الْمُرْسَلِينَ، يَا أَخَا الْمُنْدَرِيِّينَ، أَنْذِرْ قَوْمَ كَلَايْدٍ خُلُوعًا بَيْنَنَا مِنْ بِيوتِي وَلَا أَحَدٍ مِنْ عِبَادِي عِنْدَ أَحَدٍ مِنْهُمْ مَظْلَمَةٌ، فَإِنِّي أَلْعَنُهُ مَا دَامَ قَائِمًا يُصَلِّي بَيْنَ يَدَيْ حَتَّى يَرِدَ تِلْكَ الظُّلَمَةَ إِلَىٰ أَهْلِهَا؛<sup>۲</sup> خداوند به من وحی فرمود که ای برادر پیامبران! ای برادر بیم‌دهندگان! قومت را بیم ده به خانه‌ای از خانه‌های من وارد نشوند، در حالی که مظلومه برادر ایمانی را بر گردن دارند، زیرا هر مقدار در برابرم نماز می‌خواند، لعنتش می‌کنم، تا زمانی که آن مظلومه را ادا نماید.»

■ برنامه چهارم، ادای حق الله است که باید هرچه زودتر ادا نماید؛ مثلاً نماز یا روزه قضا و امور دیگری از این قبیل که باید آن‌ها را به جا آورد و اگر آن‌ها هم زیاد است، جایی بنویسد و همین که بنای بر ادا بگذارد کافی است تا به تدریج انجام دهد.

■ برنامه پنجم، پاک کردن مال خود از حرام است. این مضمون در روایات متعددی وارد است که عبادت با مال حرام، مانند نقش کشیدن بر خاک نرم است.<sup>۳</sup> در حدیث قدسی است که: «فَمِنْكَ الدُّعَاءُ وَ عَلَيَّ الْإِجَابَةُ، فَلَا تَحْتَجِبْ عَنِّي دَعْوَةٌ إِلَّا دَعْوَةُ آكِلِ الْحَرَامِ؛<sup>۴</sup> از تو دعا و از من اجابت دعا، پس هیچ دعایی از من محبوب نمی‌ماند، مگر دعای شخص حرام‌خوار.»

■ برنامه ششم، تمرین دادن نفس با عبادت و مراقبه است. انسان تائب نباید عادت به هرزه گردی در حیطة گناه داشته باشد. در آستانه ماه مبارک رمضان که ماه عبادت و روزه است، شرایط برای این مرحله فراهم است.

بعد از انجام مراحل بالا و قبل از ورود به ماه رمضان، غسل و نماز توبه را به همان کیفیتی که در مفاتیح (در اعمال یک‌شنبه ماه ذی‌قعدة) آمده به جا آورد<sup>۵</sup> و بدین ترتیب پاک و مطهر به ماه رمضان وارد شود.

۱. زمر/۵۶؛

۲. مجموعه ورام/ج ۱/ص ۵۳؛

۳. قال رسول الله ﷺ: الْعِبَادَةُ مَعَ أَكْلِ الْحَرَامِ كَالْبِنَاءِ عَلَى الرَّثْلِ وَ قَبِيلَ عَلَى الْأَمَاءِ. (بحارالانوار (ط. بیروت) ج ۸۱/

ص ۲۵۸/باب ۱۶/آداب الصلاة)؛

۴. عدة الداعی و نجاح الساعی/ص ۱۳۹، الدعاء مع أكل الحرام؛

۵. در آداب المریدین نیز ذیل غسل و نماز توبه ذکر شده؛ فلاح السائل و نجاح المسائل فی عمل الیوم و اللیلة







## سیره عملی

## امام خمینی علیه السلام

## در ماه مبارک رمضان

ماه مبارک رمضان، ماه تقرب بندگان به خداست. حضرت امام خمینی علیه السلام ماه مبارک رمضان را فرصت خودسازی می‌دانستند. در این جا سیره عملی ایشان در ماه مبارک رمضان را مرور می‌کنیم.

### ◆ لیلۃ القدر امام

از جمله برنامه‌های ویژه حضرت امام علیه السلام در ماه مبارک رمضان، عبادت و تهجد بود. امام علیه السلام، عبادت را ابزار رسیدن به عشق الهی می‌دانستند و به صراحت بیان می‌کردند که در وادی عشق، نباید به عبادت به چشم وسیله‌ای برای رسیدن به بهشت نگاه کرد.<sup>۱</sup> اکثر آشنایان امام نقل می‌کنند که نماز شب و تهجد، از سن جوانی، جزء برنامه‌های ایشان بود. یکی از نزدیکان ایشان می‌گفت: وقتی در ظلمت و تاریکی نیمه شب، آهسته وارد اتاق امام می‌شدم، معاشقه امام را با ایزد احساس می‌کردم و می‌دیدم که با خضوع و خشوعی خاص، نماز می‌خوانند و قیام و رکوع و سجود را به جا می‌آوردند که حقاً وصف ناپذیر بود. با خودم فکر می‌کردم که شب امام،

حقیقتاً لیلۃ القدر است.<sup>۲</sup> یکی از اعضای دفتر ایشان، در این باره می‌گفت: پنجاه سال است که نماز شب امام، ترک نشده است. امام در بیماری و در صحت و در زندان و در خلاصی و در تبعید، حتی بر روی تخت بیمارستان هم نماز شب خواندند.<sup>۳</sup>

یکی از اساتید قم نقل می‌کرد: شبی میهمان حاج آقا مصطفی بودم. ایشان، خانه جداگانه‌ای نداشتند و در منزل امام زندگی می‌کردند. نصف شب از خواب بیدار شدم و صدای آه و ناله‌ای شنیدم، نگران شدم که مگر اتفاقی افتاده است، حاج آقا مصطفی را بیدار کردم و گفتم: «ببین چه خبر است!». ایشان نشست و گوش داد

۲. امام در سنگر نماز/ص ۸۳؛ هزار و یک نکته، حسین دلمی، نکته ۱۲۹؛

۳. هزار و یک نکته، حسین دلمی، حبيب و محبوب/ص ۵۳؛ سیمای فرزندگان/ص ۱۸۰؛

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۰/۱۱/۶۴؛

و گفت: «صدای امام است که مشغول تهجد و عبادت است».<sup>۱</sup>

### ◆ نوافل و افطار

امام توجه خاصی به نوافل داشتند و هرگز، نوافل را ترک نمی‌کردند. نقل شده است که ایشان در آن گرمای شدید نجف اشرف و در ماه مبارک رمضان با این‌که در سنین پیری بودند و ضعف بسیار داشتند، تا نماز مغرب و عشاء را به همراه نوافل به جای نمی‌آوردند، افطار نمی‌کردند! شب‌ها تا صبح، نماز و دعا می‌خواندند و بعد از نماز صبح، مقداری استراحت می‌کردند و صبح زود، برای کارهایشان آماده می‌شدند.<sup>۲</sup> خانم زهرا مصطفوی می‌گوید: راز و نیاز امام و گریه‌ها و ناله‌های نیمه شب ایشان، چنان شدید بود که انسان را بی‌اختیار، به گریه می‌انداخت.<sup>۳</sup>

### ◆ باران اشک

در ماه مبارک رمضان، این شب‌زنده‌داری و تهجد، وضعیت دیگری داشت. یکی از محافظان بیت امام می‌گوید: در یکی از نیمه‌های شب ماه مبارک رمضان، برای انجام کاری مجبور شدم که از جلوی اتاق امام گذر کنم. حین عبور، متوجه شدم که امام، زار زار گریه می‌کنند! حق‌گریه امام که در فضا پیچیده بود، واقعاً مرا تحت تأثیر قرار داد.<sup>۴</sup>

### ◆ آخرین رمضان و نماز نیمه شب

آخرین ماه مبارک رمضان دوران حیات امام، به گفته ساکنان بیت، از ماه رمضان‌های دیگر متفاوت بود؛

به این صورت که امام، همیشه برای خشک کردن اشک چشمشان دستمالی را همراه داشتند، ولی در آن ماه رمضان آخر، حوله‌ای را نیز همراه برمی‌داشتند تا به هنگام نمازهای نیمه شبشان، از آن استفاده کنند!<sup>۵</sup>

### ◆ توجه ویژه حضرت امام به قرآن کریم

امام خمینی علیه السلام توجه خاصی به قرآن داشتند، به طوری که روزی هفت بار قرآن می‌خواندند! امام در هر فرصتی که به دست می‌آوردند، ولو اندک، قرآن می‌خواندند. بارها دیده شد که امام، حتی در دقایقی قبل از آماده شدن سفره - که معمولاً به بطالت می‌گذرد - قرآن تلاوت می‌کنند!<sup>۶</sup>

۱. همان/ص ۲۸۶؛ برداشت‌هایی از سیره امام خمینی علیه السلام ج ۳/ص ۱۳۲؛

۲. سیمای فرزندگان/ص ۱۵۹؛ برداشت‌هایی از سیره امام خمینی علیه السلام ج ۳/ص ۹۹؛

۳. برداشت‌هایی از سیره امام خمینی علیه السلام ج ۳/ص ۱۳۲؛

۴. هزار و یک نکته، حسین دیلمی، نکته ۱۰۴؛ جلوه‌ای از خورشید/ص ۹۰؛

۵. برداشت‌هایی از سیره امام خمینی علیه السلام ج ۳/ص ۱۲۶؛

۶. پا به پای آفتاب/ج ۱/ص ۲۷۰؛



امام بعد از نماز شب تا وقت نماز صبح، قرآن می‌خواند.<sup>۱</sup>

### ◆ چشم برای قرائت قرآن

یکی از اطرافیان امام می‌گوید: امام در نجف، چشمشان درد گرفت و به دکتر مراجعه کردند. دکتر بعد از معاینه، به امام گفت: «شما باید چند روزی قرآن نخوانید و به چشم‌تان استراحت بدهید». امام خندیدند و فرمودند: «آقای دکتر! من، چشم را برای قرآن خواندن می‌خواهم! چه فایده‌ای دارد که چشم داشته باشم و قرآن نخوانم؟ شما یک کاری کنید که من بتوانم قرآن بخوانم».<sup>۲</sup>

### ◆ ده جزء تلاوت قرآن

یکی از همراهان امام در نجف، اظهار می‌کرد که امام خمینی در ماه مبارک رمضان، هر روز ده جزء قرآن می‌خواندند، یعنی در هر سه روز، یک بار قرآن را ختم می‌کردند.<sup>۳</sup> علاوه بر آن، هر سال چند روز قبل از ماه مبارک رمضان، دستور می‌دادند که چند ختم قرآن برای افرادی که مدنظر مبارکشان بود، قرائت شود.<sup>۴</sup>

### ◆ گزیده‌هایی از توصیه‌ها و سفارش‌های

#### امام علیه السلام به مناسبت ماه رمضان

شما در این چند روزی که به ماه رمضان مانده، به فکر باشید، خود را اصلاح کرده، توجه به حق تعالی پیدا نمایید. از کردار و رفتار ناشایسته خود، استغفار کنید. اگر خدای نخواست، گناهی مرتکب شده‌اید، قبل از ورود به ماه مبارک رمضان، توبه کنید. زبان را به مناجات حق تعالی عادت دهید. مبادا در ماه مبارک رمضان، از شما غیبتی، تهمتی و خلاصه گناهی سر بزند و در محضر

۱. برداشت‌هایی از سیره امام خمینی علیه السلام / ج ۳ / ص ۱۹۸؛

۲. همان / ص ۷؛

۳. همان؛

۴. پا به پای آفتاب / ج ۱ / ص ۱۸۱.

ربوبی، با نعم الهی و در مهمان سرای باری تعالی، آلوده به معاصی باشید. شما اقلاً، به آداب اولیه روزه عمل نمایید و همان طوری که شکم خود را از خوردن و آشامیدن نگه می‌دارید، چشم و گوش و زبان را هم از معاصی باز دارید. از هم اکنون بنا بگذارید که زبان را از غیبت، تهمت، بدگویی و دروغ نگه‌داشته، کینه، حسد و دیگر صفات زشت شیطنانی را از دل بیرون کنید. اگر با پایان یافتن ماه مبارک رمضان، در اعمال و کردار شما هیچ‌گونه تغییری پدید نیامد، و راه و روش شما با قبل از ماه صیام فرقی نکرد، معلوم می‌شود روزه‌ای که از شما خواسته‌اند، محقق نشده است. اگر دیدید کسی می‌خواهد غیبت کند، جلوگیری کنید و به او بگویید: «ما، متعهد شده‌ایم که در این سی روز ماه مبارک رمضان، از امور محرمه خودداری ورزیم.» و اگر نمی‌توانید او را از غیبت باز دارید، از آن مجلس خارج شوید، ننشینید و گوش کنید! باز تکرار می‌کنم: تصمیم بگیرید در این سی روز ماه مبارک رمضان، مراقب زبان، چشم، گوش و همه اعضا و جوارح خود باشید. توجه بکنید که به آداب ماه مبارک رمضان عمل کنید؛ فقط دعا خواندن نباشد، دعا به معنای واقعی‌اش باشد.



# بهار فرصت‌ها

## در ماه مبارک رمضان

### توصیه‌های رمضانیه امام‌خامنه‌ای



#### ماه فرصت‌ها

از قبل از شروع ماه مبارک، پیامبر معظم اسلام ﷺ، مردم را آماده می‌فرمود، برای ورود در این عرصه خطیر و والا و پربرکت؛ «قد اقبل الیکم شهر الله بالبرکة والرحمة». در خطبه روز جمعه آخر ماه شعبان، بنا به روایتی این‌طور فرمود؛ خبر داد، توجه داد به مردم که ماه رمضان فرا رسید. اگر بخواهیم در یک جمله ماه رمضان را تعریف کنیم، باید عرض کنیم، ماه فرصت‌ها... اگر از این فرصت‌ها بتوانیم درست استفاده کنیم، یک ذخیره عظیم و بسیار ارزشمندی در اختیار ما خواهد بود. (۱۳۸۶/۰۶/۲۳)

#### اشکالاتان را پیدا و برطرف کنید

در ماه رمضان در حد توان خودمان باید مراقبت کنیم، رفتار خودمان را تصحیح کنیم؛ فکرمان را، قولمان را، عملمان را تصحیح کنیم؛ بگردیم اشکالاتش را پیدا کنیم، آن اشکالات را برطرف کنیم. این تصحیح در چه جهتی باشد؟ در جهت تقوا. (۱۳۸۹/۰۵/۲۷)

#### ضیافتِ خاصان پروردگار

شروع ماه مبارک رمضان، در حقیقت عید بزرگی برای مسلمانان است و جا دارد که مؤمنین، ورود این ماه را به هم تبریک بگویند و یکدیگر را به استفاده هرچه بیشتر از این ماه توصیه کنند؛ چون ماه ضیافت الهی است. در این ماه فقط مؤمنین و کسانی که اهل ورود در این ضیافتند،



بر سر سفره پروردگار منان و کریم می‌نشینند. این، غیر از سفره عام کرم الهی است که همه انسان‌ها؛ بلکه همه موجودات عالم از آن بهره‌مندند؛ این، سفره خواص و ضیافت خاصان پروردگار است. (۱۳۶۹/۰۷/۱۰)

### ◆ این ماه را از دست ندهید!

گرفتاری زندگی، گرفتاری معاش، گرفتاری امور شخصی، گرفتاری اهل و اولاد و انواع گرفتاری‌ها مانع می‌شود که ما به خودمان، آن‌چنان که شایسته است، برسیم؛ لذا یک ماه رمضان را که خدای متعال قرار داده است، فرصت مغتنمی است. این ماه را از دست ندهید. مقصودم این است که اگر نمی‌توانیم به‌طور دائم در حال مراقبت و ساخت‌وساز خودمان باشیم، اقلاً ماه رمضان را مغتنم بشماریم. (۱۳۷۱/۱۲/۰۴)

### ◆ روزه، قرآن و دعا؛ مائده‌های ماه رمضان

این‌که می‌گویند ماه رمضان، ماه ضیافت الهی است و سفره ضیافت الهی پهن است، محتویات این سفره چه چیزهایی است؟ محتویات این سفره که من و شما باید از آن استفاده کنیم، یکی اش روزه است؛ یکی اش فضیلت قرآن است. قرآن را گذاشتند در این سفره با فضیلت زیاد، بیش از ایام دیگر؛ و به ما گفتند که تلاوت قرآن کنید؛ اینها همان مائده‌هایی است که سر این سفره گذاشته شده.

(۱۳۸۴/۰۷/۱۷)

### ◆ نورانیت به برکت روزه‌داری

ریاضتی که در میهمانی این ماه وجود دارد - که ریاضت روزه و گرسنگی کشیدن است - شاید بزرگترین دستاورد این ضیافت الهی است. برکاتی که روزه برای انسان دارد، به قدری این برکات از لحاظ معنوی و ایجاد نورانیت در دل انسان زیاد است که شاید بشود گفت، بزرگترین برکات این ماه همین روزه است. (۱۳۸۶/۰۶/۲۳)

### ◆ ماه توبه و بازگشت به سوی خدا

یکی از دستاوردهای بزرگ ماه رمضان توبه و انابه است. در دعای وداع ماه مبارک رمضان، امام سجاد علیه السلام به پروردگار عالم عرض می‌کند: «انت الّذی فتحت لعبادک بابا الی عفوک و سمّیته التّوبه»؛ این باب را باز کردی به روی ما که به سوی عفو تو بشتابیم، از نعمت عفو و رحمت تو بهره ببریم. این در، در توبه است. (۱۳۸۸/۰۶/۲۹)

### ◆ خواسته‌های تان را با خداوند مطرح کنید

ماه رمضان یک فرصت الهی است که در اختیار ما قرار داده شده؛ استفاده کنید از این ماه مبارک، از این فرصت بسیار بزرگ؛ دل‌ها را به خدا نزدیک کنید، آشنا کنید؛ با استغفار، دل‌ها و جان‌ها را پاکیزه کنید؛ خواسته‌های تان را با خدای متعال مطرح کنید. (۱۳۸۶/۰۶/۲۳)

### ◆ سحرهای ماه رمضان را از دست ندهید

سحر ماه رمضان همه پا می‌شوند؛ نباید این سحر را از دست داد؛ سحر فرصت خیلی خوبی است... اگر ماها از سحر استفاده نکنیم، در این دنیای شلوغ، وقت دیگری نداریم برای خلوت با خودمان، با دل‌مان، با خدای خودمان. (۱۳۹۸/۰۲/۱۰)

### ◆ فرصت تلطیف روابط اجتماعی

سعی کنیم از این فضای معنویّت و صفا که در ماه رمضان در سطح جامعه عمومیت دارد، برای ارتباطات صحیح و معنوی میان خودمان و دیگران استفاده کنیم و تصمیم‌های درست بگیریم، اقدام‌های درست بکنیم؛ خوش‌بینی را، اعتماد را، ایجاد محبت را، خیرخواهی نسبت به یکدیگر را در ارتباطات خودمان دخالت بدهیم و این بهره را از ماه رمضان ببریم که در روابط اجتماعی و روابط انسانی یک تلطیفی به وجود بیاوریم. (۱۳۹۳/۰۴/۱۱)

# اهمیت و فضیلت توسل و دعا

## در ماه مبارک رمضان

### در نگاه آیت‌الله العظمی بهجت سید



آیت‌الله العظمی محمدتقی بهجت سید، در خانه محقر و قدیمی و در اتاق بسیار ساده‌ای که در آن انبوه کتاب و کاغذها به چشم می‌خورد، سال‌ها زندگی کرد. در گفتار و زندگی این فقیه و عارف، کلام معطر او راهنمای اندیشه و عمل رهجویان و سالکان بود. یکی از ویژگی‌های برجسته این عارف بزرگ، عبادت‌های خالصانه و شب‌زنده‌داری‌های عاشقانه او به‌خصوص در ماه مبارک رمضان بود. در ادامه برخی از توصیه‌ها و سیره این عالم برجسته می‌آید.



### ◆ قرآن سر گرفتن مخصوص شب قدر نیست

ایشان در شب‌های قدر ادعیه وارد در آن شب‌ها را مراعات می‌کرد و شب‌های قدر را که بیدار می‌ماند، قرآن سر می‌گرفت؛ البته ایشان قرآن سر گرفتن را مخصوص شب قدر نمی‌دانست و معتقد بود که خیلی از عبادت‌ها وجود دارد که ما به جهت اینکه نوشته است: در فلان زمان آن را باید بجا آورد، ما خود را از آن محروم می‌کنیم؛ لذا در وقت شدت و گرفتاری‌ها قرآن به سر گرفتن را توصیه می‌کرد و در ایام دیگر همانند شب‌های جمعه، خود نیز مشغول این امر می‌شد.<sup>۱</sup>

### ◆ قرائت حدیث کساء

شب‌ها قبل از خواب حدیث کساء را حتماً قرائت می‌کردند و همچنین با وضو به بستر خواب می‌رفتند و بعدها که به جهت مشکلات نمی‌توانستند وضو بگیرند، با تیمم می‌خوابیدند و بعضی شب‌هایی را که می‌خواستند احیاء بگیرند، یک مقداری استراحت می‌کردند و سپس بلند می‌شدند و می‌فرمودند: «حضرت زهراء علیها السلام، حسنین علیهم السلام را شب زودتر می‌خواباندند تا قبل از نیمه شب برای احیاء بلند شوند.»<sup>۲</sup>

### ◆ تدبیر در قرآن

هر وقت مجلسی می‌رفت، بی‌سر و صدا و تا کسی بلند نشده، سریع می‌رفت و یک گوشه‌ای می‌نشست. تدبیر در قرآن را در سحرها و بین الطلوعین داشت؛ در ماه رمضان در میان روز هم تدبیر در قرآن داشتند.

توصیه‌های آیت‌الله بهجت درباره ماه رمضان

### ◆ لذت طعام را صائمین می‌دانند

در حدیث قدسی آمده است: «الْصَّوْمُ لِي وَأَنَا أَجْزَى

۱. حجت الاسلام علی بهجت فرزند آیت‌الله العظمی بهجت؛

۲. همان؛

به» روزه برای من است و من خود پاداش آن را می‌دهم.<sup>۳</sup> یعنی خداوند متعال ثواب آن را بدون واسطه می‌دهد؛ علاوه بر ثواب‌هایی که در کتاب و سنت ذکر شده است: «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ» پس هیچ‌کس نمی‌داند که چه چشم‌روشنی‌هایی برای آنان مخفی شده است؛ یعنی قابل وصف و توصیف نیست.

در روایت است که: «لِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ: فَرْحَةٌ عِنْدَ إِفْطَارِهِ وَ فَرْحَةٌ عِنْدَ لِقَاءِ رَبِّهِ» روزه‌دار دو خوشحالی دارد: «یکی هنگام افطار و دیگری هنگام دیدار پروردگار»؛<sup>۴</sup> البته این در صورتی است که در فطور و سحری، نخوردن در روز را تدارک نکند.

دوازده روز از رمضان گذشته بود، روزه‌داری در مسجد کوفه می‌گفت: تا به حال گرسنه نشده‌ام؛ صوم هم برای او جوع آور نیست! با اینکه بعضی طالب چلومرغ و غذاهای لذیذند.

درباره مقدار خوردن در روایات آمده است: «وقتی که گرسنه شدی، بخور.»<sup>۵</sup> اگر انسان گرسنه باشد، نان خالی هم برای او لذیذ است؛ لذت طعام را صائمین می‌دانند.

### ◆ مطلوبیت ذاتی محاسبه

«ما باید اهل محاسبه باشیم؛ هرچند اهل توبه نباشیم و تدارک نکنیم؛ خود محاسبه مطلوب است. اگر بدانیم فلان روز حسینی و فلان روز یزیدی هستیم، بهتر از این است که اصلاً ندانیم، یزیدی هستیم یا حسینی. سرانجام ممکن است روزی به خود بیاییم و بخوایم تدارک کنیم.»

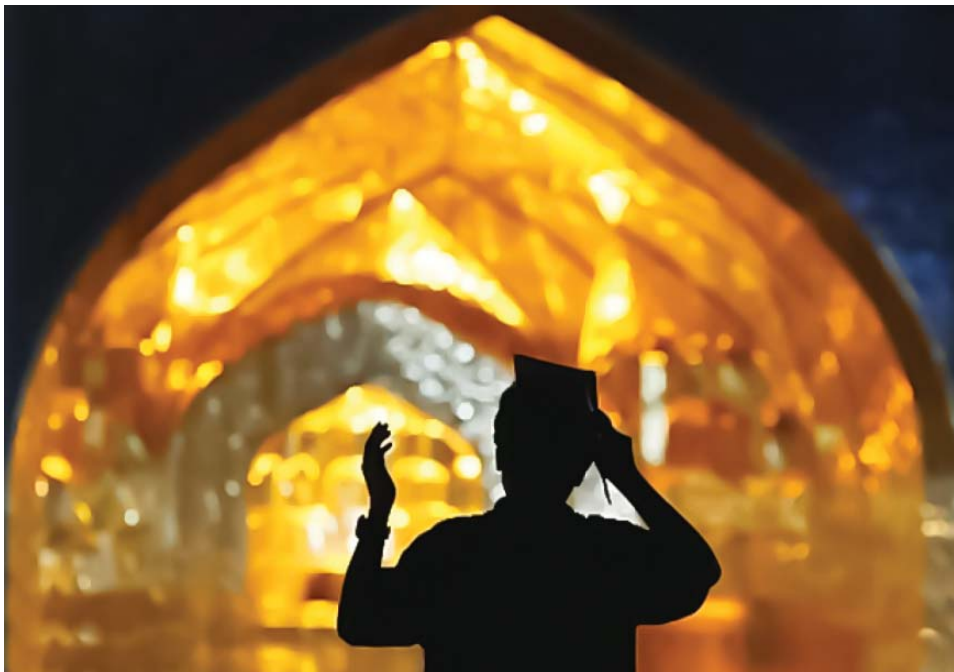
### ◆ اهمیّت دعا و شرط استجاب آن

«در روایات آمده است: «الَّذِي دَعَا سَلَّحَ الْمُؤْمِنِ» و در بعضی دعاها داریم: «اللَّهُمَّ، إِنَّكَ أَقْرَبُ مِنِّي دُعَى؛ خدایا!

۳. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۷۵؛

۴. کافی، ج ۴، ص ۶۵؛

۵. فقه الرضا، ص ۳۴۰؛



تو نزدیکترین کسی هستی که می‌توان از او چیزی خواست»؛ یعنی خدا قریب و مجیب است. «استجابت دعا شرطش توبه است. اگر شرایط دعا جمع باشد، استجابت دعا حتمی خواهد بود؛ البته استجابت به این معنا نیست که تا دعا کردیم، فوراً نتیجه‌اش را ببینیم؛ بلکه گاهی استجابت بعد از دعای خاص خالص و مُخْلِص می‌شود که جزء اخیر علت تامه است. ما باید دعا کنیم تا توفیق حال دعا را پیدا کنیم.»

### ◆ لذت عبادت و مناجات در شب‌های ماه رمضان

می‌شنیدیم و باور نمی‌کردیم؛ لذا به یکی از معاصرین ما گفته بودند: در زمان ما در یک شب، هفتاد نفر در قنوت نماز وتر دعای ابوحمزه می‌خواندند. ایشان بلند شده بود و خود در یکی از شب‌های ماه رمضان احصا (شمارش) کرده بود و دیده بود، در حرم حضرت امیر علیه السلام و رواق و اطراف حرم، پنجاه نفر در قنوت وتر مشغول دعای ابوحمزه هستند. بسیاری از بزرگان، شب‌های ماه رمضان را بیدار می‌ماندند و نمی‌خوابیدند؛ هرچند نزد ما تقریباً واضح است که شب بیست و سوم ماه رمضان، شب قدر است؛ ولی اول ماه باید قدری دقت شود که اول ماه دقیقاً تشخیص داده شود.

ما در بیداری درست به وظیفه خود عمل نمی‌کنیم؛ با این حال منتظر هستیم که بیدار شویم و تهجد بجا آوریم. اگر توفیق شامل حال انسان گردد، از خواب بیدار می‌شود و مشغول تهجد می‌گردد؛ ولی اگر توفیق نباشد، چنانچه بیدار هم بشود، از آنها بهره نمی‌برد. این مطلب به یقین ثابت است و خیلی‌ها نیز نقل کرده‌اند که اگر از حال انسان معلوم شود که می‌خواهد نماز شب بخواند، بیدارش می‌کنند؛ بدون احتیاج به دعاها و آیات معهوده. این بیدارکردن به طرق



مختلف است: یا در می‌زنند و یا صدایی می‌آید و یا او را به نام صدا می‌زنند و...

### ◆ شب قدر چه شبی است؟

از آیت الله بهجت رحمته الله علیه سؤال کردند که بالأخره شب قدر چه کار کنیم؟

ایشان آن شعر معروف را خواندند که:

ای خواجه چو جوئی ز شب قدر نشانی

هر شب، شب قدر است اگر قدر بدانی

ایشان واقعاً همین‌طور بودند و هر شب برنامه‌های عبادی و شب‌زنده‌داری داشتند؛ به همین خاطر شب‌های دیگرشان تقریباً با شب‌های قدرشان فرقی نمی‌کرد؛ البته در شب‌های قدر به عبادت‌های مخصوص همان شب هم می‌پرداختند.

### ◆ مهمان خدا هستیم

خدا می‌داند چه پاداشی برای اعمال [انسان] ثابت است و برای او مقرر می‌شود. نباید خیال کرد که مطلب، مال کمی و زیادی است [بلکه مربوط به] کیفیت است؛ برای خدا باشد، کم هم باشد [سودمند است] و برای خدا نباشد، زیاد [هم] باشد؛ بی‌فایده است.

ما مهمان خدا هستیم، در سفره او هستیم. می‌بیند ما را، می‌داند ما چه کار می‌کنیم، می‌داند که ما خیال داریم، چه [کاری] بکنیم.

### ◆ صورت آخرت ما با بندگی در دنیا شکل می‌گیرد

انسان در این دنیا مأمور به ساختن سیرت خویش است. او آمده است تا با بندگی، صورتی برای آخرتش بیارید و خود را برای ابدیت آماده کند. سیرتی کاندرا وجودت غالب است/ هم بر آن تصویر، حشرت واجب است.

«إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ أَلَّا فَتَعَرَّضُوا لَهَا»؛

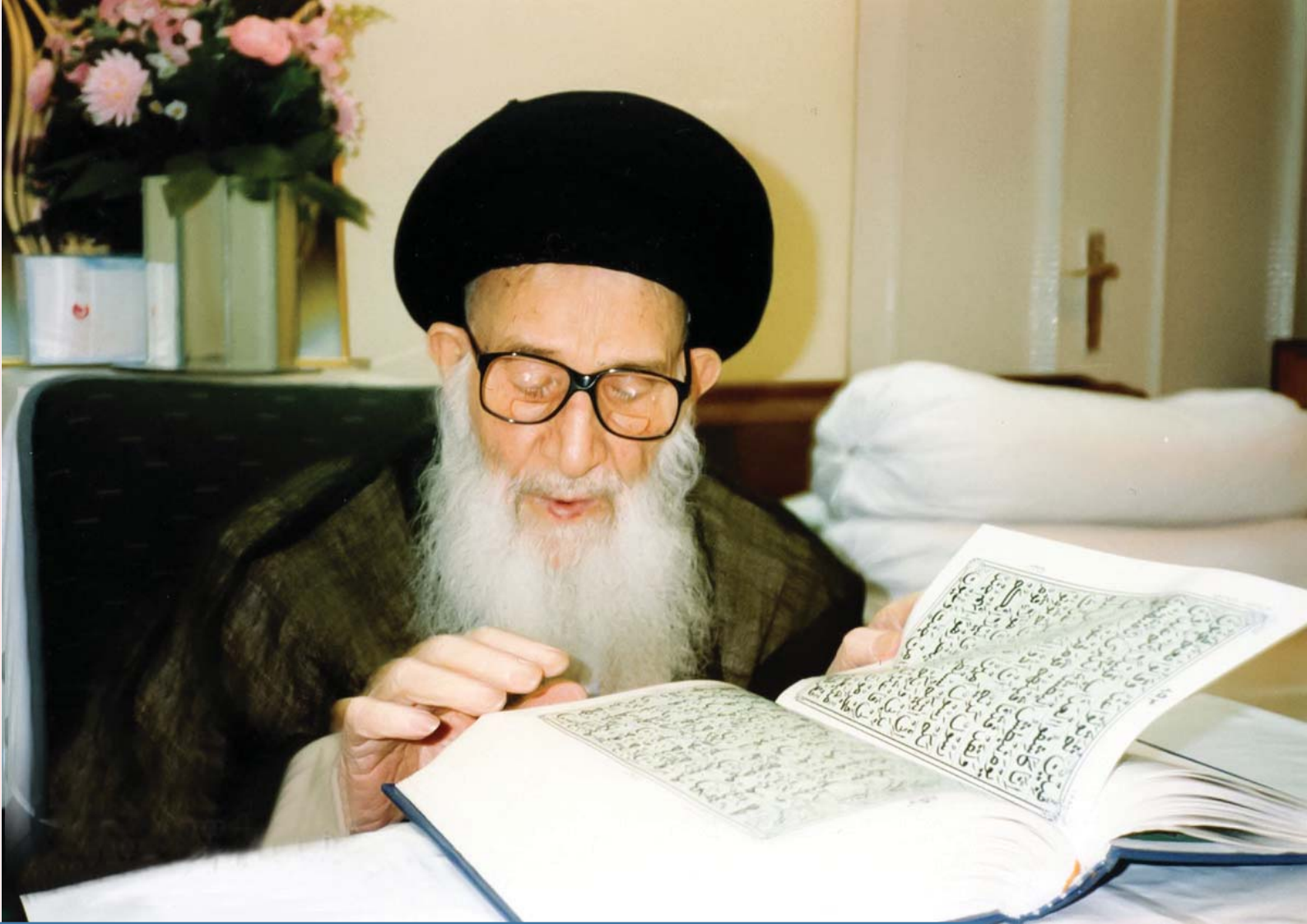
بهترین فرصت خودسازی و تلاش برای رسیدن به سیرتی

زیبا، استفاده از موسم ماه مبارک رمضان است؛ چراکه فرمود: «عَمَلُكُمْ فِيهِ مَقْبُولٌ وَدُعَاؤُكُمْ فِيهِ مُسْتَجَابٌ».

از این رو سالک الی الله به تکاپو می‌افتد و بدن خود را به زحمت می‌اندازد و پا روی نفس می‌گذارد و خواسته‌های خدا را بر خواسته‌های خود ترجیح می‌دهد: «هَلْ الدِّينُ إِلَّا التَّرْجِيحُ عِنْدَ الدَّوْرَانِ؟» آیا دین جز ترجیح [آخرت بر دنیا و یا رضای خدا بر هوای نفس و شیطان] هنگام دوران امر است؟؛ دین‌داری انسان وقتی معلوم می‌شود که بر سر دو راهی دنیا و آخرت و متابعت هوای نفس و شیطان و یا بندگی رحمان قرار گیرد».

چشم از ناپاکی‌ها می‌بندد و دست به سوی آن دراز نمی‌کند و قلب خود را برای خدا خالی می‌کند. برای قرب به محبوب به مستحبات می‌پردازد: «امثال نافله از امثال فرایض اقوی است؛ یعنی اگرچه مُمْتَثِلٌ در فریضه اقوی است؛ ولی امثال و اظهار عبودیت و عبدیت در این نوافل، اقوی از فرایض است». خلاصه آنکه سالک در این ماه رهسپار جاده بندگی می‌شود.





# هروری کوتاه بر سیره عملی آیت الله العظمی گلپایگانی قدس سره

## در ماه مبارک رمضان

اشاره: ماه رمضان، بهترین فرصت برای خودسازی است، و بزرگان دین اسلام همواره بر اهمیت و جایگاه والای آن تأکید کرده‌اند و مسلمانان را به بهره‌گیری از برکات و فضیلت‌های بی‌شمار ماه میهمانی خدا سفارش کرده‌اند.

اولیای الهی خود نیز برنامه‌های خاصی در این زمان‌ها داشته‌اند و ما در این نوشتار، به برخی از برنامه‌های آیت الله العظمی سید محمد رضا گلپایگانی قدس سره در ماه مبارک رمضان که حاصل گفت‌وگو با حجت الاسلام والمسلمین سید محمد باقر گلپایگانی فرزند معظم له می‌باشد، اشاره می‌کنیم. تا علاقه‌مندان از آن الگو برگرفته و همتی مضاعف در بهره‌گیری از این ماه عزیز داشته باشند.



## ◆ طی لسان در قرائت قرآن

یکی از برنامه‌های مستمر و مداوم ایشان، التزام و مراقبت فوق‌العاده به قرائت قرآن بود. چنان انسی با قرآن داشتند و بر مطالب و آیات احاطه داشتند که در عین تأمل و تفکر بسیار سریع قرآن می‌خواندند و در مدت یک ربع یک جزء قرآن را تلاوت می‌کردند. در بعضی از ماه‌های رمضان با این که کار هم داشتند، شاید هفت یا هشت دور قرآن را ختم می‌کردند. در حقیقت ایشان در قرائت قرآن طی لسان داشتند.

در ماه مبارک، ختم قرآن‌های متعددی برای پدر و مادر، اساتید خود، امام‌زادگان واجب‌التعظیم، مؤمنین بد وارث و بی‌وارث داشتند و مکرر می‌فرمودند: این بد وارث‌ها و بی‌وارث‌ها کسی را ندارند، ما باید برای این‌ها ختم قرآن و خیرات بدهیم.

یک بار فرمودند: در یک سالی یکی از این ختم‌ها مانده بود و متوجه شدم که روز ۲۸ ماه رمضان است در حالی که فقط پنج شش جزء بیشتر نخوانده بودم، نشستم و در عرض شش هفت ساعت قرآن را ختم کردم.

قرآن‌هایی که به ایشان هدیه می‌شد، مقید بودند آن‌ها را بخوانند. پس از یک دور تلاوت به دارالقرآن هدیه می‌کردند و می‌فرمودند: زکات قرآن به این است که خوانده شود، زیرا در قیامت قرآن از ما بازخواست می‌کند. قرآن‌هایی که توسط آقا قرائت شده، در دارالقرآن ثبت گردیده است. حتی قرآن‌های نفیس خطی و غیر خطی که به دارالقرآن اهدا می‌شد برای این که در گنجینه دارالقرآن محبوس نشود، خود ایشان یک دور تلاوت می‌کردند.

آقا می‌فرمودند: من هر روز صبح که قرآن می‌خوانم، یکی از آیات را در نظر می‌گیرم و درباره آن آیه از جهات مختلف: فقهی، تفسیری، اخلاقی و تربیتی تا شب فکر می‌کنم تا ببینم این آیه دارای چه پیام‌ها و مطالب آموزنده‌ای می‌باشد. به طلاب هم توصیه می‌کردند: شما که قرآن می‌خوانید، لازم نیست در تمام آیات آن تأمل

کنید (اگرچه اگر بتوانید خوب است) لیکن اگر یک آیه را در نظر بگیرید و در معنای آن فکر کنید و روزی یک آیه مطالعه کنید، در سال ۳۶۰ آیه می‌شود و این خیلی است. یک بار به طلاب فرمودند: آیه ﴿فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِي الْمُقَدَّسِ طُوًى﴾ که راجع به حضرت موسی و کوه طور می‌باشد، بعید است مراد آیه، نعلین ظاهری باشد (کفش‌های را در آور و به سوی ما بیا) بلکه مقصود این است که، خودت را از چیزهای پست و خاکی تخلیه کن، تا بتوانی در این وادی گام بگذاری.

از مواردی که خودم شاهد بودم، این که ایشان بسیار مقید بودند، هر شب پس از نماز مغرب و عشا قرآن بخوانند و همین‌طور پس از نماز صبح. آخرین دوره تلاوت ایشان، تا سوره محمد ﷺ رسیده، که دیگر نتوانستند ادامه بدهند. البته پدر ایشان هم در تلاوت قرآن، شخص عجبی بودند، به طوری که حتی در خواب هم سوره «قل هو الله احد» را می‌خواندند.

## ◆ اقامت نماز جماعت ظهر و عصر در مسجد

معظم‌له ظهرهای ماه مبارک، همیشه برای اقامه نماز ظهر و عصر پیاده به مسجد حسین‌آباد می‌رفتند. از اقامه نماز که برمی‌گشتند، بعد از مختصر استراحتی به کارهای همیشگی‌شان که پاسخ به نامه‌های مردم و استفتائات بود، مشغول می‌شدند که تا نزدیک غروب ادامه داشت.

## ◆ اهتمام به نماز جماعت قبل از افطار

در ماه‌های رمضان تا سال‌های ۴۳ همیشه قبل از افطار با پای پیاده برای اقامه نماز مغرب و عشاء به مسجد می‌رفتند. بعد از اقامه نماز به منزل می‌آمدند و برنامه‌های ملاقات و دیدارهایی که داشتند در خدمت مراجعین و مهمانان بودند و اهتمام جدی به رسیدگی مشکلات مراجع‌کنندگان داشتند.



#### ◆ زیارت حضرت معصومه علیها السلام بعد از سحر ماه مبارک رمضان

ایشان بعد از صرف سحر مقید بودند که برای اقامه جماعت نماز صبح، به حرم حضرت معصومه علیها السلام مشرف شوند. و بعد از زیارت و اقامه جماعت به منزل برمی گشتند و تا طلوع آفتاب قرآن قرائت می کردند.

#### ◆ اهتمام جدی به معیشت طلاب و عموم مردم در ماه رمضان

در ماه مبارک رمضان توجه جدی به مستمندان داشتند، لذا یکی از برنامه های ایشان در این ماه این بود که افطاری قابل توجهی به نیازمندان می دادند و حتی شهریه طلاب را در این ماه دو برابر می کردند و به ائمه جماعات برخی شهرستان ها و استان ها نیز افطاری می دادند.

#### ◆ توصیه اکید به رعایت آداب مهمانی و میزبانی

قبل از اعزام توصیه می کردند که در مهمانی ها رعایت حال صاحب خانه را داشته باشید. مواظب باشید تا صاحب خانه ها به زحمت نیفتند و حتی به میزبان بگویید هر غذایی که خودتان می خورید، همان را آماده کنید. هیچ وقت غذای خاصی را درخواست نکنید.

#### ◆ بر شما واجب می دانم که ایام تبلیغی نماز شب بخوانید

همیشه به مبلغین توصیه می کردند که هر جا تبلیغ می روید، مقید باشید که نماز شب بخوانید؛ چون اگر شما در مکان تبلیغ مقید به نماز شب باشید مردم سعی می کنند که نماز صبح شان را بخوانند، والا آن ها حتی نماز صبح شان را شاید نخوانند! می فرمودند: من نماز





شب را در این ایام بر شما واجب می‌دانم.

### ◆ حسابرسی خمس مال مردم

#### در شب‌های ماه رمضان

قبل از انقلاب حدوداً سال‌های دهه ۳۰ بسیاری از مردم و بازاری‌ها، مقید به پرداخت خمس مال نبودند، و اقدام آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی برای احیای این فریضه فراموش شده این‌طور بود که هر بازاری وقتی ایشان را به افطاری دعوت می‌کرد، یکی از برنامه‌هایش این بود که بعد از افطار مسئله خمس را تشریح می‌کردند و همان شب را که مثلاً شب دوم ماه مبارک بود برای صاحب‌خانه شروع سال خمسی قرار می‌دادند. به این صورت آن صاحب‌خانه هر ساله در همان شب مقید بود که بعد از افطاری، خمس را محاسبه کند. به این ترتیب بازاریان را به پرداخت خمس عادت می‌دادند.

### ◆ احیاء مراسم پرشور معنوی شب‌های قدر

تا سال ۱۳۴۱ مراسم سخنرانی و برنامه قرآن به سر را در شب‌های احیاء خودشان انجام می‌دادند. جلسات شب‌های قدرشان، آن قدر پرشور و معنوی بود که از همان ابتدای مراسم تا پایان آن، مردم گریه می‌کردند و اشک می‌ریختند.

مراسم شب‌های احیای ایشان در مسجد حسین‌آباد قم، از معروف‌ترین و باشکوه‌ترین برنامه‌های احیاء بود که برخی از علما و بزرگان قم، مردم را تشویق به شرکت در مراسم احیاء آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی می‌کردند.

ایشان در برنامه‌های احیاء مقید بودند که همان ادعیه و اذکاری که اهل بیت علیهم‌السلام به آن موارد سفارش و تأکید کرده‌اند را بخوانند و چیزی به آن اضافه نمی‌کردند و لذا از اول «بک یا لله» تا پایان، همان اذکار را بدون کم یا زیاد قرائت می‌کردند.

تقید ایشان به اذکار وارده در شب‌های قدر و ادعیه

مأثوره، آن قدر بود که در آن زمانی که خودشان منبر نمی‌رفتند و منبری دعوت می‌کردند، یک شبی یکی از علمای قم منبر رفتند و برنامه احیاء را انجام دادند، اما بین ادعیه وارده، مطالبی به مناسبت اضافه کردند! آقا، فردای آن شب به منبری فرمودند: که من دیشب مجدداً قرآن به سر را در منزل انجام دادم و توصیه کردند که روضه و مصیبت را قبل یا بعد از این ادعیه بخوانید و تأکید می‌کردند که اگر غیر از این بود، اهل بیت علیهم‌السلام آن را می‌فرمودند.

هر شب بعد از افطار، دعای افتتاح را با حال و سوز معنوی می‌خواندند و نیز مقید بودند که دعای ابوحمزه ثمالی را هم بخوانند.

ایشان در قرائت دعای ابوحمزه ثمالی وقتی به فرازهای «یا رب، یا رب» می‌رسیدند، آن قدر با صدای حزین و سوزناک قرائت می‌کردند که هر کسی این صحنه را می‌دید یا می‌شنید، منقلب می‌شد.

### ◆ اهمیت به مستحبات

ایشان بسیار به مستحبات مقید بودند. در شب احیاء سوم سعی می‌کردند هر دو غسل مستحبی که برای قبل اذان مغرب و آخر شب وارد شده است را انجام بدهند. هیچ‌وقت عمامه را نشسته به سر نمی‌گذاشتند، بلکه بلند می‌شدند و با یک ادب و احترام خاصی عمامه را به سر می‌کردند، یا شلوار را هیچ‌وقت ایستاده نمی‌پوشیدند. تأسیلاً به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، هر وقتی که می‌خواستند از منزل خارج شوند، به آینه نگاه می‌کردند و با یک وضع مرتب و منظم از خانه خارج می‌شدند.

معمولاً افطاری و سحری مختصری می‌خوردند، همیشه مستحبات غذا خوردن را که در کتب ادعیه آمده، رعایت می‌کردند و مقید بودند که قبل از افطاری و سحری و هم چنین بعد از آن، دعاهایی که در مفاتیح‌الجنان آمده و اهل بیت علیهم‌السلام توصیه کرده‌اند را بخوانند.



## حکمت‌های اجتماعی روزه

### نوشتاری از

### آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی

چنان‌چه می‌دانیم روزه دارای فواید، حکمت‌ها، مصالح روانی و اخلاقی، جسمی، اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی، درمانی و حتی سیاسی است و باید در هریک از این فواید جداگانه و مستقل به بحث پرداخت. تذکر و توجه به این فواید، یقین مسلمان را به دین اسلام، زیاد و اطمینانش را به حکمت خدا در تشریح این فریضه بزرگ قوی‌تر می‌سازد.

در این مجال، می‌خواهیم برخی از حکمت‌های اجتماعی روزه را یادآور شویم تا در سایه آن به اوضاع اجتماعی کنونی نیز توجه کنیم و از ماه رمضان و آیین روزه‌داری، برای اصلاح وضع اجتماعی خود کمک بگیریم.



## تقویت اراده و افزایش انگیزه

### برای فعالیت‌های اجتماعی

یکی از فواید اجتماعی روزه - چنانچه مکرر تذکر داده‌ایم - این است که روزه، اراده اجتماع را قوی و همت جامعه را بلند و بر هواها و امیال و شهوات، حاکم و مسلط می‌سازد.

کسی که توانست مدت چهارده ساعت - کمتر یا بیشتر - در شدت گرما، طعام و غذا را ترک و زحمت و رنج تشنگی را تحمل کند و از لذایذ جنسی خودداری نماید، می‌تواند برای مصالح بزرگ اجتماعی و برای حفظ شرف و آبروی خود و جامعه نیز شکیبایی ورزد، و دشواری‌ها و ناراحتی‌ها را برای نیل به مقاصد عالی اجتماعی متحمل گردد.

بدیهی است هر اجتماعی که بخواهد در راه ترقی قدم به جلو بردارد و با حرکات و نهضت‌های مترقیانه به پیش رود، به قوت اراده، عزم آهنین و همت بلند نیاز دارد؛ قوت و همتی که او را به اقدامات بزرگ و نهضت‌های خطیر برانگیزد، و از تصور شکست و ضعف و عقب‌نشینی در برابر عوامل مأیوس‌کننده و مخرب، مصون بدارد.

یگانه چیزی که سبب امتیاز افراد و اجتماعات از یکدیگر و باعث پیروزی و غلبه آن‌ها بر مشکلات است، قوت اراده و عزم راسخ است که هر ملتی از آن بیشتر برخوردار باشد، بیشتر می‌تواند با مشکلات و مصائب دست‌وپنجه نرم کند و مصالح عالی عمومی را با بذل مصالح و منافع شخصی و ترک هواهای نفسانی بازخرد نماید.

نقش روزه و تأثیر آن در تکمیل و تقویت اراده، بسیار مهم است؛ زیرا روزه تمرین صبر و خویش‌داری و قوت اراده و ایجادکننده عزم محکم به واسطه ترک لذایذ حلال، و سبب صبر و شکیبایی در ترک لذایذ حرام است.

## درس عبرت از شرافت نفس و علو طبع بینوایان

یکی دیگر از فواید اجتماعی روزه، تذکر و یادکردن حال فقرا و طبقه محروم و توجه به شرافت نفس و علو طبع بینوایان صابر و شکیباست.

اگر روزه‌دار متمکن و توانگر، فقط در ماه رمضان به صبر و شکیبایی می‌پردازد و از خوردن غذاهای لذیذ و اعمال غریزه جنسی خودداری می‌کند، فقیر و محروم صابر و باایمان، علاوه بر اجرای برنامه ماه رمضان، در تمام سال، بر محرومیت‌هایی که دارد صبر می‌کند و از حدود شرع تجاوز نمی‌نماید و زبان به شکایت از خدا نمی‌گشاید و به مال کسی چشم طمع ندوخته و به اغنیا و ثروتمندان حسد نمی‌ورزد.

پس روزه‌دار توانگر و فهیم، درمی‌یابد که چه بسا این دسته از فقرا و محرومین مؤمن، به واسطه صبر بر محرومیت‌ها، در قوت اراده و شرافت طبع و بلندی همت بر او فضیلت داشته باشند؛ زیرا هرچه کام‌گیری‌های نفسانی بیشتر باشد و طبع، معتاد به هواپرستی، و مشغول به لذت‌های جسمانی شد، مقاومت در برابر آن دشوارتر و اراده، ضعیف‌تر و توانایی انسان در برابر مشکلات و سختی‌ها و اقدام به اعمال نیک و بزرگ کمتر می‌شود.

چنانچه در تاریخ بزرگان دیده شده و به تجربه نیز ثابت گردیده، در خاندان‌هایی که با ناز و نعمت فراوان خو گرفته باشند، افراد برجسته، باهمت، شجاع و بااراده کمتر پیدا شده و در خانواده‌هایی که با اختیار یا بدون اختیار، به ترک لذایذ و بی‌اعتنایی به امور مادی و تن‌پروری مبادرت شده، نوابغ و مردان باشخصیت و بااراده، بیشتر ظهور کرده‌اند.

پس روزه‌دار هم به عزت نفس و شرافت فقرای فاضل آگاه گشته و هم از سختی و رنج آن طبقه محروم اجتماع، خبردار می‌شود و به فکر کمک به آن‌ها می‌افتد.

در حدیث است که حمزه بن محمد، به حضرت امام



حسن عسکری علیه السلام نوشت: چرا خدا روزه را واجب فرموده؟  
 پاسخ رسید: «لِيَجِدَ الْغَنِيُّ مَضَضَ الْجُوعِ فَيَحْنُو (فَيَحْنُو) عَلَى الْفَقِيرِ»؛<sup>۱</sup> برای این که توانگر درد  
 گرسنگی را بیابد و به فقیر عطوفت نماید.  
 و از حضرت امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: «إِنَّمَا فَرَضَ اللَّهُ الصِّيَامَ لِيَسْتَوِيَ بِهِ الْغَنِيُّ  
 وَالْفَقِيرُ»؛<sup>۲</sup> خداوند روزه را واجب گردانید تا به وسیله آن غنی و فقیر مساوی گردند.

### ◆ پرورش روح و آزاد شدن از هوای نفس

از دیگر فواید روزه آن است که روزه‌دار، حقیقت آزادی و حریت را درک می‌کند و روزه او را  
 از شهوات، عادات و پرستش هوای نفس آزاد می‌سازد و روح او را ارتقا داده و فکرش را روشن  
 می‌نماید، در پیکر اجتماع، روح آزادی می‌دمد و همه را به خضوع در پیشگاه آفریدگار - که جز  
 او کسی سزاوار پرستش نبوده و هر مخلوقی از قید رقیب و عبودیت او بیرون نیست - رهبری  
 می‌نماید و از بشرپرستی و کرنش و تعظیم در برابر صاحبان قدرت‌های مادی و ستمگران باز  
 می‌دارد.

روزه‌دار مؤمن و خداشناس، آزاد واقعی است؛ آزادی که کامل‌ترین معانی و مفاهیم آزادی را  
 درک کرده است.

کسانی که آزادی را به ترک وظایف و التزامات شرعی و عقلی و هوس‌رانی و شهوت‌پرستی  
 می‌دانند، بنده شهوات و اسیر هوای نفس هستند. چنین افرادی، مؤمنان را - که به پرستش  
 خدای یگانه می‌پردازند - مسخره می‌نمایند؛ در حالی که خودشان در پرستش هوا و شهوات و  
 لذات خسیسه، طوق عبودیت به گردن انداخته و مصداق این کلام معجزه نظام الهی می‌باشند:  
 ﴿أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ﴾؛<sup>۳</sup> آیا آن کس که هوای [نفس] خود را معبود خویش گرفته است  
 دیدی؟

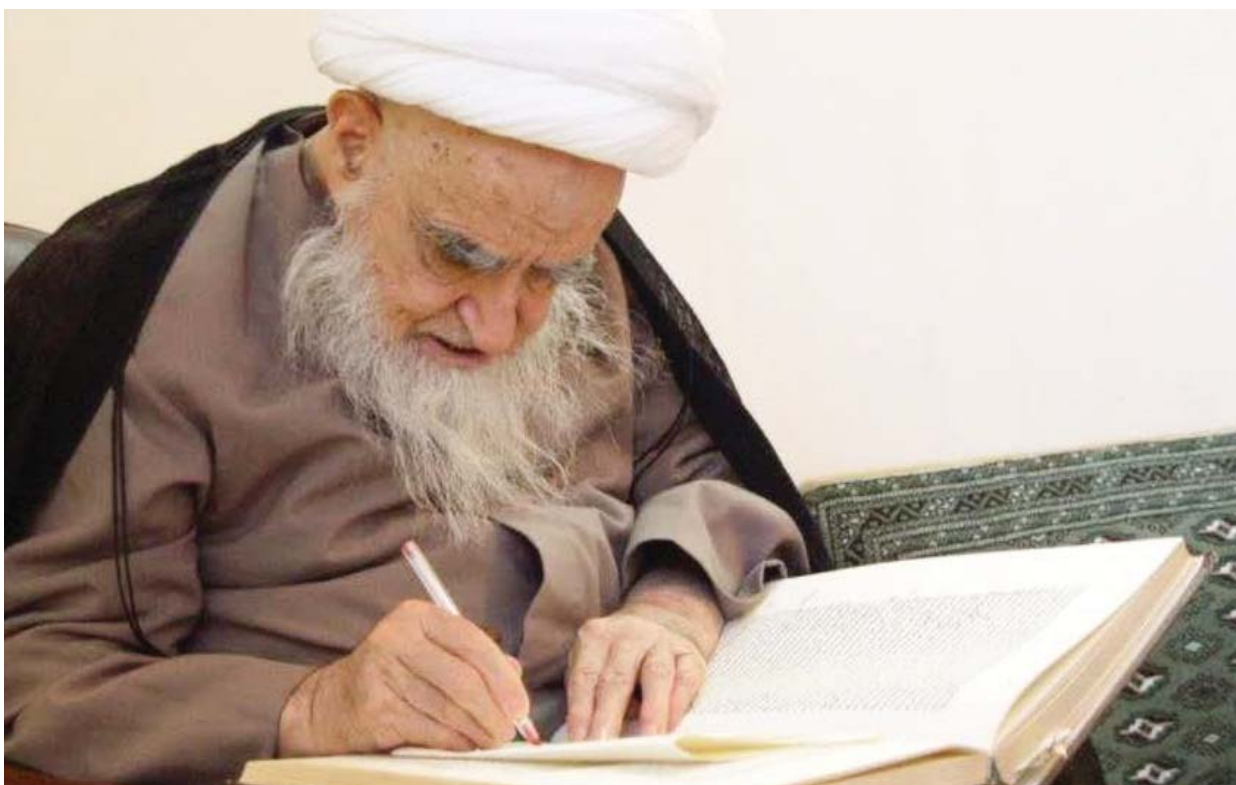
آن هنگام که هوای نفس مطاع و معبود شد، استبدادش از استبداد هر سلطان مستبد  
 خطرناک‌تر است و اگر از استبداد هوای نفس پیروی شد، خطرش، زوال شخصیت، شرف و  
 حیثیت است و آن کسانی که پیروی از پلیدی‌های نفس و شهوت‌پرستی و سرپیچی از اوامر  
 شرع را آزادی می‌دانند، علاوه بر آن که معنای آزادی را نفهمیده‌اند، در پلیدترین قید و بندها  
 مقید و بسته هستند و تا قیود و صفات ذمیمه ای چون حرص و آز، حب دنیا، تجملات و جاه  
 و ریاست را پاره نکنند و به جهان آزاد خداپرستی و صف آزادمردان موحد منتقل نشوند و اعلان  
 آزادی بشر را در تعالیم اسلام نخوانند، از نعمت آزادی بهره‌ای نمی‌برند.  
 «ابن خضرویه» می‌گوید:

۱. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۱۸۱؛ فیض کاشانی، الوافی، ج ۱۱، ص ۳۳؛

۲. صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۷۳؛

۳. جائیه، ۲۳؛





«فِي الْحُرِّيَّةِ تَمَامُ الْعُبُودِيَّةِ، وَفِي تَحْقِيقِ الْعُبُودِيَّةِ تَمَامُ الْحُرِّيَّةِ»<sup>۱</sup> در آزادی حقیقی، تمام عبودیت و پرستش خدا و در پرستش خدا، تمام آزادی درج است. آزادی، رهایی از بندهای پرستش غیرخدا و اخلاق زشت و عادات ناپسند است و اعتماد و اتکای به خدا و بندگی خالص و عبودیت حقیقی خدا، آزادی از قید بندگی و اسارت دیگران است.

#### ◆ تعرین اخلاص و پرهیز از حب شهرت

روزه، تمرین اخلاص و پاکی نیت و تنزه از ریا و اجتناب از شهرت طلبی و مدح و ثنای خلق است. این عیوب و آفات، در امور نیک دیگر بیشتر وارد می شود، ولی روزه دار ناچار به حفظ روزه و امساک از مفطرات نیست؛ زیرا ممکن است در خلوت از مفطرات امساک ننماید و خود را روزه دار معرفی کند.

پس اگر شخصی در تمام مدت روز و در پنهان و آشکار روزه دار بود، علامت پاکی نیت و صدق باطن و اخلاص اوست و فایده آن، تمرین و تربیت نفس بر خلوص نیت و طهارت مقصد و پرهیز از حب شهرت و عوام فریبی و حب جاه و کسب اعتبار در بین مردم است. هر مقدار که اجتماع از آفات عوام فریبی و حب شهرت و جاه و مقام پاک شود، اشتباه کاری ها از بین می رود و بزرگ ترین خطری که حیات زعما و رهبران ملل و حتی حکما و دانشمندان را تهدید می کند، همین عوام فریبی و حب جاه و شهرت است که به واسطه آن، اعمال از مسیر حقیقت پرستی و واقع بینی منحرف شده و اجتماع در اشتباه می افتد. علت عمده شکست بسیاری از نهضت ها و قیام ها و حرکات اصلاحی، عدم خلوص نیت از ابتدا و یا آلوده شدن نیت در میانه راه به این آفات است و لذا هرچه اجتماع انسانی از این آفات بیشتر، تطهیر شود و سران و رهبران، از حب مدح و سپاس پاک باشند و مبالغه و گزافه گویی و تواضع نسبت

۱. ر.ک: سلمی، طبقات الصوفیة، ص ۱۰۴؛

به آن‌ها از بین برود، چنین جامعه‌ای به سوی ترقی واقعی خود بهتر قدم برمی‌دارد.<sup>۱</sup> از این جهت در اسلام به اخلاص در نیت و توحید در عبادت، اهمیت بسیار داده شده است.

قرآن مجید می‌فرماید: «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ»<sup>۲</sup>؛ و فرمان نیافته بودند جز این که خدا را بپرستند، در حالی که به توحید گراییده‌اند.

معنای خالص قرار دادن دین، برای خدا این است که انسان‌ها اعمال و رفتارهایی که جنبه معنوی و وجهه ربوبی دارد را فقط برای خدا به جا آورند و در برنامه‌های بازرگانی و روابط اجتماعی، سیاسی و نظامی فقط به احکام خدا ملتزم باشند، و از غرور و حب جاه و جنبه‌های شخصی، خود را پاک کرده و از التزام به آن چه بیرون از احکام خدا و حدود شرع است پرهیز نمایند، و در هر کار و عمل و هر حرکت، رضای خدا را شرط بدانند.

در روزه و برنامه‌های ماه رمضان، درس و آموزش حقایق عالی و حکمت‌های بزرگ نهفته است و به قدری این عبادت، از ریا دور است که خدا آن را برای خود و مخصوص خود معرفی فرموده است؛ با این که تمام عبادات باید برای خدا انجام شود.

از حضرت امام صادق علیه السلام روایت شده است که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «الصَّوْمُ لِي وَأَنَا أَجْزِي عَلَيْهِ»<sup>۳</sup>.

زهر حرف بشارت ده سراسر بود لفظ انا اجزی نکوتر<sup>۴</sup>

### ◆ پرهیز از مجادله در گفتار و نوشتار

یکی دیگر از فواید اجتماعی روزه، حصول ملکه حسن خلق و عفو و گذشت و دوری از کینه‌توزی، تندخویی، بدزبانی، ستیزه‌جویی، غیبت و دشنام است؛ زیرا از جمله تعالیمی که به طور مؤکد به روزه‌دار داده می‌شود این است که مواظب چشم، زبان و گوش خویش باشد و اگر از کسی نادانی و بی‌ادبی دید یا دشنام و سخن زشتی شنید، به او پاسخ ندهد.

در حدیث است که حضرت ابی‌عبدالله علیه السلام فرمود: «إِذَا صُمْتَ فَلْيَصُمْ سَمْعَكَ وَبَصْرَكَ وَشَعْرَكَ وَجِلْدَكَ وَعَدَدَ أَشْيَاءَ غَيْرَ هَذَا وَقَالَ: لَا يَكُونَنَّ يَوْمَ صَوْمِكَ كَيَوْمِ فِطْرِكَ»<sup>۵</sup>؛ وقتی روزه می‌گیری، باید گوش تو و چشم تو و موی تو روزه بگیرد و چیزهای دیگر را شمرد و فرمود: نباید روزی که تو روزه هستی مثل روزی که روزه نیستی، باشد.

۱. نهج البلاغه خطبه ۲۱۶ (ج ۲، ص ۲۰۰-۲۰۱)؛ کلینی؛

۲. بینه، ۵؛

۳. فیض کاشانی، الوافی، ج ۱۱، ص ۲۴-۲۵؛

۴. از گنج دانش مرحوم آیت الله والد؛

۵. صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۰۸؛





و از رسول خدا ﷺ روایت است که فرمود:

«مَا مِنْ عَبْدٍ صَائِمٍ يُشْتَمُ فَيَقُولُ: إِنِّي صَائِمٌ سَلَامٌ عَلَيْكَ لَا أَشْتُمُكَ كَمَا تَشْتُمُنِي إِلَّا قَالَ الرَّبُّ تَعَالَى: اسْتَجَارَ عَبْدِي بِالصَّوْمِ مِنْ شَرِّ عَبْدِي قَدْ أَجَزْتُهُ النَّارَ»؛ بنده روزه داری نیست که به او دشنام داده شود و او به دشنام دهنده بگوید: من روزه هستم. سلام بر تو! من دشنام نمی‌دهم؛ چنانچه تو دشنام می‌دهی؛ مگر این که پروردگار تعالی می‌فرماید: بنده من به وسیله روزه از شر بنده [به من] پناه جست و من به تحقیق او را از [شر] آتش پناه دادم.

ذکر فواید و حکمت‌های اجتماعی روزه نشان می‌دهد که روزه یک کلاس تربیتی، اجتماعی و عملی و تعلیم سلوک و معاشرت هرچه بهتر و منزه‌تر و انسانی‌تر است. از این رو در صدر اسلام اجتماع اسلامی از حیث سلوک اجتماعی و معاشرت افراد با یکدیگر و روابط آن‌ها باهم راقی‌ترین اجتماعات بود و مدرسه عبادات اسلام، از جمله کلاس «روزه»، مسلمانان را شایسته آن نمود که رسالت اسلام را به دنیا ابلاغ کنند و با ثمرات اخلاقی و برکات درس‌های آن - که عبارت از ایثار، فداکاری، استقامت، تملک نفس، کوشش در راه هدایت و بیداری ملت‌ها و آزادی اجتماعات از ظلم سران و فرمانروایان و پیکار با جهل، فساد عقیده و رذایل اخلاقی است - جهانیان را به حقیقت اسلام متوجه سازند.

این معانی بلند را مسلمانان صدر اسلام، در ضمن ادای عبادات و برنامه‌های نماز، روزه، حج و... فرا گرفته و در پیاده‌کردن آن می‌کوشیدند.

اکنون نیز ماه رمضان این آثار را داراست و طبق آمارهایی که داده می‌شود، از میزان و تعداد جرایم و جنایات در این ماه کم می‌شود.

مسلمانان در وضع اجتماعی کنونی، به تلمذ در مدرسه عالی روزه ماه مبارک بیش از گذشته احتیاج

دارند و هتک حرمت این ماه با افطار روزه، مبارزه با این مدرسه تربیتی اسلامی و مخالفت با تهذیب نفوس و تزکیه اخلاق و تکامل و ترقی جامعه بوده و معاندت با خدا و اهانت و استخفاف فرمان خالق جهان و جهانیان است.<sup>۲</sup>

۱. صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۱۰؛

۲. منبع: عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق یا ماه مبارک رمضان.

# توصیه‌های اخلاقی و رمضانیه

## آیت‌الله العظمی و حید خراسانی



### ◆ توصیه به ختم قرآن

حداقل در ماه رمضان باسوادها دو ختم قرآن بکنند؛ یک ختم به امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام هدیه کنند و یک ختم به امام زمان عَجَلُ الْفَتْحِ چرا؟ چون ماه، ماه امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام و ماه امام زمان عَجَلُ الْفَتْحِ است.

در هر ماه نیت‌تان این باشد که من این ختم [قرآن] را می‌خوانم فقط برای امام زمان عَجَلُ الْفَتْحِ. اگر این کار را بکنی اثرش چیست؟ اثرش این است که طبق حدیثی که تمامی مشایخ مثل شیخ مفید، شیخ کلینی، سیدبن طاووس رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ نقل کرده‌اند، جزای آن کسی که این کار را بکند؛ یعنی ختم کند قرآن را برای امام زمان، کارش این باشد، این است که از امام زمان عَجَلُ الْفَتْحِ جدا نخواهد شد. منتها کیست که قدر این نعمت‌ها را بداند. عمر گذشت تا حالا نفهمیدیم از حالا بفهمیم.

شروع کنید ختم قرآن برای او. اثرش را کی می‌فهمید؟ اثرش را آنجا می‌فهمی... اگر یک دوره سال هر ماه یک ختم قرآن برای امام زمان عَجَلُ الْفَتْحِ کردی شب قدر که دفتر عملت را نزد او می‌برند، وقتی نگاه کرد، دید که تو یکسال، هر ماه، برای او یک ختم قرآن کردی، آیا آن سلیمان عالم وجود که تمام آنچه ۱۲۴ هزار پیغمبر عَلَيْهِمُ السَّلَام از مناقب داشتند، همه در وجود اوست، آیا او با تو جوان چه خواهد کرد؟ اینهاست که از دست ما رفته. این گوهرهاست که عمر گذشته است و ما نفهمیدیم.

### ◆ مزد و پاداش این مراقبت

این حدیث، حدیثی است که شیخ انصاری رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، فقیهی مثل او در معضل‌ترین مسئله در دماء بر طبق سند این حدیث فتوا می‌دهد. این حدیث، کلمه فصل است. گفت: یابن رسول الله! من ماه رمضان ختم‌های قرآن کردم، یک ختم قرآن برای جدت پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، یک ختم قرآن برای جدت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام، یک ختم قرآن برای جدات حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام، تا رسید ختم قرآنی





برای تو کردم یا ابا الحسن! ما لی بهذا؟ آیا برای من در قبال این عمل چیست؟... امام فرمود: «لک بذلک أن تكون معهم [یوم القیامة]». اصلاً خود من الآن که می‌گویم، متحیرم. فرمود: جزای تو که قرآن خواندی، ختم قرآن را هدیه کردی به رسول خدا، به علی مرتضی علیه السلام، جزای تو این است که با او باشی و از او جدا نشوی. این مرد، فقیه است. وقتی این کلمه را شنید، مبهوت شد و گفت: لی هذا بهذا؟ در مقابل این، این برای من است؟ معیت؛ آن هم با خاتم، با سید اوصیاء؟ سه مرتبه امام فرمود: «نعم، نعم، نعم» بله، بله، بله؛ جزای تو این است که با او باشی [در روز قیامت].

جوان‌ها از حالا شروع کنید. بعد روحتان می‌شود اکسیر احمر؛ یک روز می‌بینی شب شده، صد تا سوره (قل هو الله احد) خواندی!! آن وقت این صد تا سوره چه می‌کند؟ اولاً: به حکم روایات متعدده هم از طرق عامه، هم از طرق خاصه، قرائت یک سوره ﴿قل هو الله احد﴾ ثلث تورات، ثلث انجیل، ثلث زبور و ثلث قرآن حساب می‌شود؛ آن وقت سه سوره که خواندی، خدا به رحمت و اسعاه اش اجر تورات و انجیل و زبور و قرآن را به تو می‌دهد. این سوره را بخوانید، شروع کنید از امروز، همه را هم هدیه به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف کنید، آن هدیه به امام زمان، اثرش این است که این سوره دیگر رد نمی‌شود.

### ♦ توصیه به قرائت سوره توحید

... به دیگران هم سفارش کنید، نماز صبح را که خواندید، یازده بار سوره ﴿قل هو الله احد﴾ را بخوانید، وقت خواب هم یازده بار این سوره را بخوانید، بین روز هم که بی‌کارید، راه می‌روید، این سوره را بخوانید، شما

# آداب ورود به ماه مبارک رمضان آیت الله العظمی مکارم شیرازی



در فرهنگ اسلامی و روایات پیشوایان دین، برای مناسبت‌های ماه‌های قمری، آداب و اعمالی نقل شده است؛<sup>۱</sup> آداب و اعمالی برای آغاز هر ماه که پیوند خلق با خالق را محکم می‌کند، یاد خدا را در خاطره‌ها زنده نگه می‌دارد و انسان را در پناه قدرت لایزال او قرار می‌دهد؛ به یقین این توجه، سبب حل بسیاری از مشکلات و دفع بلاها و آفات خواهد شد.<sup>۲</sup>

در این میان در تمام سال، ماهی به عظمت ماه پربرکت رمضان نیست؛<sup>۳</sup> ماه ضیافت و میهمانی خدا که بهترین پذیرایی خداوند مهربان در این ماه پربرکت، همان «قرآن مجید» است که در این ماه نازل شده و چه ضیافتی بالاتر از اینکه میزبان، برای میهمانان خویش کتابی فرو فرستد که تمام سعادت بشر در آن باشد.<sup>۴</sup>

از سوی دیگر، ماهی است که شب قدر در آن واقع شده؛ شبی که مقدرات یکسال انسان‌ها بر حسب شایستگی‌ها و لیاقت‌های‌شان تعیین می‌گردد و عبادت آن برتر از عبادت هزار ماه است!<sup>۵</sup>

هم‌چنین، بهار عبادت و ماه تعلیم و تربیت، ماه طهارت و پاکی و ماه تقوا و خودسازی است؛ ماهی که مراحل قرب الهی و سیر و سلوک الی‌الله را با گام‌های سریع و استوار می‌توان پیمود.<sup>۶</sup> لذا ماه مبارک رمضان، از جمله گوهرهای بسیار باارزشی است که بهره‌گیری صحیح از آن؛ از جمله ورود در آن ماه، مرهون شناخت و معرفت کافی آن است. بدون آمادگی نمی‌توان به استقبال ماه مبارک رمضان رفت؛<sup>۷</sup> همیشه در ضیافت و میهمانی،

۱. کلیات مفاتیح نوین، ص ۵۹۸؛

۲. همان، ص ۵۹۵؛

۳. همان، ص ۶۹۵؛

۴. والاترین بندگان، ص ۱۱؛

۵. کلیات مفاتیح نوین، ص ۶۹۵؛

۶. همان؛

۷. گفتار معصومین علیهم‌السلام، ج ۲، ص ۱۲۲؛







آخر ماه شعبان، بسیار استغفار کنیم تا نشاط عبادت بیابیم.<sup>۳</sup>

در خطبه‌ای از پیامبر گرامی اسلام ﷺ که در آخرین جمعه ماه شعبان، درباره ماه رمضان ایراد فرمودند، چنین می‌خوانیم: «أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ أَنْفُسَكُمْ مَرْهُونَةٌ بِأَعْمَالِكُمْ فُكُّوْهَا بِاسْتِغْفَارِكُمْ...؛ ای مردم! روان‌ها و نفس‌های شما درگروی اعمال شماست؛ پس با استغفار و توبه رهایشان کنید...».<sup>۴</sup>

آری نفس ما و حرّیت آن درگروی اعمال ماست؛ اعمال زشت و گناهان ما، غل و زنجیرهای دست و پای نفس ما هستند که با استغفار باز می‌شوند و نفس آزاد می‌گردد.<sup>۵</sup> بی‌شک آن سفارش مهم نبوی، خطاب به همه است. وقتی انسان هر گناهی که رسید، انجام می‌دهد، در نهایت

۳. همان؛

۴. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۲۲۷؛ اخلاق اسلامی در نهج البلاغه (خطبه

متقین)، ج ۲، ص ۳۶؛

۵. اخلاق اسلامی در نهج البلاغه (خطبه متقین)، ج ۲، ص ۳۶؛

هم میزبان باید آماده باشد و هم میهمان؛ میزبان باید وسایل پذیرایی را آماده کند و میهمان، باید از نظر لباس و نظافت خود را آماده کند. خداوند که میزبان ما در این ماه است، چون رحمتش عام و بی‌پایان است، همیشه آماده پذیرایی می‌باشد و این ما هستیم که برای ورود در این ضیافت<sup>۱</sup> و بهره‌مندی هرچه بیشتر از این فرصت گران‌بها، باید خویشتن را با آداب و مقدماتی که بعضاً در روایات نیز آمده است، آماده کنیم:

### ورود به رمضان نیازمند توبه و استغفار

ماه رمضان بهار عبادت است؛ همان طوری که بهار در جسم انسان نشاط به وجود می‌آورد، در ماه رمضان هم، انسان باید بر اثر عبادت نشاط روحی پیدا کند و این میسر نیست؛ مگر اینکه انسان قبلاً آمادگی پیدا کند و این آمادگی در درجه اول توبه است؛<sup>۲</sup> لذا باید در روزهای

۱. همان؛

۲. گفتار معصومین ﷺ، ج ۲، ص ۱۲۲؛

به خود وعده می دهد که وقتی ماه رمضان آمد، توبه می کنم. این به تأخیر انداختن، از حیل‌های شیطان و نفس است. درحالی که اگر کسی به میهمانی و ضیافت الهی می رود، باید اول خود را شست و شو دهد و لباس تمیز بپوشد، آنگاه در میهمانی آن شخص بزرگ قدم بگذارد؛ نه اینکه با لباس آلوده در آن شرکت جوید.<sup>۱</sup>

### ◆ ثواب روزه سه روز آخر ماه شعبان

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که هر کس سه روز از آخر ماه شعبان را روزه بگیرد و به ماه مبارک رمضان متصل سازد، خداوند متعال ثواب روزه دو ماه متوالی را برای او بنویسد.<sup>۲</sup>

### ◆ توصیه‌های امام رضا علیه السلام برای جمعه آخر ماه شعبان

اباصلت هروی می گوید: جمعه آخر ماه شعبان خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم. حضرت فرمود: ای اباصلت! اکثر ماه شعبان رفت و امروز جمعه آخر ماه است؛ پس تقصیرها و کوتاهی‌های گذشته را در بقیه این ماه جبران کن و به آنچه برای تو سودمند است، روی آور؛ بسیار دعا کن و استغفار نما و قرآن را بسیار تلاوت کن و از گناهان خود توبه نما تا وقتی که ماه رمضان داخل می شود، خود را برای خدا خالص ساخته باشی و هر دین و امانتی بر عهده داری، ادا کن و کینه هرکس که در دل داری، بیرون نما و گناهانی را که انجام می دادی، ترک کن و از خدا بترس و در امور پنهان و آشکار خود بر خدا توکل نما که هرکس بر خدا توکل کند، خداوند امور او را کفایت می نماید و در بقیه این ماه این دعا را بسیار بخوان: «اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ غَفَرْتَ لَنَا فِيمَا مَضَى مِنْ شَعْبَانَ، فَأَعْفِرْ لَنَا فِيمَا بَقِيَ مِنْهُ؛ بار خدایا! اگر مرا در روزهای سپری شده از شعبان نیامرزیده‌ای در باقیمانده آن مرا بیامرز.»<sup>۳</sup>

امام علیه السلام در ادامه فرمود: «خداوند به احترام و عظمت ماه مبارک رمضان، بنده‌های بسیاری را در ماه شعبان از آتش جهنم آزاد می گرداند.»<sup>۴</sup>

### ◆ کینه‌زدایی، مقدمه ورود به ماه رمضان

از جمله آمادگی‌ها برای ورود به ماه مبارک رمضان، این است که روح و قلب مان را صفا دهیم و کینه‌ها و حسادت‌ها و غل و غش‌ها را از روح مان بزداییم.<sup>۵</sup>

پیامر اکرم صلی الله علیه و آله در ادامه خطبه شعبانیه، شرایط دعا کردن را بیان می فرماید: «فَأَسْأَلُوا اللَّهَ

۱. انوار هدایت، مجموعه مباحث اخلاقی، ص ۹۷؛

۲. اقبال، صفحه ۷۲۳ (این روایت در زادالمعاد، صفحه ۸۱، از امام رضا علیه السلام نقل شده است)؛ کلیات مفاتیح نوین، ص ۶۹۱؛

۳. کلیات مفاتیح نوین، ص ۶۹۲؛

۴. زادالمعاد، ص ۸۱ و ۸۲؛ کلیات مفاتیح نوین، ص ۶۹۲؛

۵. گفتار معصومین علیهم السلام، ج ۲، ص ۱۲۲؛







رَبِّكُمْ بِنِيَّاتٍ صَادِقَةٍ وَقُلُوبٍ طَاهِرَةٍ؛ پس، از پروردگار خویش با نیت راستین و بادل‌های پاک بخواهید؛ یعنی باید قلب که محل نیت انسان است، از کینه‌ها و رذایل اخلاقی پاک باشد.<sup>۱</sup>

بی‌شک همان‌گونه که دوست داریم، اگر خطایی کردیم، عذرمان را بپذیرند، باید نسبت به دیگران نیز چنین بوده و عذر تقصیرشان را پذیرا باشیم. عجیب است که در مظان اجابت دعا، انتظار داریم خداوند متعال تمام گناهان و خطاهای ما را بخشیده و قلم عفو بر جرائم، اعمال مان بکشد؛ اما نسبت به خطای دیگران، گاه سال‌ها کینه آن را در سینه نگه می‌داریم و به هیچ‌وجه حاضر به بخشیدن او نیستیم.<sup>۲</sup>

### ◆ طهارت و پاکی

#### شرط ورود به ماه رمضان

برای ورود به ماه رمضان باید در ماه شعبان آماده شد؛ چنانکه رسول خدا ﷺ فرموده است: «هُوَ شَهْرٌ دُعِيْتُمْ فِيهِ إِلَى ضِيَاقَةِ اللَّهِ؛ ماهی که در آن شما را به مهمانی خدا دعوت کرده‌اند».<sup>۳</sup>

حال انسانی که به مهمانی خداوند دعوت شد، با لباس پاک وارد آن می‌شود؛ نه اینکه با لباس کثیف وارد مهمانی شود و در آنجا، لباس کثیف را بیرون بیاورد و بشوید. باید با لباس تقوا و پاکی وارد ماه رمضان شد تا از فیوضات آن بهره‌مند شد؛ ان شاء الله.<sup>۴</sup>

۱. همان، ص ۱۲۵؛

۲. از تو سؤال می‌کنند (مجموعه سؤالات قرآنی از پیامبر اکرم ﷺ)، ص ۷۹؛

۳. گفتار معصومین علیهم‌السلام، ج ۲، ص ۱۲۱؛

۴. همان؛

## ◆ توصیه پیامبر ﷺ برای آخرین جمعه شعبان

از روایات استفاده می‌شود که پیامبر اکرم ﷺ در اواخر ماه شعبان مردم را هشدار می‌داد و آماده می‌کرد؛ از جمله در آخرین جمعه ماه شعبان که پیامبر اسلام ﷺ برای آماده ساختن یاران خود جهت استقبال از ماه مبارک رمضان، خطبه‌ای خواند و اهمیت این ماه را چنین گوشزد نمود:

«ای مردم! ماه خدا با برکت، آموزش و رحمت به سوی شما رو می‌آورد. این ماه برترین ماه‌هاست. روزهای آن برتر از روزهای دیگر و شب‌های آن بهترین شب‌ها و لحظات و ساعات این ماه، بهترین ساعات است.»

ماهی است که به میهمانی خدا دعوت شده‌اید و از کسانی که مورد اکرام خدا هستند، می‌باشید.

نفس‌های شما همچون تسبیح، خواب‌تان چون عبادت، اعمال‌تان مقبول و دعای‌تان مستجاب است.

بنابراین با نیت‌های خالص و دل‌های پاک از خداوند بخواهید تا شما را در روزه داشتن و تلاوت قرآن در این ماه توفیق دهد؛ چراکه بدبخت کسی است که از آموزش الهی در این ماه بزرگ محروم گردد.

با گرسنگی و تشنگی خویش در این ماه به یاد گرسنگی و تشنگی رستاخیز باشید، بر فقراء و بینوایان بخشش کنید، پیران خویش را گرمی دارید، به خردسالان رحمت آورید، پیوند خویشاوندی را محکم سازید. زبان‌های‌تان را از گناه باز دارید، چشمان خویش را از آنچه نگاه کردنش حلال نیست، بپوشانید، گوش‌های خویش را از آنچه شنیدنش حرام است، فراگیرید، بر یتیمان مردم شفقت و محبت کنید تا با یتیمان شما چنین کنند...»<sup>۲</sup>.

## ◆ خودسازی، مهم‌ترین الزام در ورود به میهمانی خدا

گفتنی است، مردم در مقابل ماه رمضان سه دسته هستند:<sup>۳</sup>

۱. کسانی که نه قبل از ماه رمضان خود را می‌سازند و نه در ماه رمضان، مصداق این جمله می‌شوند که رسول خدا ﷺ در جمعه آخر ماه شعبان فرمود: «فَإِنَّ الشَّقِيَّ مَنْ حُرِمَ عُقْرَانَ اللَّهِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْعَظِيمِ؛ به راستی بدبخت کسی است که در این ماه بزرگ از آموزش خدا محروم گردد».<sup>۴</sup>

۱. همان، ص ۱۲۲؛

۲. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۳۶؛

۳. گفتار معصومین علیهم‌السلام، ج ۲، ص ۱۲۰؛

۴. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، ج ۱، ص ۲۳۰؛ روضة المتقین، ج ۳، ص ۲۷۷؛ اربعین شیخ بهایی، ص ۸۴؛ گفتار معصومین علیهم‌السلام،

ج ۲، ص ۱۲۰؛





بارالها! انبوهی از مشکلات، جامعه اسلامی ما را فرا گرفته و دشمنان در داخل و خارج سخت تلاشی می‌کنند تا نور تو را خاموش سازند.<sup>۸</sup> ما را بر این دشمنان پیروز بگردان و آنها را که قابل هدایت نیستند در هم بشکن!<sup>۹</sup>

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حضرت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی

۲. گروهی هستند که وقتی وارد ماه رمضان شدند، خود را می‌شویند و درحالی‌که پاک شده‌اند، از ماه رمضان خارج می‌شوند.<sup>۱</sup>

۳. بندگان خاص خدایند که قبل از ماه رمضان خود را می‌سازند و وارد ماه رمضان می‌شوند و ماه رمضان آنها، ماه راز و نیاز با خدا و ماه خلوت با محبوب است.<sup>۲</sup>

## ◆ سخن آخر

### خوشبخت واقعی چه کسی است؟!

از مجموع نکات مذکور به خوبی استفاده می‌شود که این ماه، ماه تهذیب نفوس و خودسازی و آغاز یک دوره جدید سیر و سلوک الی‌الله است. خوشا به حال آنان که قدر و منزلت این ماه را بدانند و از آن بهره کافی بگیرند؛<sup>۳</sup> زیرا خوشبخت و سعادت‌مند واقعی کسانی هستند که ارزش والای این ماه را بشناسند و از برکات بی‌پایان آن بهره گیرند و مشکلات معنوی و مادی خود را به برکت روزه‌ها و عبادات در این ماه حل کنند.<sup>۴</sup>

معبودا! اکنون که آخرین روزهای ماه شعبان و در آستانه ماه رحمت ماه رمضان قرار داریم، همه ما را مشمول رحمت خاصیت قرار داده،<sup>۵</sup> و توفیق بندگی خالص و تسلیم مطلق در برابر فرمانت و تلاوت آیات قرآن مجیدت را به ما مرحمت فرما.<sup>۶</sup>

خداوندا! هر روز گوشه تازه‌ای از آیات عظمتت را بما نشان ده تا تو را هر روز بهتر و بیشتر بشناسیم و به شکر این همه مواهبی که نصیب ما کرده‌ای، پردازیم.<sup>۷</sup>

۱. گفتار معصومین علیهم‌السلام، ج ۲، ص ۱۲۰؛

۲. همان، ص ۱۲۱؛

۳. کلیات مفاتیح نوین، ص ۶۲۴؛

۴. همان، ص ۶۹۶؛

۵. تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۴۶۶؛

۶. همان، ج ۱۵، ص ۵۷۷؛

۷. همان؛

۸. همان؛

۹. تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۷۷.

# توصیه‌های آیت‌الله شاه‌آبادی در ماه مبارک رمضان



توصیه‌های عارف کامل مرحوم آیت‌الله شاه‌آبادی رحمته الله علیه، استاد اخلاق امام خمینی رحمته الله علیه به نقل از فرزندشان آیت‌الله نصرالله شاه‌آبادی رحمته الله علیه

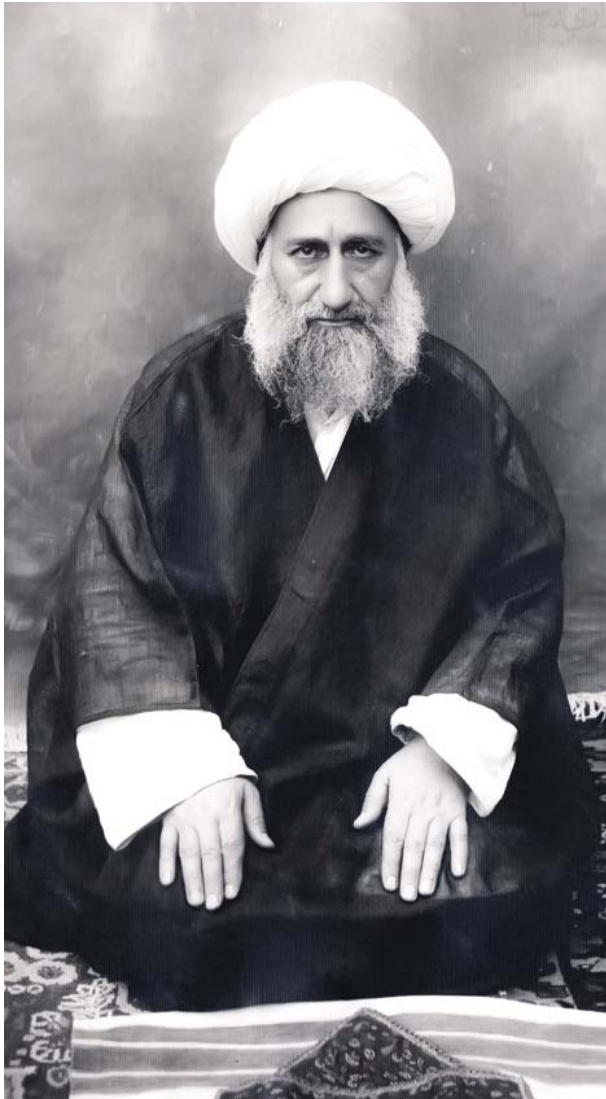
مرحوم پدرم می‌فرمودند: مگر در ماه رمضان آدم، شب هم می‌خوابد! اگر تاریکی شب را با توجه بگذرانیم، ما را به صبح روشن می‌رساند، لذا مرحوم والد خیلی اهتمام به این مسئله داشتند؛ هر چند در اواخر حیات‌شان به خاطر بیماری و ضعف قادر به امساک و روزه نبودند، ولی باز هم به بیداری و احیا شب اهتمام داشتند و اصرار می‌ورزیدند.

ایشان علاوه بر دستورات عامه بر ذکر «لا اله الا الله»، خیلی تأکید داشتند. در سحرها به خصوص ماه رمضان به خواندن آیات آخر سوره حشر و خواندن آیت الکرسی تأکید فراوانی داشتند. خلاصه بر اموری که دال بر وحدانیت حق داشت اصرار داشتند.

مرحوم والد خیلی به ماه رمضان اهمیت می‌دادند و مقید بودند که شب‌های ماه مبارک، اول وقت نماز مغرب و عشا را بخوانند و یکی دو ساعت بعد از افطار به نماز و ادعیه می‌پرداختند. قبل از این که شروع به ادعیه کنند مردم را برای توجه دادن به دعا مهیا می‌کردند و می‌فرمودند: بدانید که می‌خواهید با چه کسی مواجه شوید و چه می‌خوانید، تا توجه به این معنا پیدا نکنید و باور نکنید که خدا همه کاره است، نمی‌توانید اظهار حاجت کنید و اگر در دل، امید به غیر او دارید به نتیجه دعا نمی‌رسید. اگر برای خدا امساک کردی و به درگاه او آمدی و بدانی غیر از او کس دیگری جواب نمی‌دهد، این دعا اثر دارد و خدا وعده اجابت داده است: ﴿وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي﴾.

می‌گفتند: تصمیم بگیر غیر او را نخواهی و نخوانی و توصیه به استغفار می‌کرد و خیلی مؤثر بود. در طول سال تا زمانی که اعتدال مزاج داشتند، مقید بودند، یک شبانه‌روز نماز قضا هم بخواند و هر شب احیاء داشتند و گفتند: خدا را از خود راضی کنی تا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای شما دعا کند، اگر امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از ما راضی شود، برای ما دعا می‌کند و دعای ایشان در حق ما مستجاب است. ایشان به تمام معنا به آداب عبودیت مقید بودند؛ به قدری مقید





بودند که قلب‌ها را متوجه خود می‌نمود. در مسجد ایشان اکثر حاضرین جوانان بودند و حتی داش‌مشتی‌های آن روزگار مانند مرحوم طیب، طاهر و شیخ عباس سردار نیز حضور داشتند و ماه رمضان پولی جمع می‌کردند و خرج هزینه‌های مسجد می‌نمودند.

به یاد دارم که مرحوم طیب با دستمال یزدی که داشت جلوتر از همه خودش یک مبلغ قابل توجهی داخل دستمال می‌گذاشت، در شب‌های احیا، مسجد پر از جمعیت می‌شد، حتی زمانی که دولت وقت حکومت نظامی اعلام می‌کرد، باز هم مسجد مالا مال از جمعیت بود و ساعاتی قبل از حکومت نظامی مردم در مسجد حضور داشتند و در مسجد می‌ماندند.

ایشان حتی در اواخر عمر شریفشان که به علت قند فراوان نمی‌توانست روزه بگیرد، عبادت را ترک نکرد و کسی ایشان را فارغ‌البال نمی‌دید، اشتغال به عبادت داشت و ماه رمضان را با معرفت درک می‌کرد و خودش در مقام عمل هرچه می‌فرمود پیاده می‌کرد. به همه احترام می‌گذاشت، اما خود را نیازمند غیر خدا نمی‌دانست، لذا واقعاً باور کرده بود که فقط و فقط خدا عطاکننده است.

پایگاه اطلاع‌رسانی و خبری جماران



عالمان ربانی، چلچراغ‌های پرفروغی هستند که در هر عصری، در آسمان علم و عمل می‌درخشند و با کسب نور و گرما از خورشید رسالت و امامت، بر زمینیان تجلی می‌کنند و آنان را به سوی منابع نور و برکت دودمان وحی، رهنمون می‌سازند، بر بال عرفان ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نشانده، بر مشکات ملکوت، عروج می‌دهند. مطالعه و دقت در رفتار و کردار عالمان دین و عمل به توصیه‌ها و تلاش برای نزدیک شدن به آنها در علم و عمل، می‌تواند ما را در مسیر بندگی کمک کند.

در این مطلب نکاتی درباره سیره عملی علامه سید محمدحسین طباطبایی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ، تقدیم خوانندگان ارجمند می‌گردد.

### ◆ علامه‌ای که روزه‌اش را

#### با بوسه به ضریح افطار می‌کرد

آیت‌الله علامه طباطبایی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ ماه مبارک رمضان را تا صبح بیدار بودند و مقید بودند که دعای سحر را با افراد خانواده بخوانند و پیش از ماه رمضان، از همسایه‌ها اجازه می‌گرفتند که اگر برای سحر خواب ماندند، آنها را بیدار کنند. ایشان در درس تفسیرشان فرموده بودند که من در طول عمرم تا به حال به یاد ندارم که شب‌های ماه رمضان را خوابیده باشم. علامه حسن‌زاده آملی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ می‌نویسد: وقتی به حضور شریف علامه طباطبایی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ تشریف حاصل کرده بودم و عرض حاجت نمودم، فرمود: آقا! دعای سحر حضرت امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام را فراموش مکن که در آن جمال و جلال و عظمت و نور و رحمت و علم و شرف است و حرفی از حوری و غلمان نیست. اگر بهشت



رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ

## سیره عملی علامه طباطبایی



## در ماه مبارک رمضان



شیرین است، بهشت آفرین شیرین تر است.

یکی از فاضلان می‌گفت: به مرحوم آیت‌الله شهید مطهری عرض کردم که شما فوق‌العاده از علامه طباطبایی تجلیل می‌کنید. تعبیر «روحی فدا» را درباره ایشان به کار می‌برید. این همه تجلیل به خاطر چیست؟ ایشان فرمود: «من فیلسوف و عارف، بسیار دیده‌ام و احترام مخصوص من به ایشان، نه به خاطر این است که او یک فیلسوف است؛ بلکه به این جهت است که او عاشق و دل‌باخته اهل بیت علیهم‌السلام است. علامه طباطبایی رحمته‌الله در ماه رمضان، روزه خود را با بوسه بر ضریح مقدس حضرت معصومه علیها‌السلام افطار می‌کرد. ابتدا پیاده به حرم مطهر مشرف می‌شد و ضریح مقدس را می‌بوسید. سپس به خانه می‌رفت و غذا می‌خورد. این ویژگی اوست که مرا به شدت شیفته ایشان کرده است».

از آیت‌الله احمدی میانجی منقول است: علامه رحمته‌الله، مراتبی از عرفان و سیر و سلوک معنوی را پیموده بود. او اهل ذکر و دعا و مناجات بود. در بین راه که او را می‌دیدم، غالباً ذکر خدا را بر لب داشت. در جلساتی که در محضرشان بودیم، وقتی جلسه به سکوت می‌کشید، دیده می‌شد که لب‌های استاد، به ذکر خدا حرکت می‌کرد. به نوافل مقید بود و حتی گاهی دیده می‌شد که در بین راه مشغول خواندن نمازهای نافله است. شب‌های ماه رمضان تا صبح بیدار بود، مقداری مطالعه می‌کرد و بقیه را به دعا و قرائت قرآن و نماز و اذکار مشغول بود!

### ◆ مقام تبتل در سیره علمای ربانی

استاد بزرگوار ما علامه طباطبایی رحمته‌الله در جلسه خصوصی شب‌های جمعه، از قول استاد بزرگوارشان آیت‌الله قاضی رحمته‌الله می‌فرمودند که آقای قاضی در دستورات اخلاقی به شاگردان خود می‌گفتند: در ارتباط‌های معنوی

۱. مقالات، پیام‌ها و رساله‌هایی از علی احمدی میانجی و دیگران، یادنامه علامه طباطبایی/ص ۱۳۱ با تلخیص.

و در حین راز و نیاز و مناجات خود، اگر چیزی دیدید، نسبت به آن بی‌اعتنا باشید و فقط خداوند را در نظر داشته باشید.

خود علامه طباطبایی با یک تبسم شیرینی می‌فرمودند: مشغول نماز شب بودم که حورالعین با یک ظرف شراب طهور آمد. از جلو آمد، اعتنا نکردم، رفت و از طرف راست آمد، اعتنا نکردم، از طرف چپ آمد، اعتنا نکردم، مأیوس شد و رفت. ایشان فرمودند: «هرگاه یأس او را به یاد می‌آورم، برای او ناراحت می‌شوم!».

رسیدن به این مقامات مشکل است؛ اما کسی نباید تصور کند، غیرممکن است. انسان می‌تواند در یک ماه مبارک رمضان، با عمل دقیق به واجبات و با اجتناب جدی از گناه و پرهیز از مکروهات و شبهات و نیز با اهمیت به مستحبات و نوافل، به چنین جایگاهی برسد و در عید فطر، خود خداوند را عیدی بگیرد.

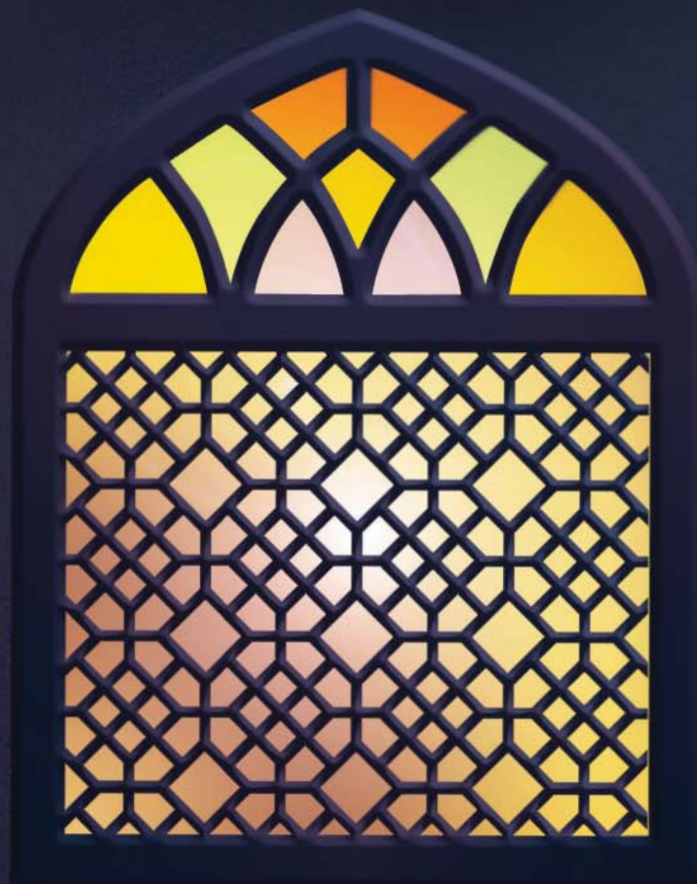
گروهی از مردم در پایان ماه مبارک رمضان، به بهشت می‌رسند، گروهی حسن عاقبت از خدا می‌گیرند، پاداش برخی آخرت است و بالأخره هرکسی متناسب با اعمال خود و بر اساس میزان بهره‌مندی خود از برکات ماه رمضان، پاداشی می‌گیرد؛ اما انسان زرنگ آن است که در عید فطر، خود خداوند را عیدی بگیرد و به کمتر از رسیدن به حق تعالی رضایت ندهد.

### ◆ نشانه‌های روزه حقیقی

شاید برای خیلی از ما این سؤال پیش آمده باشد که علامت و نشانه روزه‌داری حقیقی چیست؟ حضرت علامه در این باره عبارت پرمعنایی دارند. ایشان می‌گویند: «چنانچه با پایان یافتن ماه مبارک رمضان، در اعمال و کردار شما هیچ‌گونه تغییری پدید نیامد و راه و روش شما با قبل از ماه صیام فرقی نکرد، معلوم می‌شود، روزه‌ای که از شما خواسته‌اند، محقق نشده است».

# فلسفه ماه رمضان و آثار و برکات آن

آیت الله العظمی  
جوادی آملی



ماه مبارك رمضان ماه مهمانی خداست. هر کسی سالی دارد؛ سال تحصیلی مشخص است از چه وقت شروع می شود و چه وقت ختم می شود. کشاورزان هم سالی دارند و پاییز [آغاز] سال کشاورزی و کشاورزان است. بهار اول فروردین [آغاز] سال طبیعی محسوب می شود که آن برای حیات گیاهان اثر دارد. آن ها که اهل سیر و سلوک اند، در صدد تهذیب نفس اند، آن ها هم سالی دارند و سال آن ها از ماه مبارك رمضان شروع می شود.

ماه رمضان، ماه آزاد شدن است و هر روز که می گذرد، یک بند از بندهایی که با دست خود تنیده ایم، باید گسسته شود تا آزاد شویم. بهترین راه برای آزاد شدن پی بردن به حکمت های عبادات است.

## ماه رمضان ماه تسلط بر شیطان

رسول خدا ﷺ در خطبه شعبانیه فرمود: «قد أقبل إليكم شهر الله بالبركة والرحمة والمغفرة»؛ یعنی ماه رمضان، برکت و رحمت و مغفرت می‌آورد، کسی که رفیق این ماه بوده و باشد، برکت و رحمت و مغفرت این ماه را هم دریافت می‌کند.

حضرت سپس فرمود: «وَأَرْجُوْنَا أَفْضَلَ أَرْبَاحِ الْعَالَمِينَ»؛ ما ربح و سودی که در این ماه بردیم، هیچ تاجری در هیچ گوشه دنیا نبرده و هیچ کس در سراسر عالم به اندازه ما از این ماه استفاده نکرده است. انسان مسافری است که سفر ابد در پیش دارد. ره توشه آن سفر ابد را باید در همین چند روز دنیا تهیه کند. در این ماه درهای آسمان بر روی مؤمن باز می‌شود و مؤمن می‌تواند با وارستگی، به باطن عالم راه پیدا کند و اگر بهترین فرصت، ماه مبارک رمضان است، پس بهترین سود را ماه رمضان و اهلش دارند.

حضرت در ادامه می‌فرماید: «السَّلامُ عَلَیْكَ مِنْ نَاصِرِ أَعَانَ عَلَی الشَّیْطَانِ وَصَاحِبِ سَهْلِ السُّبُلِ الْإِحْسَانِ»؛ سلام بر تو ای رفیقی که کمک کردی تا ما بر شیطان مسلط شدیم. به راستی انسان در این ماه بر شیطان مسلط می‌شود و به خطورات شیطانی گوش فرامی‌دهد. تو برای ما مصاحب خوبی بودی، که ما توانستیم بر شیطان پیروز شویم. ما نه تنها در بُعد سلبی از دست شیطان نجات پیدا کردیم و کار بد نکردیم، بلکه در بُعد اثباتی هم پیروز شدیم و راه‌های خیر را به خوبی و آسانی طی کردیم. اگر در غیر ماه مبارک رمضان، کار خیر را به سختی انجام می‌دادیم، در این ماه به آسانی انجام دادیم. تو باعث شدی که ما راه احسان را با سهولت طی کردیم.

## ندایی که خستگی روزه را از انسان می‌گیرد

گرچه روزه گرفتن سخت و دشوار است، ولی لذت شنیدن این ندای خداوند که می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ<sup>۱</sup>، خستگی روزه را از انسان می‌گیرد و عبادت برای ما سهل و روان می‌گردد.

رسول خدا ﷺ در آخرین جمعه ماه شعبان این خطبه را ایراد فرمودند که: مردم شما آزاد نیستید، در قفس هستید و نمی‌دانید که در قفس هستید. گناهانتان شما را در قفس زندانی کرده است. در ماه مبارک رمضان با استغفار، خود را آزاد کنید.<sup>۲</sup> انسان گناهکار، بدهکار است و بدهکار باید گرو بسپرد. این جا خانه و زمین را به عنوان گرو قبول نمی‌کنند، بلکه جان را به گرو می‌گیرند. آن که می‌گوید من هرچه بخواهم می‌کنم، هر جا بخواهم می‌روم و هر چه بخواهم می‌گویم، او اسیر است و برده است، نه آزاد.

راه تشخیص بنده بودن یا آزاد بودن این است که اگر به دلخواه خود عمل می‌کنیم معلوم می‌شود در قفس آز و طمع زندانی هستیم؛ و اگر به خواسته خدای سبحان عمل کنیم، آزاد هستیم. انسان آزاد، به غیر خدا نمی‌اندیشد.

از برجسته‌ترین وظایف در ماه مبارک رمضان، آزاد شدن و رهیدن است. انسان باید این قفس‌ها و میله‌های پولادین را که با دست خود ساخته بشکند.

راه آزادی، استغفار و طب‌آمزش است، از این رو گفته‌اند: در شبانه روز چندین بار بگوئید: «استغفر الله ربی و أتوب إليه». در نماز و غیر نماز برای خود و دیگران طلب‌آمزش کنید، نه برای رهایی از آتش و نه برای رفتن به بهشت و متنعم شدن در آن، بلکه باید هدف بالاتر از این مسایل باشد.

## نقش روزه در حل مشکلات مادی و معنوی

از آن جا که در مسیر زندگی، دشواری و مشکلات وجود دارد، دستور داده‌اند که در شاداید و مشکلات روزه بگیرید. اگر ما در هر نمازی چند بار از خدای سبحان استعانت

۱. بقره/۱۸۳؛

۲. الأمالی والمجالس (صدوق) / ۱ ص ۸۵ / مجلس ۲۰ / ح ۴؛ عیون اخبار

الرضا / ج ۱ / ص ۲۹۵؛

می‌کنیم و می‌گوییم: ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ راه کمک‌رسانی را هم خدا بیان فرموده است. این چنین نیست که بگویید: کمک کن! و ما رایگان کمک برسانیم. اگر سخن از ﴿إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ است، راهش را هم قرآن به ما آموخته که: ﴿وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ﴾. این صبر به «صوم»، تفسیر و تطبیق شده و در حدیث آمده است که: «إِذَا نَزَلَتْ بِالرَّجُلِ النَّازِلَةُ وَالشَّدِيدَةُ فليصم»؛ هرگاه برای کسی مشکل یا حادثه خاصی پیش آمد، باید برای دفع یا رفع آن روزه بگیرد.

نه تنها در جنگ، بلکه اگر مشکلات دیگری هم برای انسان پیش آید، باید برای حل آن مشکل، روزه گرفت. این روزه، چه نقشی دارد که مشکل را حل می‌کند؟ انسان را به کجا می‌رساند که بر مشکل پیروز می‌شود؟ تازه این امساک ظاهری است؛ اما روزه، حکمت‌هایی دارد که روح را به مقام بالا می‌رساند و روح بلند، بر طبیعت فایق است.

اگر کسی برای خدا روزه گرفت، چون کارها به دست اوست مشکل را حل می‌کند که فرموده‌اند: «يَا مُسْهَلُ الْأُمُورِ الصَّعَابِ». قرآن هم فرمود: ﴿وَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى \* وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى \* فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيَسْرَى﴾؛ ما کارها را برای افرادی که در مسیر مستقیم‌اند، راحت می‌دهیم.

وقتی موسای کلیم الله، از خدای سبحان درخواست می‌کند: ﴿وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي﴾، در پاسخ می‌فرماید: ﴿قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَى﴾؛ تو برای براندازی طاغوت فرعون، از ما آسان کردن امور را طلب کردی، ما هم آن را به تو دادیم. آن چه را که از ما خواستی به تو دادیم؛ شرح صدر، روان بودن بیان، شرکت در رسالت و وزیر بودن برادرت را، و نیز خواستی که او را از وحی خاص برخوردار کنیم، همه را عطا کردیم.

درباره رسول خدا هم فرمود: ﴿أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ \* وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ \* الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ \* وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ﴾؛ آیا به تو شرح صدر ندادیم و بار گران را که بر پشت تو سنگینی می‌کرد، برداشتیم و نام تو را بلند آوازه نکردیم؟ این راه‌ها را قرآن در اختیار ما گذاشته است؛ زیرا باطن روزه، به قدری نیرومند است که انسان را بر جهان طبیعت - به اذن خدا - پیروز می‌کند.

### ◆ حکمت روزه، لقا و محبت خداست

در بعضی از روایات آمده است که روزه بگیرد برای آن که طراوت و خرمی و شادابی غیر ماه مبارک را از دست بدهید؛ زیرا آن‌ها نشاط کاذب و زودگذر است. وقتی انسان روزه گرفت و به آن دل بست، کم‌کم به باطن روزه پی می‌برد. باطن روزه انسان را به لقای حق می‌کشاند که خدای سبحان فرمود: «الصَّوْمُ لِي وَأَنَا أُجْزِي بِهِ»<sup>۱</sup> روزه مال من است و من شخصاً به آن جزا می‌دهم. این تعبیر فقط درباره روزه وارد شده است.

این‌که خداوند فرمود: روزه مال من است، خصوصیتی را می‌رساند که قابل ملاحظه و دقت

۱. روضة المتقين / ج ۳ / ص ۲۲۵. بعضی، کلمه «أجزي» در این روایت را به صیغه مجهول خوانده‌اند: «الصوم لي وأنا أجزي

به»؛ یعنی روزه برای من است و من پاداش آن هستم! (رک: نهاییه ابن اثیر / ج ۱ / ص ۲۷۰، «جزا»؛







هر دری که خواستید بفرمایید. اما درباره روزه‌دار خدای سبحان فرمود: من خودم جزا می‌دهم. این جزء احکام و آداب روزه نیست؛ لذا نه در سلسله بحث‌های واجب و مستحب. که فقه عهده‌دار آن است. آمده و نه در بحث‌های آداب روزه؛ بلکه جزء حکمت‌های عبادت است که چگونه انسان به جایی می‌رسد که خداوند متعال مستقیماً جزای او را به عهده می‌گیرد.

خداوند به کسانی چون اولیای الهی که روزه‌های مستحبی می‌گیرند و سهمیه افطار خود را به یتیم و اسیر و مسکین می‌دهند، در عین حال که ﴿جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾<sup>۴</sup> در اختیار آن‌هاست، می‌فرماید: ﴿فَادْخُلِي فِي عِبَادِي \* وَادْخُلِي جَنَّتِي﴾؛ زیرا برای مطلب بالاتری، روزه می‌گیرند. اما آن‌ها که برای ورود به بهشت و برای استفاده از میوه‌های دلبزیر آن روزه می‌گیرند تنها نوعی سوداگری دارند.

پایگاه اطلاع‌رسانی اسراء

است؛ گاهی انسان از سحر تا افطار امساک می‌کند؛ این یک درجه روزه‌داری است؛ تلاشی است که حداکثر در قیامت نسوزد یا وارد بهشت بشود؛ بهشتی که ﴿جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾؛ اما به آن بهشت که ﴿فَادْخُلِي فِي عِبَادِي \* وَادْخُلِي جَنَّتِي﴾<sup>۲</sup> راهش نمی‌دهند. یعنی روزه، ضمن این‌که حکم و ادبی خاص دارد، حکمتی هم دارد که آن لقا و محبت خداست. این حدیث در انسان شوق ایجاد می‌کند تا عاشق شود. انسان تا مشتاق نباشد، تلاش نمی‌کند و تا تلاش نکند، نمی‌رسد. وقتی روزه مال خدا بود، خدا هم شخصاً جزای روزه‌دار را بر عهده می‌گیرد.

از موارد فرق بین روزه و سایر عبادات همین است که درباره اعمال دیگر، ملائکه الهی هنگام مرگ به استقبال مؤمنین می‌آیند که: ﴿سَلَامٌ عَلَيْكُمْ فَادْخُلُوا جَنَّاتٍ مِنْ جَنَّاتٍ﴾<sup>۳</sup>. درهای بهشت را باز می‌کنند و می‌گویند از

۱. آل عمران/۱۵؛

۲. فجر/۲۹-۳۰؛

۳. زمر/۷۳. راجع به روایات برزخ مراجعه شود به: تفسیر نورالثقلین/ج ۴/

ص ۵۰۶ و ۵۰۷؛ بحارالانوار/ج ۶/ص ۱۳۹؛ علم‌الیقین/ج ۲/ص ۱۰۶۰؛

۴. بقره/۲۵؛

# توصیه‌هایی برای درک بهتر ماه مبارک رمضان

آیت‌الله العظمی مظاهری

آیت‌الله العظمی مظاهری از علما و مراجع تقلید در درس اخلاق خود به بیان برکات معنوی ماه مبارک رمضان پرداخته‌اند که مشروح آن در ادامه می‌آید:  
با توجه به این‌که آخرین روزهای ماه شعبان در حال سپری شدن است، لازم است در این جلسه قدری راجع به ماه مبارک رمضان صحبت شود و همگی در این روزهای باقی‌مانده از خداوند متعال بخواهیم که با آمادگی کامل وارد ماه مبارک رمضان شویم و بتوانیم از فضایل و برکات آن ماه نورانی بهره‌مند گردیم.



## توصیه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

### در آخرین جمعه ماه شعبان

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در خطبه‌ای درباره ماه مبارک رمضان، ضمن توصیه‌های مفصلی که به مسلمانان داشتند، فرمودند: «إِنَّ الشَّقِيَّ حَقَّ الشَّقِيَّ مَنْ خَرَجَ عَنْهُ هَذَا الشَّهْرُ وَلَمْ يُعْفَرْ ذُنُوبَهُ»؛ شقی‌ترین مردم کسی است که ماه مبارک رمضان بر او بگذرد و او سعادتمند و آمرزیده نشود.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با این بیان نورانی، از یک‌سو مژده و بشارت امکان دست‌یابی به رستگاری و حسن عاقبت در ماه مبارک رمضان را به مسلمین می‌دهند و از سوی دیگر، جمله ایشان یک تهدید جدی برای افراد بی‌تفاوت نسبت به برکات ماه مبارک رمضان محسوب می‌شود. در واقع، افرادی که ماه مبارک رمضان را درک کنند و نتوانند از این فرصت معنوی گران‌بها بهره‌مند شوند و غفران حق تعالی شامل حال آنان نشود و نیز کسانی که نتوانند در این فرصت بی‌نظیر، رشد معنوی بیابند و قدمی به سوی کمال و پیشرفت بردارند، در بیان پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شقی‌ترین و بدبخت‌ترین مردم هستند.

هم‌چنین آن حضرت در خطبه آخرین جمعه ماه شعبان درباره برکات این ماه فرمودند: نفس‌های شما در ماه مبارک رمضان تسبیح و خواب شما عبادت است و همه شیاطین در غل و زنجیرند. باید مراقب باشید تا خود شما غل و زنجیر شیاطین را در این ماه باز نکنید. فرمودند: ملائکه رحمت، مواظبت کامل نسبت به شما دارند و مراقب باشید خود را از حفظ و حراست آن‌ها خارج نکنید و مواظبت ملائکه را از دست ندهید.

## اجتناب از گناه

### افضل اعمال ماه مبارک رمضان

در حین خطبه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام از جا برخاستند و عرض کردند: یا رسول الله! برترین و والاترین عمل در ماه مبارک رمضان چیست؟ پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در

پاسخ فرمودند: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْوَرَعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»؛ برترین عمل این است که انسان در ماه مبارک رمضان گناه نکند.

حتی اگر کسی ملکه عدالت را هم نداشته باشد، بر او لازم است که در این ماه عزیز از گناه اجتناب ورزد؛ زبان، چشم و گوش او آلوده به گناه نشود و با تمرین اجتناب از گناه، کم‌کم در آخر ماه مبارک رمضان به جایگاهی برسد که دل او هم گناه نداشته باشد. چنین کسی می‌تواند روز عید فطر، از خداوند متعال عیدی بگیرد. عیدی هر کسی هم در فراخور حال او و مطابق با میزان بهره‌مندی او از برکات ماه مبارک رمضان است؛ اما آن‌چه خود خداوند متعال فرموده است، این‌که: «روزه مال من است و من خودم پاداش آن هستم».

این عیدی عظیم و این پاداشی که حق تعالی برای روزه مقرر فرموده است، برای هیچ عبادت دیگری مقرر نفرموده است و از این معلوم می‌شود که نزد خداوند، روزه اهمیت بسیاری دارد و نیز معلوم می‌شود که روزه ماه مبارک رمضان می‌تواند انسان را به مقام عبودیت برساند؛ یعنی روزه قادر است به آدمی نفس مطمئنه ببخشد و او را چنان به مقامات والای عرفانی و روحانی صعود دهد که در روز عید فطر نظاره‌گر حکومت خداوند بر دل خویش باشد. در این حالت، هیچ چیزی و هیچ کسی بر دل او حکومت نمی‌کند، به جز خداوند متعال و به عبارت دیگر، دوام توجه دارد.

قرآن کریم به چنین مقام بلندی، «تبتل» می‌گوید و در بیان عرفا و سالکان الی الله چنین کسی انقطاع عن الناس و انقطاع الی الله دارد و تنها و تنها خدا را دارد و به سوی خدا در حرکت است.

«تبتل» یا دوام توجه همان است که حضرت امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ به زبان ساده فرمودند: «عالم محضر خداست، در محضر خدا معصیت خدا نکنید».

قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَقُلْ اِعْمَلُوا فَسَيَرَى اللهُ عَمَلَكُمْ

وَرَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ ﴿﴾ و یعنی هر عملی که می‌خواهید، انجام دهید، اما حیا داشته باشید و توجه کنید که در محضر خداوند هستید، توجه کنید در محضر رسول خدا هستید، توجه کنید در محضر همه معصومین، همه ائمه طاهرین علیهم‌السلام و از جمله در محضر حضرت ولی عصر علیه‌السلام «ارواح‌نافداه» هستید که فعلاً واسطه فیض عالم هستند.

به عبارت دیگر، قرآن کریم می‌فرماید: حیا داشته باشید و ادب حضور را در محضر خداوند و معصومین علیهم‌السلام رعایت کنید. اگر انسان در مقابل یکی از بزرگان نشسته باشد و بداند که آن بزرگ به او توجه می‌کند، در آن حالت چشم و گوش و زبانش و حتی دلش، در اثر توجه آن شخص بزرگ به او و در اثر توجهی که او به آن شخص بزرگ دارد، منحرف نخواهد شد، یعنی به هیچ چیزی و هیچ کسی غیر از او توجه ندارد.

### ◆ چند حکایت درس‌آموز در رابطه با ادب حضور

نقل می‌کنند که محمود غزنوی، یکی از پادشاهان ایران، غلامی به نام ایاز داشته که نزد او بسیار محبوب بوده است. ایاز، غلامی بسیار مؤدب بوده و از جهت محبوبیتی که نزد محمود غزنوی داشته، افراد حسود مکرراً سعایت و بدگویی او را می‌کرده‌اند تا بتوانند از التفات و محبت سلطان نسبت به ایاز بکاهند. روزی از روزها بدخواهان در کفش او عقربی انداخته بودند تا او نتواند ادب ایستادن نزد ارباب خود را مراعات کند، ولی ایاز وقتی در مقابل سلطان ایستاده بود و با وی صحبت می‌کرد، توجهی به نیش عقرب نداشت و در حالی که عقرب او را می‌گزید، هم چنان در مقابل ارباب خود مؤدب ایستاد و صحبت کرد و نیش عقرب از ادب او نکاست.

وقتی سلطان متوجه موضوع شد، به او گفت: چرا چنین کردی؟ ایاز گفت: در هر حال و حتی با نیش عقرب، ادب حضور باید مراعات شود.

در حکایت دیگری نقل می‌کنند که محمود غزنوی و همراهان او از سفر هندوستان بر می‌گشتند و بار آن‌ها مرواریدها و درهایی بود که از هندوستان به وطن خود می‌بردند. در بین راه یکی از کیسه‌های پر از درّ گران‌بها بر زمین افتاد و در بیابان پخش شد. محمود غزنوی از درّهای ریخته، گذشت و اعلام کرد که هر کس هر مقدار درّ و مروارید بردارد، مال خودش می‌شود.

در آن هنگام همه اهل کاروان به سوی درّها شتافتند و هر کس هرچه می‌توانست جمع کرد، ولی از بین کاروان فقط یک نفر از محمود غزنوی جدا نشد و برای جمع‌آوری درّ نرفت و او ایاز بود. محمود غزنوی از ایاز پرسید: تو چرا نرفتی؟ ایاز گفت: من درّی گران‌بها تر و مطلوب‌تر از محمود غزنوی سراغ نداشتم و به این جهت نزد شما ماندم.

هم چنین نقل می‌کنند که روزی محمود غزنوی یک درّ شب چراغ را آورد و از وزیر خود خواست که در مقابل جمعیت، آن درّ را بشکنند. وزرا و سران حکومت، هر یک در برابر دستور پادشاه توجیهی درست کردند و چون آن درّ بسیار باارزش بود، حرف پادشاه را نشنیدند و درّ را نشکستند. پس از آن، محمود، آن درّ را به دست ایاز داد و گفت: بشکن. ایاز هم بدون درنگ و معطلی







غزنی را به سوی خود جلب کرده بود و در واقع، محمود غزنی را پاداش گرفته بود.

وقتی خداوند، خودش عیدی و پاداش کسی شود، همه عالم وجود و همه ثروت‌ها و متعلقات دنیا، در نظر او و در برابر خداوند متعال و ارزش‌های معنوی، هیچ ارزش و جلوه‌ای ندارد. به همه دنیا پشت پا می‌زند؛ زیرا دائماً و کاملاً به خداوند توجه دارد.

امام حسین علیه السلام نه فقط دنیا و زندگی دنیوی، بلکه خود و حتی عیال و فرزندان خود را فدای خدا و دین خدا کردند؛ چرا که هیچ چیزی و هیچ کسی در نظر آن حضرت، با ارزش‌تر از خداوند و محبوب‌تر از اطاعت امر خداوند متعال نبود.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «وَاللَّهِ لَوْ أُعْطِيَ الْأَقَالِيمَ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتُ أَفْلَاكُهَا عَلَى أَنْ أُغْصِيَ اللَّهُ فِي ثَمَلَةٍ أَسْلُبَهَا جُلْبَ شَعِيرَةٍ مَا فَعَلْتُهُ»؛ به خدا قسم، اگر نه تنها کره زمین، بلکه عالم وجود را به من بدهند و بگویند با امر خداوند مخالفت کن، چنین نخواهم کرد.

دژ را شکست. وزرا او را ملامت کردند و گفتند: چرا این در با ارزش را شکستی؟ ایاز گفت: اگر دژ را نمی‌شکستم کلام محمود را می‌شکستم و شکستن دژ برای من بهتر از شکستن کلام مولا و اربابم است.

از این حکایات آموزنده باید استفاده و بهره‌برداری معنوی در جهت رعایت ادب حضور در محضر خداوند متعال بشود. اهل معرفت با درس‌آموزی از این‌گونه داستان‌ها و با عمل به نکات آموزنده آن، مسیر کمال و تقرب راطی می‌کنند.

### ◆ برکات ادب حضور در محضر خداوند

کسانی که به راستی به ماه مبارک رمضان و برکات و ارزش‌های معنوی آن اهمیت می‌دهند و ادب حضور در محضر خداوند متعال را نظیر ادب ایاز در مقابل مولای خود، مراعات می‌کنند، در آخر ماه مبارک رمضان، خود مولا و خود خداوند متعال را پاداش می‌گیرند. نظیر ایاز که با مراعات ادب در برابر مولا، تمام محبت و التفات محمود

امیرالمؤمنین علیه السلام حاضر نیستند به اندازه گرفتن پوست جو از دهان مورچه، با فرمان حق تعالی مخالفت کنند، گرچه در مقابل این مخالفت به ظاهر کوچک، همه عالم را به ایشان بدهند.

پیام این روایت امیرالمؤمنین علیه السلام و پیام آن ایثار و فداکاری امام حسین علیه السلام در کربلا و نیز پیام گفتار و رفتار همه معصومین علیهم السلام این است که ای شیعیان! باید در برابر خداوند متعال، ادب حضور را مراعات کنید و خود را در محضر خداوند متعال و معصومین علیهم السلام بدانید و گناه نکنید، نافرمانی خداوند متعال را نکنید، ظلم نکنید و با گفتار و کردار خود خداوند متعال و معصومین علیهم السلام را نیازارید.

### ◆ جلوه محبوب، مانع تأثیر جلوه‌گری اغیار

نتیجه رعایت ادب حضور و نتیجه اجتناب از گناه و نافرمانی خداوند متعال، رسیدن به مقام «تبتل» است؛ مقامی که در آن، انسان از همه چیز و همه کس می‌برد و به حق تعالی می‌پیوندد.

خداوند متعال وعده فرموده است که اگر کسی در ماه مبارک رمضان، ادب حضور را مراعات کند، در آخر ماه، او را به مقام «تبتل» برساند؛ یعنی او را به جایگاهی می‌رساند که خود خداوند، پاداش اوست.

معمولاً بزرگان، روایت «الصَّوْمُ لِي وَ أَنَا أُجْزِي بِهِ» را چنین معنا می‌کنند که خداوند می‌فرماید: روزه، مال من است و من خودم پاداش آن را می‌دهم؛ یعنی مثلاً بهشت را به‌عنوان پاداش، به روزه‌دار حقیقی عطا می‌کنم. اما من تصور می‌کنم معنای این روایت والاتر از این حرف‌هاست و خداوند متعال می‌فرماید: «روزه، مال من است و من خودم، پاداش آن هستم»؛ زیرا بهشت و نعمت‌های آن در نظر کسی که حقیقتاً روزه‌دار بوده و از گناه اجتناب کرده و حتی توجه خود را به غیر خداوند معطوف نکرده است، جلوه و ارزشی ندارد و چنین کسانی به کمتر از خود خداوند و توجه دائمی او قانع نیستند.

مرحوم دیلمی در ارشاد، روایتی بیان می‌کند که در آن روایت خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: بندگان در بهشت دارم که هر روز به آنان نظر می‌افکنم و آن‌ها با هر نظری، سعه وجودی می‌یابند. بهشت و نعمت‌های بهشت که برای آن بندگان مهیا شده‌اند، از آن‌ها نزد خداوند شکایت می‌کنند و می‌گویند: خدایا! تو ما را برای این بندگان خلق کردی، اما آنان به ما اعتنا و توجه ندارند.

خطاب می‌شود: بگذارید بندگان من از رابطه با من لذت ببرند. در واقع بهشت و نعمت‌های آن نزد این افراد، پوچ و بی‌ارزش است. تصور نکنید این حرف‌ها محال است و چنین افرادی با این سعه وجودی، افراد خارج از تصور و دور از ذهنی هستند.



## روزه‌داری، راهی برای رسیدن

### به خداوند متعال

روزه‌داری، مخصوصاً در این زمان مشکل است، اما کسانی که به مقام و منزلت معنوی خاصی رسیده‌اند، برترین لذت آنان همین روزه‌داری، آن هم در روزهای گرم و طاقت‌فرسا است. حضرت مریم علیها السلام در پایان عمر به همراه حضرت عیسی علیه السلام آواره کوه و بیابان بودند، اما با این اوضاع و در روزهای گرم روزه‌دار بودند. حضرت عیسی علیه السلام برای تهیه مقداری گیاه بیابان رفته بود تا افطار کنند. وقتی برگشت، حضرت مریم از دنیا رفته بود. حضرت عیسی علیه السلام با معجزه الهی، مادر خویش را زنده کرد و گفت: آیا می‌خواهی به دنیا برگردی؟ حضرت مریم با این‌که در بهشت بود و مقام عنداللهی داشت، گفت: آری، می‌خواهم به دنیا برگردم، چرا؟ برای این‌که در دل شب عبادت کنم و نماز بخوانم و در روزهای گرم و طاقت‌فرسا روزه بگیرم؛ یعنی می‌خواهد بهشت و نعمت‌های فراوان آن را رها کند و به دنیایی برگردد که در زیر آفتاب سوزان و در روزهای گرم، آواره بیابان شود و افطار او گیاه بیابان باشد. انسان باید مثل حضرت مریم علیها السلام روزه بگیرد و مانند ایشان اشتیاق به روزه‌داری داشته باشد. روزه‌داری با اجبار و اکراه، نه‌تنها خوب نیست، بلکه موجب مشقت بیشتر روزه‌داری می‌شود.

مسلمانان صدر اسلام در ده سال حکومت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، هشتاد و چهار جنگ پشت سر گذاشتند. جرجی زیدان که مورخ مسیحی است، می‌نویسد: مسلمانان صدر اسلام در حالی می‌جنگیدند که گاهی یک خرما، جیره روزانه دو مسلمان بود و یکی از آن‌ها باید آب خرما را می‌خورد و دیگری از سلف آن استفاده می‌کرد. آن مسلمانان با این اوضاع و با نبود امکانات جنگیدند و پیروز شدند. آن‌چه که توجه می‌طلبید این است که در آن ده سال، ده ماه مبارک رمضان بود و مسلمانان صدر اسلام، در حالی جنگیدند و پیروز شدند که روزه‌دار بودند.

مثلاً در تاریخ می‌خوانیم که در جنگ احزاب و در آن بیابان گرم حجاز، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مسلمانان روزه‌دار بودند و با دهان روزه خندق حفر کردند و بعد هم جنگیدند و پیروز شدند.

رزمندگان عزیز کشور خودمان هم، چه پیر و چه جوان در هشت سال دفاع مقدس و در گرمای جنوب، جنگیدند و از کشور دفاع کردند و در آن دوران، در هشت ماه مبارک رمضان هم در حالی که روزه‌دار بودند جنگیدند. در پشت جبهه هم مردم و به‌خصوص خانم‌ها در حالی که تشنه و گرسنه بودند، زحمت می‌کشیدند و هرچه داشتند، برای رزمندگان می‌فرستادند و نتیجه ایثار و عبادت خالصانه آنان پیروزی مردم بر قدرت‌های دنیا شد.

بنابراین افراد عادی و کسانی که عذر جدی ندارند، حق ندارند بگویند که نمی‌توانیم روزه بگیریم و نباید گرما یا طولانی بودن روزها یا تشنگی و نظایر آن را بهانه کنند و روزه نگیرند. بلکه هر کس، حتی آنان که به اقتضای شغلی که دارند، از گرمای شدید و تشنگی رنج می‌برند، باید با در نظر گرفتن ارزش معنوی روزه و برکات و فضایل بی‌نظیر آن، با اشتیاق کامل روزه بگیرند تا بتوانند در روز عید فطر از برکات و پاداش‌های الهی بهره‌مند شوند.

### مختصات روزه حقیقی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پاسخ به سؤال امیرالمؤمنین علیه السلام در یک جمله مختصات روزه حقیقی و روزه مقبول را ترسیم فرمودند. بنا بر فرمایش آن حضرت، روزه واقعی آن است که روزه‌دار، علاوه بر شکم، چشم و گوش و زبانش هم روزه باشد، یعنی اعضا و جوارح‌اش تحت کنترل او باشد. چشم او آلودگی نداشته باشد و مناظر تحریک‌آمیز و شهوت‌انگیز و برنامه‌ها و فیلم‌های مبتذل و حرام و حتی بیهوده را نبیند. گوش او به شنیدن حرف‌های حرام و موسیقی‌های مبتذل آلوده نشود. زبانش دروغ نگوید، غیبت نکند، سخن چینی نداشته باشد و حرف‌های بیهوده هم نزند. به جای آن ذکر



بگویند، با خداوند ارتباط داشته باشد و هر چه می‌تواند قرآن بخواند.

### ❖ فضیلت خواندن قرآن در ماه مبارک رمضان

قرآن کریم در یک آیه بر خواندن مکرر آیات الهی تأکید می‌ورزد و می‌فرماید:

﴿فَاقْرَأُوا مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَأُوا مَا تيسَّرَ مِنْهُ﴾

این تأکید به خواندن قرآن کریم، مربوط به ایام عادی است و اما درباره ماه مبارک رمضان که خواندن یک آیه از قرآن، ثواب یک ختم قرآن را دارد، بر تأکید آن می‌افزاید.

واقعاً رها کردن خواندن قرآن و ترک ارتباط با خداوند و اتلاف وقت با دیدن فیلم‌ها و برنامه‌های مبتذل و دست‌کم بیهوده، حماقت نیست؟

اگر انسان به جای ذکر و ارتباط با قرآن، غیبت کند، تهمت بزند و دروغ بگوید، جهالت و دیوانگی خود را اثبات نکرده است؟

### ❖ سه توصیه مهم

در پایان توصیه من برای درک بهتر ماه مبارک رمضان این است که:

اولاً: باید در یک ماه پیش رو همه با خدا آشتی کنند و به سوی او بازگردند، همه مراقب باشند تا گناه در زندگی نباشد، که گناه زندگی را تباہ می‌کند؛ به خصوص چشم و گوش و زبان انسان باید تحت کنترل او باشد و به گناه و معصیت و حتی بیهودگی مبتلا نشود.

ثانیاً: در یک ماه، همه باید در مساجد، در نماز جماعت، در جلسات ختم قرآن و دعا، شرکت فعال داشته باشند و از وقت پر ارزش خود در راستای رشد معنوی و پیشرفت رو به کمال استفاده کنند.

یکی از مصایبی که امروزه گریبان مردم را گرفته، این است که متأسفانه مساجد آن‌طور که شایسته است، پر از جمعیت نیست و این بلای بزرگی است که باید دست کم در ماه مبارک رمضان جبران شود.

ثالثاً: در ماه مبارک رمضان به خواندن قرآن اهمیت بدهند و دست کم روزی یک جزء قرآن بخوانند تا در پایان، یک ختم قرآن که معادل بیش از شش هزار مرتبه ختم قرآن ثواب دارد، در پرونده اعمال ثبت شود. و اگر نشد، هرچه انسان می‌تواند باید قرآن بخواند و دست کم در راه و در حین کار باید سوره‌هایی که حفظ هستند را مرتب بخوانند تا دست کم به این اندازه از برکات ماه مبارک رمضان استفاده کرده باشند.



# دو خطر اهمال از توبه

## در دیدگاه شیخ بهایی



مرحوم شیخ بهایی رحمته الله علیه در کتاب اربعین آورده است: «من اهمل المبادرة الى التوبة و سوفها من وقت الى وقت فهو بين خطرین عظیمین، ان سلم من واحد فلعله لا یسلم من الاخر»؛ یعنی کسی که سهل انگاری و اهمال کند در شتاب کردن به توبه و آن را به تأخیر اندازد و امروز و فردا کند، در معرض دو خطر بزرگ واقع شده است، که اگر از یکی نجات پیدا کند، شاید از خطر دیگر نجات نیابد.

### خطر اول

#### رسیدن مرگ ناگهانی

در واقع اولین خطری که آدمی را تهدید می کند و چه بسا نمی گذارد که انسان به توفیق توبه دست یابد، رسیدن اجل و مرگ ناگهانی است. گناه می کند و امروز و فردا می کند و بر این باور است که در آینده توبه خواهد کرد، اما اجل از راه می رسد و بین او و توبه فاصله می اندازد و نمی گذارد توبه کند و لذا قرآن در خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: ﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذٍ فَرَغُوا فَلَا قُوَّةَ وَأُخِذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ وَقَالُوا آمَنَّا بِهِ... وَ حِيلَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ﴾<sup>۱</sup>

اگر بینی هنگامی که فریادشان بلند می شود، اما نمی توانند بگریزند (از چنگال عذاب الهی) و آن ها را از مکان نزدیکی می گیرند (وقتی گرفتار می شوند و در چنگ مرگ می افتند) گویند: به او ایمان آوردیم... و سرانجام میان آن ها و آن چه مورد علاقه شان بود، جدایی افکنده شد. در این هنگام شروع به درخواست مهلت و تأخیر مرگ می کنند؛ هر چند که یک روز یا یک ساعت باشد، ولی در جواب او گفته می شود: «لا مهملة»، تو را مهلتی نیست.

گروهی از مفسرین در تفسیر آیه ﴿وَأَنْفِقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَّ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقُ وَأَكُنُ مِنَ الصَّالِحِينَ... وَلَنْ يُؤَخَّرَ اللَّهُ

نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا﴾ فرموده اند: محتضر به هنگام برطرف شدن پرده می گوید: ای ملک الموت! یک روز مرگ مرا به تأخیر بینداز تا از خداوند عذرخواهی کنم و توبه نمایم و توشه شایسته بگیرم. ملک الموت در پاسخ می گوید: روزها و روزگارا را فانی ساختی. او می گوید: پس یک ساعت مهلت بده. پس درب توبه به روی او بسته می شود و او را با صورت به دوزخ می اندازند و خونابه یأس و حسرت و ندامت را به خاطر ضایع کردن عمر می چشد.<sup>۲</sup>

#### روایات

پیامبر بزرگوار اسلام، حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله می فرمایند: «لَا تُؤَخَّرِ التَّوْبَةُ، فَإِنَّ الْمَوْتَ يَأْتِي بَعْتَةً»؛ توبه را به تأخیر نیندازید؛ زیرا مرگ ناگهانی فرا می رسد.<sup>۳</sup>

و نیز آن حضرت صلی الله علیه و آله می فرمایند: «سُرُّ الْمُعْذِرَةِ حِينَ يَحْضُرُ الْمَوْتُ»؛<sup>۴</sup> بدترین توبه ها هنگامی است که مرگ فرارسد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در یک روز جمعه ای، خطبه ای ایراد نموده و فرمودند: «أَيُّهَا النَّاسُ تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا، وَ بَادِرُوا بِالْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ قَبْلَ أَنْ تُسْأَلُوا»؛<sup>۵</sup>

۲. منافقون/۹ و ۱۱؛

۳. اربعین شیخ بهایی؛

۴. پرورش روح/ج ۱/ص ۲۳۱؛

۵. نهج الفصاحه/ح ۱۸۱؛

۶. آثار الصادقین/ج ۲/ص ۱۶۱؛

۱. سبأ/۵۴: ۵۱.

ای مردم! قبل از مرگتان توبه کنید، و مبادرت ورزید به اعمال صالح، پیش از آن که سرگرم امور زندگی شوید.»

شخصی از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام تقاضای موعظه کرد، حضرت فرمودند: «لَا تَكُنْ مِمَّنْ يَرْجُو الْآخِرَةَ بِغَيْرِ عَمَلٍ وَ يُرْجَى التَّوْبَةَ بِطُولِ الْأَمَلِ؛ از کسانی مباش که بدون عمل امید سعادت آخرت را دارند، و توبه را با آرزوهای دراز تأخیر می‌اندازند.»  
و نیز حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «لَا تَكُنْ مِمَّنْ ... إِنْ عَرَضَتْ لَهُ شَهْوَةٌ أَسْلَفَ الْمُعْصِيَةَ وَ سَوَّفَ التَّوْبَةَ؛<sup>۲</sup> مباش از کسانی که هرگاه شهوت بر او عارض شود، گناه را جلو می‌اندازند و توبه را به تأخیر می‌افکنند.»

## ◆ خطر دوم

### تباه شدن روح ایمان

خطر دوم آن است که در اثر تأخیر توبه، تاریکی‌های گناه چنان بر قلب او احاطه می‌یابد که به صورت زنگاری در می‌آید و عقده چرکینی می‌شود که هرگز نابود نمی‌گردد. هر گناهی که شخص انجام می‌دهد، ظلمتی در دلش پیدا می‌شود و هرگاه سیاهی گناهان بر قلب زیاد شد، به صورت زنگ در می‌آید؛ همان طوری که بخار زیاد روی آینه را می‌پوشاند و در اثر تراکم بخار، جرم آینه را فاسد و تباه می‌کند به حدی که صیقل و جلانمی‌پذیرد. از دل چرکین و قلب تاریک، نور ایمان می‌رود، آن‌گاه پند و اندرز سودی نمی‌بخشد و هرچه از مواعظ بگویی دروغ می‌پندارد، تا جایی که مصداق این آیه می‌شود: ﴿خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ عَلَى سَمْعِهِمْ وَ عَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾<sup>۳</sup>؛ خداوند بر دل‌های آن‌ها مهر نهاده و هم‌چنین بر گوش‌های آن‌ها و بر چشم‌هایشان پرده‌ای فروافتاده و برای آن‌ها عذاب بزرگی است.

بنابراین قبل از آن‌که زهر گناه، روح ایمان را تباه سازد و زنگار معصیت، قلب و دل را سیاه کند، آدمی باید اقدام به توبه و انابه نماید.

آری بدترین اثر گناه و ادامه آن، تاریک ساختن قلب و از میان بردن نور علم و معرفت است. گناهان از اعضا و جوارح به طرف قلب سرازیر می‌شود و قلب را به یک باتلاق بدبو و گندیده مبدل می‌سازد. این جاست که انسان راه و چاره را تشخیص نمی‌دهد و با دست خود، تیشه به ریشه سعادت خویش می‌زند و سرمایه خوشبختی خود را به باد فنا می‌دهد.

از اثرات دیگر گناه آن است که باعث می‌شود لذت مناجات را از او بگیرد و قبح و تلخی معصیت را از بین ببرد. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «گناهان زیاد، قلب انسان را فاسد می‌کند.»<sup>۴</sup>

۱. نهج البلاغه/قصار ۱۵۰؛

۲. نهج البلاغه/قصار ۱۵۰؛

۳. بقره/۷؛

۴. تفسیر نمونه/ج ۲۶/ص ۲۶۶.







# موانع فهم قرآن و ضرورت رفع آنها

میرزا جواد ملکی تبریزی



می‌گردد و شکل‌ها را به خوبی منعکس نمی‌کند. سوم: این که معتقد به امر باطلی باشد و آن را برای خویشتن، مذهب اتخاذ نموده و ماوراء اعتقاد خود را کفر یا ضلال بیندارد. این امر نیز از موانع فهم است؛ زیرا قبل از آن که قلب، به سبب قرآن، روشن و نورانی شود تا بتواند حق را ببیند، آن را کفر پنداشته و به رد و تأویل و توجیه آن می‌پردازد و مادامی که چنین تعصب باطلی در او موجود باشد، هرگز به حق هدایت نمی‌شود. چهارم: آن که در تفسیر آیه، تفسیر ظاهری را بیابد و معتقد شود که مراد خدا، منحصر به آن است و برداشتی غیر از این معنا، تفسیر به رأی و حرام می‌باشد. زمانی که خواننده قرآن حقیقت و بزرگی قرآن را دریافت، باید در آیات او تدبر کند و وقتی تدبر کرده و موانع فهم را از سر راه برداشته و در صدد فهمیدن آن بر آمد، طبیعتاً منظور خدا در کلامش برای او، آشکار می‌شود، البته به مقدار ایمان خود. آن‌گاه که از این آبشخور جامی نوشید، مست می‌شود و زمانی که از جلوه‌های معارف الهی مست شده، قلب او از آیات مختلف، که هر کدام اثر مخصوصی دارند، تأثیر پذیرفته و با هر معنایی حال و سروری برای او پیدا می‌شود.

باده گلگون چهارصد و چهل کلمه در سلوک الی الله

ای سالک طریق معرفت! کسی که می‌خواهد قرآن را بفهمد، واجب است که خود را از موانع فهم خالی سازد و الا حق انتفاع را از قرآن نمی‌برد [و آن‌گونه که باید از قرآن استفاده نخواهد کرد]؛ بلکه اگر از موانع فهم خالی و عاری نگردد، زیان هم خواهد برد و برای موانع فهم وجوهی شمرده‌اند که عبارت است از:

اول: مقید شدن در ادا کردن دقیق حروف از مخارج آن و حفظ حدود محاسن تجوید. این مطلب مانع از تدبر در معانی آیه می‌شود و طلب فهم برای او ممکن نخواهد شد.

من می‌گویم که این حق است، الا آن که از موانع استفهام نیست، بلکه از موانع تدبری است که آن تدبر، از اسباب استفهام و طلب فهم است.

دوم: این که صفت و خلقی از اخلاق رذیله و صفات خبیثه، در قاری باشد که موجب طبع قلب [و زنگار دل] از فهم معانی قرآن شود، چنان که بعضی از آیات دلالت بر آن دارد؛ مانند ﴿كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارًا﴾<sup>۱</sup>؛ و در جای دیگر می‌فرماید: ﴿وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَنْ يُنِيبُ﴾<sup>۲</sup>. پس این صفات، در قلب تولید کدورت و تیرگی می‌نماید که مانع از فهم حقایق اشیاء می‌شود، نظیر زنگار روی آینه که مانع از دیدن صورت‌ها در آن

۱. غافر/۳۵؛

۲. غافر/۱۳.

# این دشمن خیلی سرسخت است

## آیت الله شهید دستغیب رحمته

از جمله نعمت‌های عظیم الهی در این ماه، نعمت گرسنگی و تشنگی است که کمتر کسی متوجه نعمت بودن و اهمیت آن می‌شود. در حال گرسنگی قلب رقیق، روشن و روحانی می‌شود و بیشتر به خدا روی می‌آورد؛ چنانچه در حالی که سیر باشد، تنبل می‌شود و میل دارد بخوابد و به همین خاطر است که خداوند متعال پرخور پرخواب را دشمن می‌دارد و در لیلۃ المعراج به رسولش حضرت محمد صلی الله علیه و آله می‌فرماید: بگویم علامت اهل دنیا را که بشناسی؟ کسی که خوراک و خواب او زیاد است. دشمن دار، دنیا و اهل دنیا را.

اجمالاً وقتی که معده خالی باشد رغبت به ذکر و یاد خدا بیشتر است و مستعد طلوع نور حکمت در قلب می‌شود.

### ◆ لزوم ترک غذای حرام

تا لقمه حرام در بدن تو وجود دارد شیطانی هستی و فرار از شیطان دروغ است. وقتی آثارش از بین برود، آن‌گاه حالت فرار از ابلیس در تو پیدا می‌شود و گرنه عبادت‌هایت هم ظاهری است؛ در خوردن و آشامیدن، روایات فراوانی از اهل بیت علیهم السلام رسیده است، این‌ها به منزله بذر است بذر را خراب نکنید.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾؛ از چیزهای پاکیزه و حلال بخورید و از گام‌ها





### ◆ دل‌های بیمار، خوراک شیطان

دل شما مورد نظر شیطان است. نگاهی به دل می‌کند، اگر آذوقه او در آن است، حب مال و زر و زیور و شهرت و مقام در آن است، می‌بیند خوب جایی است. این جا حرص است و هرچه به دست آورد هنوز برایش کم است. می‌بیند این جا بخل است. حسادت است. به به! چه جای خوبی برای شیطان است و همان جا متمرکز می‌شود. صد هزار بار هم بگو: اعوذ بالله من الشیطان الرجیم؛ به این چخ‌ها رد نمی‌شود. این دشمن خیلی سرسخت است: «ان الشیطان لکم عدو»<sup>۲</sup>... «انه لکم عدو مبین»<sup>۳</sup>. بلی، اگر طعمه‌اش را دور کردی، آن‌گاه می‌بیند وسیله ماندن ندارد و لذا با یک استعاده فرار می‌کند. دلی که در آن دوستی دنیا نیست، شیطان چه بهره‌ای می‌تواند از آن داشته باشد؟!

۲. فاطر، ۶؛

۳. یس، ۶۰.

و وسوسه‌های شیطان پیروی نکنید. نمی‌گویید مرغ و پلو نخور. گوشت بخور، ولی حلال بخور و از راه‌های شیطان دوری کن. کسی که از شیطان فرار نکرد به دست خودش شیطان را در رگ و پوست و گوشت و خون خود جای می‌دهد.

### ◆ لزوم ترک غذای شبهه‌ناک

دوم، ترک لقمه شبهه است. از غذای مشتبه هم پرهیز. تا وقتی نمی‌دانی حلال است، خوراک و لباس را مصرف نکن. حرام به قدری اثر دارد که کار به جایی می‌رسد که حق با کمال ظهورش، مورد وسوسه و شک حرام‌خوار یا شبهه‌خور می‌شود. در خدا با این ظهوری که هست، شک می‌کند! شیطان کجا بود؟ توی همین لقمه حرام و شبهه‌ناک.

از شیطان فرار نکرد، به چنین روزی افتاد؛ یعنی به دست خودش شیطان را در رگ و پوست و گوشت و خون خود جا داد.

### ◆ مراقب خود باشید

بالجمله، ابلیس تله‌های فراوانی دارد که اگر انسان تقوا نداشته باشد و مراقبت نکند، چنان او را می‌گیرد که تا به قعر جهنم نبرد، رهایش نمی‌کند.

اهل عقل! احتیاط کنید احتیاط! زبان را مخصوصاً به خود بگیرید و بترسید. به دیگران چکار دارید؟! هرکس حساب جداگانه‌ای دارد. وزر دیگری را به گردن تو نمی‌اندازد: «لا تزر وازرة وزر آخری»<sup>۱</sup>.

بدانید که اعراض و آبروی خلق، دام ابلیس است. در مجلسی که با یکدیگر هستید، مواظب این دام باشید.

۱. فاطر، ۱۸؛





# برنامه‌های الهی در ضیافت ماه رمضان

استاد شهید آیت‌الله مطهری رحمة الله عليه

## ◆ آثار تربیتی و اجتماعی روزه

چرا در روایات ما آمده است که بسیاری از روزه داران هستند که حظ و بهره آن‌ها از روزه، جز گرسنگی چیزی نیست؟ بستن دهان از غذای حلال برای این است که انسان در آن سی روز، تمرین کند که زبان خود را از گفتار حرام ببندد، غیبت نکند، دروغ نگوید، فحش ندهد. این از همان امور معنوی و باطنی و ملکوتی است. زنی آمد خدمت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله، در حالی که روزه داشت. رسول اکرم صلی الله علیه و آله شیر یا چیز دیگری به او تعارف کرد و فرمود: بگیر و بخور! گفت: یا رسول الله صلی الله علیه و آله! روزه دارم. فرمود: نه، روزه نداری؛ بگیر و بخور. گفت: نه، یا رسول الله! روزه دارم. باز رسول اکرم صلی الله علیه و آله اصرار کرد که بخور. گفت: نه، روزه دارم، واقعاً روزه دارم (چون به حساب خودش واقعاً روزه داشت، ولی روزه ظاهری مثل روزه‌های ما). فرمود: تو چگونه روزه داری، حال آن‌که گوشت برادر- یا خواهر- مؤمن را یک ساعت پیش خوردی (غیبت کردی)؟ می‌خواهی الآن به خودت ارائه دهی که تو گوشت خورده‌ای؟ قی کن! یکدفعه قی کرد و لخته‌های گوشت از دهانش بیرون آمد. انسان روزه بگیرد و غیبت کند، یعنی دهان جسم خودش را از غذای حلال ببندد و دهان روح خود را برای غذای حرام باز کند.

## ◆ کنترل زبان عبادت اجتماعی

چرا به ما گفته‌اند: یک دروغ که انسان بگوید، تعفنی از دهان او بلند می‌شود که تا هفت

ضیافت  
نور



آسمان، فرشتگان را متأذی می‌کند؟ آن وقت می‌گویند: چرا انسان وقتی در جهنم است، این قدر جهنم عفونت دارد؟! عفونت جهنم همین عفونت‌هایی است که ما خودمان در دنیا ایجاد کرده‌ایم، همین دروغ‌هایی است که خودمان می‌گوییم. دشنام دادن و همز و لمز کردن هم همین‌طور است.

تهمت زدن، سرور همه این‌هاست؛ چون تهمت زدن هم [رذیلت] دروغ گفتن را دارد و هم [رذیلت] غیبت کردن را. آدمی که غیبت می‌کند، راست می‌گوید و بدگویی می‌کند و آدمی که دروغ می‌گوید، دروغ می‌گوید، ولی بدگویی کسی را نمی‌کند، یک دروغی می‌بافد. اما آدمی که تهمت می‌زند، در آن واحد، هم دروغ می‌گوید و هم غیبت می‌کند؛ یعنی دو گناه کبیره را با یکدیگر انجام می‌دهد.

آیا صحیح است که یک ماه رمضان بر ما بگذرد و ما در آن یک سلسله تهمت‌ها را به یکدیگر بسته باشیم؟ ماه رمضان برای این است که مسلمین، بیشتر اجتماع کنند، عبادت‌های اجتماعی انجام دهند و در مساجد جمع شوند، نه این‌که ماه رمضان وسیله تفرقه قرار گیرد.

پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چه تعبیر عجیبی دارد برای ماه مبارک رمضان که می‌فرماید: *دُعِيْتُ فِيهِ إِلَى ضِيَاقَةِ اللَّهِ*؛ شما در این ماه به مهمانی خدا خوانده شده‌اید. در این ماه، خدا میزبان است و شما میهمان، پس به این مقیاس بفهمید که چقدر درهای رحمت الهی در این ماه باز است! می‌دانید در رابطه میزبان و میهمان، این میزبان است که شأن مهمان را گرامی می‌دارد. هر کسی وقتی مهمان یک آدم کریم شد، به دلیل این‌که مهمان است، میزبان او را گرامی می‌دارد. فقط کوشش کنید که لااقل بتوانید به صورت یک مهمان بر سر سفره این میزبان وارد بشوید.

### شب‌های قدر اوج معنویت

اوج معنویت ماه مبارک رمضان، شب‌های قدر است.

این روزه گرفتن‌ها، این - به خیال خودمان - زنجیر بر نفس اماره زدن‌ها، با طبیعت مبارزه کردن‌ها، روحانیت را غلبه دادن بر طبیعت، ذکر زیاد کردن خدا، دعای زیاد خواندن، تلاوت قرآن زیاد کردن، در یاد خدا زیاد بودن، این‌ها همه آمادگی است برای این‌که در شب‌های احیاء بتوانیم مانند یک میهمان بر سر سفره رحمت خالق خودمان وارد بشویم [و در این ضیافت] شرکت کنیم و بتوانیم توبه کنیم، انابه کنیم، استغفار کنیم. از خدای متعال برای خودمان، برای برادران مؤمن خودمان، برای جامعه اسلامی خودمان رحمت و سعادت بخواهیم، اصلاح نفس خودمان را بخواهیم. عبادت اصلاً برای نورانیت است.

ما عبادت می‌کنیم برای این‌که به وسیله عبادت و به یاد خدا بودن و غیرخدا را فراموش کردن، از این ظلمت‌ها و کدورت‌ها و تیرگی‌ها بیرون بیایم و قلب ما به نور الهی منور شود.





# ماه رمضان

## در نگاه امام موسی صدر

دگر بار، ماه رمضان مبارک فرا رسیده است؛ با شب‌های الهام‌بخش، روزهای آموزنده و فضای آکنده از شمیم خاطرات و عبرت‌هایش که مایه جدیت و نظم است. دگر بار، روزه می‌گیریم، شب‌زنده‌داری می‌کنیم، شعایر را دو چندان می‌کنیم و سرانجام عید را با شادمانی و خشنودی جشن می‌گیریم و پس از آن به زندگی عادی باز می‌گردیم. بدین سان سال‌ها تکرار و بر حجم خاطرات افزوده می‌شود.

ای مؤمنان!

آیا در روزه‌ها مان آثار روزه را می‌بینیم؟ و در نماز زمان عروج آن را؟ آیا در «فطر» و «قربان» معانی این اعیاد و کارکردشان را حس می‌کنیم؟ آیا شعایر در ما فعل و انفعال و اماکن مقدس در ما اثر دارند؟

آیا در مسجد الاقصی و کلیسای قیامت، آن معانی را که بالقوه برای امت مان روشن بود، یافته‌ایم؟ این‌ها تجارب تلخ و دردآور ما در متن واقعیت تلخ و دردآور ماست. پس بار دگر با نگاهی واقع‌بینانه، همه‌جانبه و با شجاعت و بینش آموزه‌های دین مان را ارزیابی کنیم، شاید راهی نو بی‌ماییم و در آن‌ها، زندگی بدمیم و از هستی خود به دین و آموزه‌های والایش ببخشیم تا جایگاه رفیع و فراگیر خود را باز یابد. بگذاریم دین ابعاد وجودی ما را فراتر ببرد و کثرت مان را وحدت بخشد و تشمت مان را به همدلی بدل کند.





### ای مؤمنان!

هرگاه اندیشه دینی و آموزه‌هایش در همه ابعاد زندگیمان؛ در خانه، در بازار، در دفتر کار، و در عرصه‌های حیات ما حضور داشته باشد، هرگاه حصارها را از احساس دینی دربند در عبادتگاه‌ها برداریم و بگذاریم این احساس به کلیت حیاطمان راه یابد، به زندگیمان پا نهد، تا اختیار ما به دست او باشد و اثر گذارد و هدایت کند. هرگاه به او فرصت دهیم و نخواهیم که با منزوی کردن او از نقشش بکاهیم و او را از میان ببریم، تنها در این صورت است که آثار این گنج گرانبمایه را در زندگی و در ساختن تمدن خود می‌بینیم.

### ای مؤمنان!

روزه ماه رمضان و دیگر عبادات و شعایر دینی تنها فعالیتی جسمانی نیستند، بلکه حرکاتی سرچشمه گرفته از عقل و دل‌اند که در قالب حس در می‌آیند و با آن در می‌آمیزند، از همین رو هرگاه به دور از دخالت عقل و دل انجام گیرند، اعمالی خشک، کم‌رنگ و تقلید گونه‌اند که ما را به خود مشغول می‌کنند، ولی تأثیری نمی‌گذارند.

بر ماست تا در این تجربه تازه و این ماه مبارک و در روزه‌اش، عقل و دل را در کنار جسم، فعال کنیم. باید تفکر و تأمل کنیم، باید عشق بورزیم و حساس باشیم. باید این عشق و آن تأمل را در متن روزه خود جاری سازیم.

پیامبر ﷺ فرمودند: «تفکر ساعة خیر من عبادة سبعین سنة؛ یک ساعت تفکر، برتر از هفتاد سال عبادت است.» امام صادق علیه السلام نیز فرموده‌اند: «هل الدین الا الحب؟ آیا دین به غیر از محبت است؟» این چنین روزه زنده‌ای، سپر آتش و یکی از ارکان اسلام و مهمانی خداوند است فقط در این صورت است که رمضان شرایط و فضایی را فراهم می‌کند که در آن انسان گرمی ساخته می‌شود، انسانی که فاتح مکه است و پیروز بدر و سازنده تاریخ. این چنین رضانی، ماه الفت و همدردی با دیگران و



فصل فراموشی کینه‌ها و اتحاد صفوف است. ماه وحدت کلمه و وحدت دل‌ها و ماه رستاخیز دوباره امت است. این‌گونه روزه‌داری در ماه رمضان، نخستین گام در ساختن امت و تاریخ است، تمرینی برای جهاد و آمادگی برای نبرد است، آغاز بازگشت به سوی خداست، به سوی سرزمین مقدس خدا، به سوی قدس. این وعده حق خداوند است و خداوند از وعده‌اش تخلف نمی‌کند. خداوند می‌فرماید: ﴿ولینصرن الله من ینصره ان الله لقوی عزیز الذین ان مکنا هم فی الارض أقاموا الصلوة و آتوا الزکاة و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و لله عاقبة الامور﴾<sup>۱</sup>

مسیرة الامام السید موسی الصدر/ج ۱/ص ۲۷۹-۲۷۷



# انعکاس دل‌بستگی‌ها در آیینه ماه رمضان

آیت‌الله مصباح‌یزدی رحمۃ اللہ علیہ

## ◆ فرازهایی از شرح

### دعای وداع با ماه مبارک رمضان

امام سجاد علیه السلام در دعای وداع ماه رمضان می‌فرماید:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ أَطْوَلَكَ عَلَى الْمُجْرِمِينَ، وَ أَهْيَبَكَ فِي صُدُورِ الْمُؤْمِنِينَ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرٍ لَا تُنَافِسُهُ الْأَيَّامُ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرٍ هُوَ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ غَيْرِ كَرِيهِ الْمُصَاحِبَةِ، وَ لَا ذَمِيمِ الْمَلَابَسَةِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ كَمَا وَفَدْتَ عَلَيْنَا بِالْبَرَكَاتِ، وَ غَسَلْتَ عَنَّا ذَنْسَ الْخَطِيئَاتِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ غَيْرِ مُودِّعٍ بَرَمًا وَ لَا مَتْرُوكٍ صِيَامُهُ سَأْمًا؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ مَطْلُوبٍ قَبْلَ وَقْتِهِ، وَ مَحْزُونٍ عَلَيْهِ قَبْلَ فَوْتِهِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ كَمْ مِنْ سُوءٍ صُرِفَ بِكَ عَنَّا، وَ كَمْ مِنْ خَيْرٍ أُفِيضَ بِكَ عَلَيْنَا...»

«سلام بر تو ای ماه رمضان! چه قدر در نظر مجرمان طولانی بودی و چه قدر در سینه مؤمنان باشکوه! سلام بر تو ای ماهی که هیچ زمانی با آن رقابت نمی‌کند و با آن قابل مقایسه نیست. سلام بر تو ای ماهی که از هر سو سلام و رحمت است. سلام بر تو در حالی که از مصاحبت تو کراهتی نبود و از معاشرت با تو نکوهشی حاصل نشد. سلام بر تو آن چنان که برکات را بر ما وارد کردی و آلودگی‌های گناه را از ما شست و شو دادی. سلام بر تو که نه از روی خستگی و دل‌تنگی با تو وداع می‌کنیم، و نه روزهات را از روی رنج و ناراحتی ترک می‌کنیم (زمان روزه تمام شد نه این که ما از روی کسالت آن را ترک کرده باشیم). سلام بر تو ای مطلوبی که قبل از آمدنش در جست‌وجوی آن بودیم و قبل از رفتنش محزون و غمگین شدیم. سلام بر تو که چه بدی‌ها که به واسطه تو از ما برطرف شد و چه خیراتی که به وسیله تو بر ما افاضه شد.»

## ◆ تفاوت درک زمان در عوالم گوناگون

امام علیه السلام می‌فرماید: گذر تو بر مجرمان و گناهکاران طولانی بود و به نظر آن‌ها، تو ماهی طولانی بودی؛ اما مؤمنان در تو جلال و شکوهی می‌دیدند. معنای این

سخن چیست که یک زمان معین، برای عده‌ای طولانی و برای عده‌ای دیگر زود گذشته باشد؟ در محاورات عرفی هم وقتی در طول ساعات روز به ما خوش بگذرد، می‌گوییم امروز چه زود گذشت؛ اما اگر روزی با سختی، درد و رنج و ناراحتی بگذرد، می‌گوییم که امروز چه روز طولانی‌ای بود! همه ما کم و بیش این امر را تجربه کرده‌ایم. در این عالم اگر ما در شرایط متعادل و عادی، به حوادث این عالم و گذر این عالم آگاهی داشته باشیم، این گذر یکسان است و همه آن را یکسان درک می‌کنیم، اما گاهی برای عده‌ای شرایطی خاص پیش می‌آید که گمان می‌کنند، زمان بسیار زود گذشت یا عده‌ای دیگر گمان می‌کنند بسیار دیر گذشت. این یک نوع کوتاهی و درازی زمان در همین عالم است برای مردمی که هوشیارند و همین زمان را تجربه می‌کنند، اما احساس‌شان متفاوت است.

گاهی درک زمان اصلاً شیوه دیگری دارد. بر اساس مفاد برخی از آیات قرآن، کسانی هستند که گذشت زمان را طور دیگری درک می‌کنند. قرآن کریم داستانی از حضرت عزیر علی نبینا و آله و علیه السلام را این‌گونه نقل می‌کند که وی از سرزمینی عبور می‌کرد که افراد آن به سبب ابتلای به طاعون همه هلاک شده بودند. این سؤال به ذهنش آمد که خداوند چگونه این اجساد را که پوسیده و خاک شده‌اند را دوباره زنده می‌کند؟ خدای متعال برای این که پاسخ این سؤال را به او بفهماند، به مدت صد سال جان او را گرفت و ایشان در عالم برزخ بود و بعد او را زنده کرد. از او سؤال شد: چه قدر در این جا درنگ کردی؟ گفت: یک روز یا پاره‌ای از روز! به وی گفته شد: تو صد سال از این دنیا رفته بودی. اکنون به الاغ خود نگاه کن که چگونه متلاشی شده است، اما ما آن‌ها را به هم پیوند می‌دهیم. سپس گوشت بر آن می‌پوشانیم. پس استخوان‌ها روی هم سوار شد و بر آن‌ها گوشت روید و الاغ زنده شد! شبیه داستان پرنندگان حضرت ابراهیم علیه السلام. مقصود این که



وقتی از وی سؤال شد: «کَمْ لَبِثْتُمْ؟»<sup>۱</sup> «چه قدر در این جا درنگ کردی؟» گفت: یک روز یا پاره‌ای از روز! این داستان دلالت دارد بر این که وقتی روح انسان از این عالم می‌رود، زمان این عالم را به درستی درک نمی‌کند.

شاهد دیگر این نکته آیه‌ای است که می‌فرماید: در روز قیامت از عده‌ای سؤال می‌شود که ﴿كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ﴾؛<sup>۲</sup> «شما چند سال در زمین زندگی کردید؟» و آن‌ها پاسخ خواهند داد: ﴿لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَاسْأَلِ الْعَادِيْنَ﴾؛<sup>۳</sup> «ما یک روز یا پاره‌ای از روز در زمین زندگی کردیم! از کسانی که حساب دست‌شان هست بپرسید، ما نمی‌دانیم!» این واقعیتی است که حتی یک پیامبر خدا با مفارقت روح از بدنش نمی‌داند چه مقدار از زمان گذشته است.

پیش از انقلاب یکی از اولیای خدا با پای پیاده از تهران برای زیارت حضرت عبدالعظیم به راه افتاد. او بعد از عبور از دروازه ری به قبرستانی می‌رسد و بالای سر قبری مشغول خواندن فاتحه می‌شود که در آن حال، حالت مکاشفه‌ای به وی دست می‌دهد و صاحب قبر را می‌بیند. از وی می‌پرسد: چند وقت است که شما فوت کرده‌اید؟ می‌گوید: همین قدر گذشته که وقتی مرا به این باغ آوردند حوریه‌ای نزد من آمد که گردنبندی به گردن داشت. من آن گردن‌بند را گرفتم که نگاه کنم، بند آن پاره شد و دانه‌هایش روی زمین ریخت. من مشغول جمع کردن دانه‌های آن بودم که شما مرا صدا زدی. این در حالی بوده که صد سال از مرگ او می‌گذشته است.

پس ما چند جور درک زمان داریم؛ یکی برای ما است که در این عالم و در شرایط عادی زندگی می‌کنیم که همه زمان را یکسان درک می‌کنیم، و دیگری برای کسانی است که خارج از این عالم هستند. برای ایشان ممکن است زمان‌هایی طولانی بگذرد، اما با وجود این که روح آن‌ها زنده است اصلاً گذشت زمان را درک نکنند. در عالم خواب هم انسان، گذشت زمان را به درستی درک نمی‌کند. گاه از خواب بیدار می‌شویم و نمی‌دانیم صبح است یا عصر! و این بدین خاطر است که در هنگام خواب روح انسان به طور کامل به بدن تعلق ندارد. قرآن می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ﴾؛<sup>۴</sup> «او است که در هنگام خواب جان شما را می‌گیرد.» تعبیر «توفی» همان تعبیری است که قرآن برای مرگ هم به کار می‌برد. در این حالت روح انسان در این عالم نیست و گذشت زمان را درک نمی‌کند. برخی حتی معتقدند در همین عالم هم در منظومه‌ها یا کهکشان‌های، دیگر گذشت زمان طور دیگری درک می‌شود.

## ◆ زمان روان‌شناختی

مفروض ما این است که ما زمان ثابتی داریم که در همه جا یکسان است. شاید بتوان با برهان

۱. بقره/۲۵۹؛

۲. مؤمنون/۱۱۲؛

۳. همان/۱۱۳؛

۴. انعام/۶۰





عقلی هم گذر زمان ثابتی را اثبات کرد. سؤال این است که چه طور ممکن است در همین عالم دو نفر گذر زمان را مختلف درک کنند، به گونه‌ای که یکی گمان کند زمان بسیار زود گذشت و دیگری گمان کند بسیار دیر گذشته است؟ در ابتدا اشاره کردم که ما خود تجربه‌هایی داریم که وقتی به انسان خیلی خوش گذشته باشد، می‌گوید: زمان بسیار زود گذشت. این ناشی از یک ویژگی روانی است. وقتی به انسان خوش می‌گذرد دوست دارد این خوشی بیشتر ادامه داشته باشد و انتظار تمام شدن آن را ندارد، و وقتی می‌بیند آن خوشی تمام شد آه می‌کشد و به خاطر زود گذشتنش ابراز تأسف می‌کند. برعکس وقتی به انسان سخت می‌گذرد، دوست دارد که زمان زودتر بگذرد و این رنج تمام شود. این را می‌توان زمان روان‌شناختی نام نهاد.

#### ◆ تأثیر دل‌بستگی‌ها بر زمان روان‌شناختی

اشخاص نسبت به روزه و درک طولانی یا کوتاهی زمان آن مختلف هستند. بچه‌هایی که تازه به تکلیف

رسیده‌اند شاید اگر در روزهای کوتاه زمستان هم روزه بگیرند گمان کنند روز بسیار طولانی است؛ زیرا آن‌ها معمولاً عادت دارند در فاصله‌های کم چیزی بخورند و وقتی می‌بینند نمی‌توانند چیزی بخورند زمان برای آن‌ها بسیار سخت می‌گذرد. اما کسانی هم هستند که در زمان روزه، گذر زمان به آن‌ها فشار نمی‌آورد. بنابراین می‌توان گفت: زودگذر یا سخت‌گذر بودن زمان روان‌شناختی در هنگام روزه، وابسته به این است که به انسان خوش بگذرد یا بد بگذرد. کسانی که روزه گرفتن برای آن‌ها لذت بخش است و در طول روز به آن‌ها خوش می‌گذرد، گذر زمان برای آن‌ها طولانی نیست و آن‌ها با وجود گرمای تابستان بسیار با نشاط هستند و حتی اگر روز طولانی‌تر هم بود به آن‌ها سخت نمی‌گذشت. سرّ همه این‌ها این است که انسان از حوادثی که در زمان اتفاق می‌افتد خوشش بیاید و آن‌ها را دوست داشته باشد یا این‌که از آن حوادث لذتی نبرد، بلکه آن‌ها مانع لذتش شوند.

اگر لذت‌های انسان لذت‌های مادی باشد، چون این

مسایل مادی، در هنگام روزه ممنوع است، در نتیجه به او سخت می‌گذرد، اما کسانی که به آن‌ها سخت نمی‌گذرد آن‌ها هم گرسنه می‌شوند، شاید گرسنه‌تر از دیگران هم بشوند، اما آن‌ها لذت‌های دیگری دارند که لذت‌های مادی در برابر آن‌ها رنگ می‌بازند و ارزشی ندارند. آن‌ها لذت‌های غالبی هستند که قلب انسان را فرا می‌گیرد و دل انسان را متوجه خودش می‌کند و این باعث می‌شود که اصلاً متوجه رنجی نشوند که به خاطر روزه تحمل می‌کنند. از این رو به آن‌ها سخت نمی‌گذرد. اما وقتی آن لذت‌های بالاتر نباشند و لذت انسان در همین لذت‌های طبیعی خلاصه شود، در صورت فراهم نشدن آن‌ها ناراحت می‌شود و به او سخت می‌گذرد.

امام سجاده علیه السلام می‌فرماید: «مَا كَانَ أَطْوَلَكَ عَلَى الْمُجْرِمِينَ»؛ چه قدر برای گناه‌کاران طولانی بودی! گذر زمان در ماه رمضان برای گناه‌کاران طولانی است؛ زیرا تعلقات گناه‌کاران تعلقاتی مادی و لذت‌هایشان لذت‌هایی حیوانی است و این‌ها همان اموری‌اند که در این ماه ممنوع شده است و وقتی این لذت‌ها برایشان حاصل نمی‌شود، گمان می‌کنند ماه رمضان بسیار طولانی است. اما کسانی که از انس با خدا، عبادت، سبک‌بالی ناشی از گرسنگی لذت می‌برند، احساس نمی‌کنند که این ماه طولانی است و سخت می‌گذرد. کسانی که ترقیات روحی دارند، وقتی بدن‌شان سبک و شکم‌شان خالی است نشاط و لذتی فوق‌العاده برای آن‌ها پدید می‌آید و حال آن‌ها مانند مرغی است که پرواز می‌کند، اما وقتی غذا می‌خورند سنگین می‌شوند و نمی‌توانند پرواز کنند.

روزی یکی از اساتید به منزل ما آمد و من مقداری شیرینی خدمت ایشان آوردم و برای احترام گذاشتن به ایشان خیلی اصرار کردم که تناول کنند. ایشان یکی از شیرینی‌ها را تناول کردند و بعد فرمودند: انسان وقتی زیاد شیرینی می‌خورد، مثل مرغی می‌ماند که می‌خواهد پرواز کند، اما سنگ به پایش بسته‌اند! کسانی که روحشان از تعلقات مادی آزاد است و دوست دارند در فضای دیگری پرواز کنند، غذا خوردن و پرداختن به امور مادی برایشان سخت است. از سیره انبیا و اولیا به دست می‌آید که گویا اگر با مردم هم زندگی می‌کنند از سر تکلیف است، و اگر تکلیف نداشتند نمی‌خواستند میان مردم باشند. تکلیف هدایت و ارشاد و دستگیری مردم بود که آن‌ها را میان مردم نگه می‌داشت.

این روایت در میان شیعه و سنی معروف است که پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام نماز به بلال می‌فرمود: «أَرْحَمًا يَا بِلَالُ!»؛ یعنی رحمتان کن ای بلال! و راحتی حضرت در پرداختن به عبادت بود. برای چنین کسانی روزه گرفتن هرچند طولانی، سخت نیست و اگر هم افطاری و سحری می‌خورند به خاطر استحباب آن‌ها یا برای حفظ حیاتشان است تا بتوانند بار دیگر روزه بگیرند و وظیفه‌شان را انجام دهند، وگرنه به خوردن، خوابیدن و لذت‌های دیگر دلبستگی ندارند. اولیای خدا و آن‌هایی که دلشان با معبود و معشوق‌شان است، نه فقط از تنهایی وحشتی ندارند، بلکه





دوست دارند با او خلوت کنند. یکی از بزرگان می فرمود: من هیچ وقت و در هیچ حریمی از اهل بیت علیهم السلام از زیارت، هر قدر هم طول بکشد خسته نمی شوم. اگر ما بتوانیم یک مقدار دلبستگی هایمان را تغییر دهیم، آن گاه لذت های معنوی بیشتری نصیبمان می شود و در نتیجه، درک ما نسبت به زمان روان شناختی روزه هم تغییر می کند و برای ما هم زود می گذرد، اما با وجود دلبستگی های دنیوی، آن لذت ها برای انسان فراهم نمی شود. این عالم، دار تزام است و همه خواسته های انسان نمی تواند تحقق پیدا کند. خواسته ای محقق می شود که بر دیگر خواسته ها غلبه کند. تا دلبستگی ها به امور مادی و حیوانی هست، انسان زود از عبادت خسته می شود، و ماه رمضان نیز برای او بسیار طولانی خواهد بود. اما اگر دلبستگی هایش به اموری و رای این عالم بود، از عبادت خسته نمی شود. البته مقصود این نیست که از عالم مادی جدا گردد، بلکه منظور آن است که شئونش با شئون مادی و حیوانی فرق کند.

### ◆ بزرگترین جرم؛ محبت دنیا

حضرت فرمود: «مَا كَانَ أَطْوَلَكَ عَلَى الْمُجْرِمِينَ». اصل جرم همین تعلقات به دنیا است. «حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ!». هر کسی که جرمی مرتکب می شود، به خاطر این است که لذت و منفعتی دنیوی او را به دام انداخته است. کسی برای تقرب به خدا و ثواب آخرت مرتکب جرم نمی شود. از این رو کسی که چنین تعلقاتی دارد وقتی به امور معنوی می پردازد یا وقتی از لذت های مادی محروم می شود، زمان برای او سخت و طولانی می گذرد. کسانی هم که دل به لذات و لذاتر بسته، از دام دنیا گریخته اند، از عمق دل برای چنین افرادی تأسف می خورند که چرا به مشتی اسباب بازی سرگرم شده اند و به بیش از آن

نمی اندیشند! بسیاری از دل خوشی های دنیا شبیه همان اسباب بازی و سرگرمی های کودکان است. اهل دنیا چون هیچ یک از آن لذت های ثابت و پایداری که خدا و ملائکه ما را به سوی آن تشویق و تحریص می کنند نچشیده اند، نه چندان به آن ها دلبستگی دارند و نه چندان آن ها را باور کرده اند. حداکثر این است که عملی انجام می دهند یا چیزی را ترک می کنند که مبادا خبری باشد و ضرر کنند. به عنوان نمونه، برخی از نویسندگان (به زعم خودشان، اسلام شناس و فیلسوف) در کشور جمهوری اسلامی بودند که در کتاب هایشان نوشتند: هیچ دلیلی وجود ندارد که وعده های قرآن درباره بهشت و جهنم راست باشد؛ بلکه این وعده ها برای آن است که مردم را وادار به انجام کارهای خوب کنند. وعده دروغ هم اشکالی ندارد، زیرا هر دروغی قبیح نیست. بلکه اگر کسی دروغ بگوید برای این که دیگری را از کار بدی باز دارد اشکالی ندارد. چقدر فرق است میان این افراد با کسانی که کل این عالم را بازیچه می بینند و باور کرده اند که «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا هُوَ وَّلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ»<sup>۲</sup>. ما باید درباره وعده های الهی جدی تر باشیم و آن ها را باور کنیم. باور کنیم که غیر از این خوردن و خوابیدن و لذت های حیوانی، لذت های دیگری هم در همین عالم هست تا چه رسد به عالم دیگر. از خدای متعال می خواهیم به برکت اولیایش و به برکت وجود ولی عصر ارواحنا فداه به ما هم عنایتی کند تا بتوانیم شمه ای از آن حقایق را درک و باور کنیم و به آن ها دل ببندیم و دل از آلودگی های دنیا برکنیم.

پایگاه اطلاع رسانی آیت الله مصباح یزدی



# هشت نکته اخلاقی درباره آداب دعا

## آیت الله مجتهدی تهرانی رحمته الله علیه

۱. سه طایفه‌ای که شیطان با آن‌ها کاری ندارد: حدیث داریم که شیطان با سه طایفه کاری ندارد. آن‌هایی که یاد خدا می‌کنند، آن‌هایی که هنگام سحر بلند می‌شوند و استغفار می‌کنند و آن‌هایی که از ترس خدا هنگام سحر گریه و انابه می‌کنند.
۲. خودتان دعا را بخوانید، نه این‌که از رادیو گوش بدهید: خدایا! من را راهنمایی کن تا اعمال صالح انجام دهم. برخی در این ماه وقت سحر بلند نمی‌شوند و نماز صبح خود را اول وقت نمی‌خوانند. باید سحر بلند شوید و دعا بخوانید. خودتان دعا را بخوانید نه این‌که از رادیو گوش بدهید. دعای افتتاح، دعای ابوحمزه ثمالی را بخوانید و از خدا بخواهید که شما را با بلاهایی مانند سیل و زلزله عذاب ندهد.





۳. راهی برای رسیدن سریع به حاجات: اگر امید داری که کس دیگری غیر از خدا دعایت را اجابت می‌کند، دعایت مستجاب نمی‌شود. اگر می‌خواهی که دعایت مستجاب شود، بین در دلت اگر به هیچ کس امید نداری، خدا حاجتت را می‌دهد. توسل هم پیدا کنی؛ مخصوصاً به «نرجس خاتون» که مادر ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. وقتی به پسرش بگویند که کسی به من متوسل شده، پسر مجبور است به حرف مادرش گوش دهد. البته توسل به همه خوب است، اما آن‌ها مقداری طول می‌کشد.

۴. بهترین جای بهشت: خدایا! من را وسط بهشت ساکن کن. فلسفه وسط بهشت را نمی‌دانم، شاید اولیا و انبیا در آن جا ساکن هستند. به هر حال بهترین جای بهشت در وسط آن است.

۵. راه شناسایی رضایت خدا از بنده: اگر می‌خواهید بدانید که خدا از شما راضی هست یا نه، ببینید خودتان در ته دل از خدا راضی هستید؟ اگر راضی باشید، خدا هم از شما راضی است. حدیث داریم که شما مانند بیمار هستید و خدا مانند دکتر و طیب. همان‌طور که دکتر هرچه بگوید، بیمار می‌پذیرد، خدا هم هرچه به ما داد، ما باید رضایت داشته باشیم. اگر در مصیبت‌ها و نداری‌ها از خدا گله نکنیم و تسلیم خدا باشیم، یعنی این‌که ما از خدا راضی هستیم و خدا هم از ما رضایت دارد، اما خیلی سخت است که انسان ذره‌ای گله از خدا نداشته باشد.

۶. راه تشخیص بهشتی بودن: امام باقر علیه السلام به شخصی فرمودند: «اگر اراده کردی که بفهمی بهشتی و یا جهنمی هستی، به قلبت مراجعه کن، اگر دیدی اهل طاعت را دوست داری، اهل بهشت هستی و اگر اهل گناه را دوست داری، اهل جهنم هستی و انسان در قیامت با کسی که او را دوست دارد، محشور می‌شود»، در دوره آخرالزمان قلب مؤمن آب می‌شود؛ زیرا گناه را می‌بیند و استطاعات تغییر وضع را ندارد.

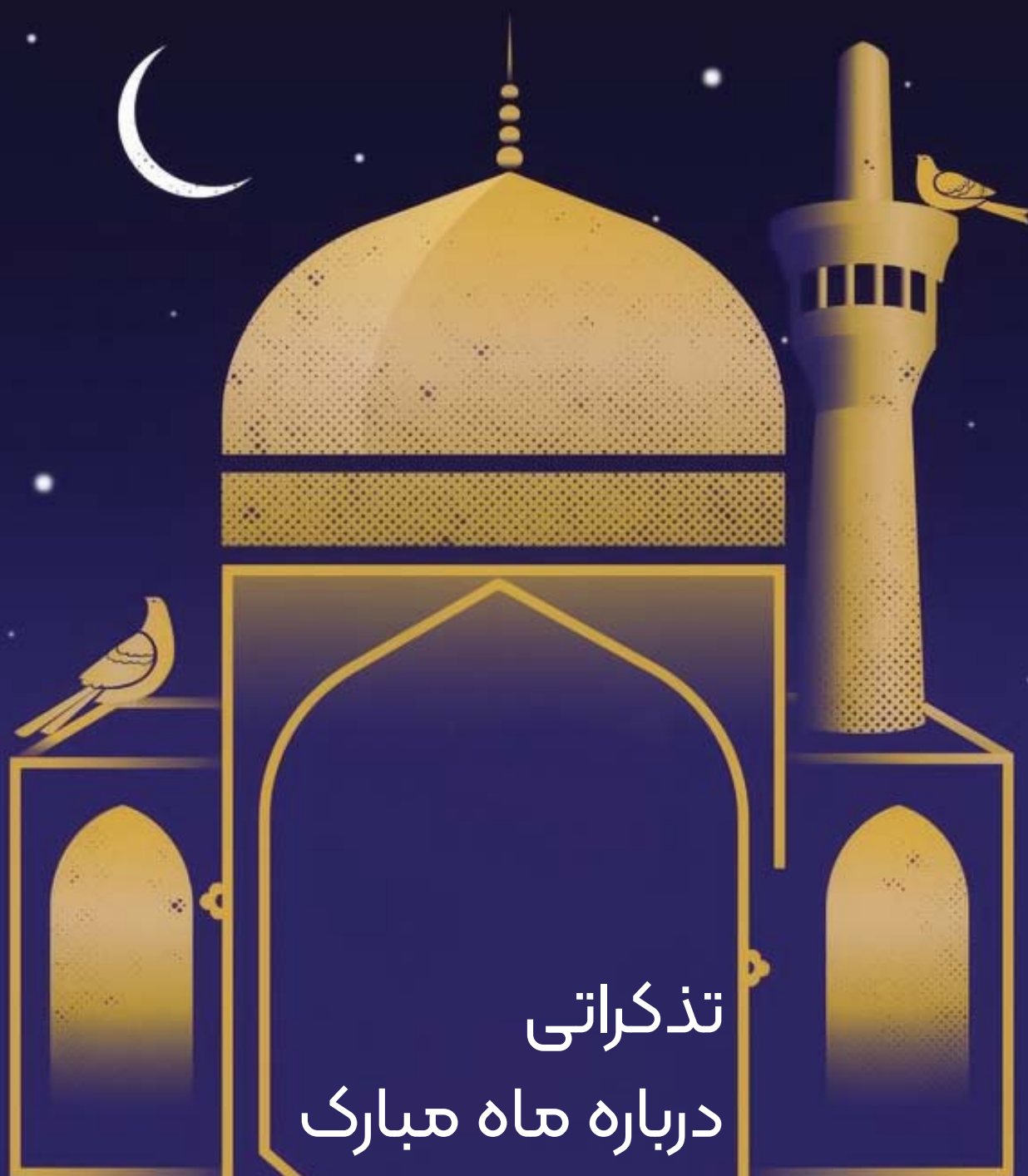
۷. قلب چگونه جلا می‌یابد: اگر قلب ما زنگ بزند، از

چه دوایی می‌توان برای رفع آن استفاده کرد. برای این کار باید سحرها قرآن بخوانید تا قلبتان را جلا بدهید. هم چنین جان انسان را استغفار سحر جلا می‌دهد و می‌توان با یتیم‌نوازی قلب را جلا داد. شخص ثروتمند، تنها با دست کشیدن بر سر یتیم قلبش جلا پیدا نمی‌کند، بلکه باید یتیمان را از نظر مادی تأمین و مشکلات مالی آن‌ها را برطرف کند. پس یادتان باشد که رحم کردن به یتیم با خلوص نیت، قلب را جلا می‌دهد.

۸. رمز موفقیت: کاری کنید که رفیقتان یک درجه از شما جلوتر باشد. یکی از رموز موفقیت من در زندگی اختیار کردن رفیق خوب بوده است.

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی حج





تذکراتی  
دربارہ ماہ مبارک

آیت اللہ آقا مجتبیٰ تهرانی رحمۃ اللہ علیہ

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ؛ وَاسْمَعْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ وَاسْمَعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ وَأَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا نَاجَيْتُكَ فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ وَوَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ»؛<sup>۱</sup>

### ◆ مقدمه

این طور که در نوشته‌های من وجود دارد، حدود پنج سال گذشته، در ماه مبارک رمضان، بحث دعا را شروع کرده‌ام<sup>۲</sup> و یک بحثی در دعاست که من درباره آن بحث نکرده‌ام. ان شاء الله، اگر خدا توفیقی عنایت کند، می‌خواهم آن بحث را مطرح کنم.

### ◆ ماه مبارک رمضان ماه نزول و صعود است!

قبل از آنکه وارد بحث شوم، این مطلب را عرض می‌کنم که به تعبیر اهل معرفت، ماه مبارک رمضان، ماه سلوک الی الله تعالی است، دار ضیافت الله است. تعبیرات مختلفی در این باب وجود دارد. ماه مبارک رمضان، ماه فرود و نزول و ماه صعود است. نزول و فرود، یعنی کلام الهی از مصدر وحی نازل می‌شود و از ناحیه ربّ به سوی عبد فرود می‌آید و خداوند با بندگانش سخن می‌گوید؛ لذا قرآن، در ليله قدر که ماه مبارک رمضان است، بر قلب مقدّس پیغمبر اکرم ﷺ نازل شد؛ لذا ماه نزول کلام الهی به سوی بندگانش است. از آن طرف ماه صعود هم است؛ یعنی ماهی است که ربّ به عبدش اجازه داده است که بدون حجاب با او سخن بگوید و آنچه که مورد نظرش است، در تمام امور دنیوی و اخروی، با خدا و ربّش در میان بگذارد.

ماه‌های دیگر هم همین طور است؛ اما خصوصیت این ماه این است که در این ماه بررسی کردن دعاها عند الربّ

۱. بحارالانوار، ج ۹۱، ص ۹۶؛

۲. امسال اصلاً فکر نمی‌کردم که موقت شوم، بحثی داشته باشم؛ ولی خدا این توفیق را عنایت کرده که فعلاً در جمع دوستان هستم و می‌خواهم بحث کنم.

هیچ توفقی ندارد و تسریع در اجابت صورت می‌گیرد. من در گذشته این بحث را گفته‌ام و نمی‌خواهم، وارد این بحث بشوم؛ لذا اهل معرفت، از قرآن، به قرآن نازل و از دعا، به قرآن صاعد تعبیر می‌کنند و می‌گویند: دعا هم قرآن است؛ اما قرآن صاعد است. قرآن کریم از ناحیه ربّ نزول پیدا می‌کند و دعا از ناحیه عبد به سوی مولایش صعود پیدا می‌کند. پس این ماه، ماه راز و نیاز است؛ ماه گسستن از سوی ربّ است و پیوستن به ربّ است؛ اصلاً ما هر تعبیری نسبت به ماه مبارک رمضان کنیم، باز هم نارسا خواهد بود.

### ◆ ثواب قرائت هرآیه از قرآن در ماه مبارک

لذا اگر شما به روایاتی که در ماه مبارک رمضان وارد شده، مراجعه کنید، می‌بینید که به دو چیز زیاد سفارش شده است؛ یک، قرائت قرآن که در روایت دارد؛ از نظر اجر، هر آیه‌اش با یک ختم قرآن در ماه‌های دیگر معادل است؛ یعنی اگر یک آیه در ماه مبارک رمضان بخواند، اجر و ثوابش با یک ختم قرآن از اول تا آخر، در ماه‌های دیگر معادل است. این اختصاص به ماه مبارک رمضان دارد و ما روایات زیادی در این باره داریم. من در گذشته هم به این روایات اشاره کردم که «لِكُلِّ شَيْءٍ رِبْعٌ وَ رِبْعُ الْقُرْآنِ شَهْرُ رَمَضَانَ»<sup>۳</sup>؛ هر چیزی بهاری دارد و بهار قرآن، ماه مبارک رمضان است؛ لذا به آن خیلی سفارش شده است.

### ◆ ماه رمضان، برجسته‌ترین ماه است!

در روایتی است از امام صادق علیه السلام، وقتی ایشان ماه‌ها را تعریف می‌فرمایند: «فَعَزَّ الشُّهُورُ شَهْرُ اللَّهِ عَزَّ ذِكْرُهُ»؛ ماه رمضان، برجسته‌ترین شهر است. «وَهُوَ شَهْرُ رَمَضَانَ» تا اینکه می‌فرمایند: «فَاسْتَقْبِلِ الشُّهُورَ بِالْقُرْآنِ»؛ با قرآن به استقبال این ماه بروید!

۳. بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۲۱۳؛

۴. کافی، ج ۴، ص ۶۵؛

### ◆ سفارش به دعا و استغفار در ماه مبارک

از طرف دیگر به دعا خیلی سفارش شده است که در این ماه زیاد دعا کنید. مثلاً راجع به قرآن صاعد در روایات داریم که علی علیه السلام می فرماید: «عَلَيْكُمْ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بِكَثْرَةِ الْإِسْتِغْفَارِ وَالِدُعَاءِ»؛ در ماه رمضان زیاد دعا و استغفار کنید. یا در آن خطبه ای که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله قبل از ماه مبارک رمضان خواندند، آمده که حضرت فرمودند: «دُعَاؤُكُمْ فِيهِ مُسْتَجَابٌ»<sup>۲</sup>؛ همین تعبیری بود که من الآن کردم که در ماه مبارک رمضان حجابی در کار نیست و تمام حجب برطرف می شود.

خدا در ماه مبارک رمضان هر گره کوری را باز می کند!

اینکه گفتم: بررسی دعاها ما در این ماه، هیچ معطلی ندارد، برای همین است؛ تسریع در اجابت هم بعد از آن مطرح است. اگر من این تعبیر را عرض کنم، تعبیر ساده و پائینی است؛ ولی خوب است. عبد، هر گره کوری که داشته باشد، در ماه مبارک رمضان با رب خود در میان بگذارد، آن را باز می کند.

### ◆ ماه رمضان، ماه باز شدن درهای آسمانها!

ما در روایات داریم که شب اول ماه مبارک رمضان، درهای آسمانها باز می شود و تا آخرین شب ماه مبارک رمضان بسته نمی شود. ما در این زمینه، روایات متعددی داریم. این اشاره به همین معناست که حجب برطرف می شود و کنار می رود. حالا ممکن است، این تعبیر کوتاه باشد؛ ولی گویا این طور است که من نشسته ام و دارم با خدای خود حرف می زنم، او هم حاضر است و دارد به حرف های من گوش می کند. اگر من او را نمی بینم، او مرا می بیند. اگر من حرف های او را نمی شنوم، او حرف های مرا می شنود. چه بسا من نتوانم دردهای خودم را درست بگویم؛ ولی او بهتر از من می داند.

پس از ماه رمضان غفلت نکنید! از نظر عظمت این ماه آن قدر بالاست که همه اولیای خدا علیهم السلام راجع به آن سفارش کرده اند.

### ◆ سیر پُرخطر انسان

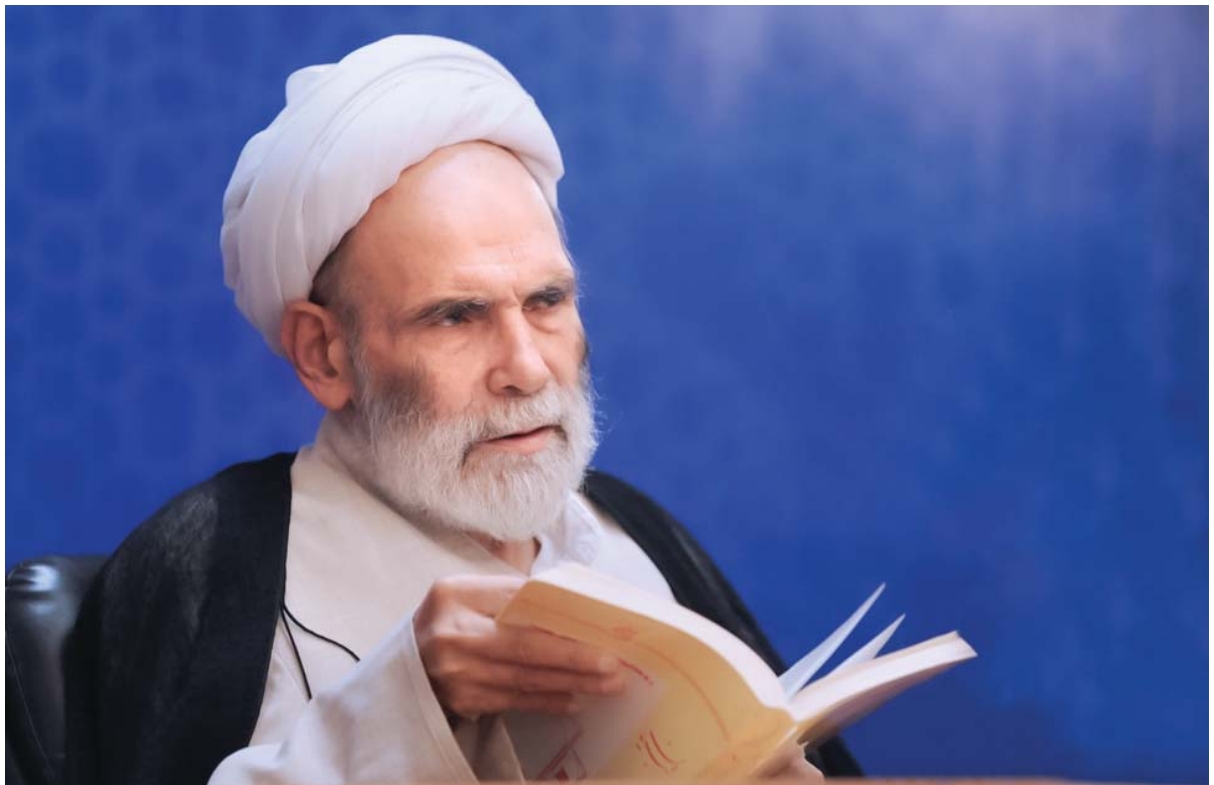
اما بحث اصلی؛ من یک مقدمه می گویم و بعد وارد بحث می شوم. انسان، وقتی در این عالم می آید، باید مسیری را پیماید و سیری کند تا از این عالم، بیرون رود و به عالم دیگر منتقل شود. این یک بُعد انسان است. انسان این طور است که اگر بخواهد، بُعد معنوی و انسانی اش شکوفا شود، باید سیر کند؛ یک راهی است که باید آن را طی کند تا بعد معنوی اش شکوفا شود. اما مشکل از کجاست که او موفق به چنین سیری نمی شود؟ مشکل اینجاست که این راه پر از



۱. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۷۸؛

۲. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۵۶؛





پرتگاه است و انسان هر قدمی که برمی دارد، باید مراقب باشد که واژگون نشود. سراسر این راه، یعنی از آن زمانی که من به قوه تمییز و عقل می‌رسم، تا زمانی که از این دنیا چشم می‌بندم، باید در این راه حرکت کنم؛ این راه پر از خطر و همه‌اش پرتگاه است.

### ◆ بهترین پناهگاه خداست!

حالا عقل چه اقتضا می‌کند؟ عقل می‌گوید: کسی که قدم در راهی گذاشته که پر از پرتگاه است، پناهگاه می‌خواهد که هر وقت احتمال داشت که بلغزد و واژگون شود، بتواند به آن پناهگاه تکیه کند، آن را بگیرد و خود را نجات دهد. چاره‌ای جز این نیست.

در بین پناهگاه‌ها، پناهگاه‌های مادی هیچ بُردی ندارد؛ یعنی پول نمی‌تواند تو را نجات دهد؛ ریاست نمی‌تواند تو را از هلاکت رهایی بخشد. مسلماً نجات و رهایی با پول و ریاست به دست نمی‌آید. اگر بخواهی با پول و ریاست پیش بروی، اصلاً نمی‌گذارند که در این راه

قدم برداری؛ همان جا جلویت را می‌گیرند! پس هیچ ابزار مادی، نجات‌بخش انسان از این پرتگاه‌ها نیست. پس باید به سراغ بُعد معنوی رفت.

ما فقط یک پناهگاه داریم که تنها او ما را از خطرات ایمنی می‌بخشد و آن هم خداست. او هم نسبت به پرتگاه‌های معنوی و هم، نسبت به پرتگاه‌های مادی، پناه ماست. اینکه ما در زندگی دنیایی خودمان، این قدر حوادث مادی به سراغ‌مان می‌آید و به چه کنم چه کنم می‌افتیم و راه به جایی نمی‌بریم، تنها راه نجات‌مان خداست؛ نه پول مشکل‌گشای من است و نه ریاست؛ حتی در بُعد مادی هم همین‌طور است که این ابزار کارآمد نیستند و مشکلی را برطرف نمی‌کنند. یک پناهگاه هست و آن پناهگاه هم، در این جمله خلاصه شده است: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»؛ هیچ پناهگاه و نیرویی نیست؛ مگر از ناحیه او! هیچ موجودی، نجات‌بخش من و تو نیست؛ چه در مشکلات مادی و چه در مشکلات معنوی جز او؛ یگانه پناهگاه همه، خداست.

## ◆ سلاح مؤمن دعاست

شما نگاه کنید در بین روایاتی که ما در باب دعا داریم، چه قدر سفارش شده است: «سلاح المؤمن الدعاء»؛ ابزار و وسیله مؤمن، دعاست. «الدُّعَاءُ سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ»<sup>۱</sup>، «الدُّعَاءُ مِفْتَاحُ الرَّحْمَةِ وَمِصْبَاحُ الظُّلْمَةِ»<sup>۲</sup>، «وَلَا يَهْلِكُ مَعَ الدُّعَاءِ أَحَدٌ»<sup>۳</sup>، «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْأَرْضِ الدُّعَاءُ»<sup>۴</sup>؛ محبوب‌ترین کار نزد خدا دعا کردن است؛ مثل اینکه اینجا کار تمام شد.

## ◆ مقایسه ارزشی بین دعا و نماز

من در گذشته بحثی در باب مقایسه ارزشی بین دعا و نماز داشته‌ام که نمی‌خواهم، آن را تکرار کنم. ما در عبادات بالاتر از نماز نداریم. شکی در این نیست. در بین اعمال عبادی، بهتر از نماز نداریم؛ اما وقتی که برخی افراد از امامان ما سؤال می‌کند که اگر من دعا کنم، ثواب بیشتری دارد یا نماز مستحبی بخوانم؟ حضرات می‌فرمایند: برو دعا کن! حالا یک روایت بخوانم که قبلاً هم، آن را خوانده‌ام: «رُويَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ: الدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ»؛ هر عبادتی انجام بدهیم، نوعی دعاست؛ حتی نماز هم از اوّل تا آخر، دعا و سخن گفتن با ربّ است. حتی سوره‌های انتخاب شده در نماز نیز غالباً دعاست. در سوره حمد می‌گوییم: «أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»؛ آیا این دعا نیست؟! صلوات‌هایی که می‌فرستیم، استغفارهایی که می‌کنیم، همه‌اش دعاست.

## ◆ درخواست جلب منفعت و دفع ضرر

بحث دعا این است که انسان از مطلق گرفتاری‌هایش، به خدا پناه می‌برد. چه گرفتاری‌های مادی و چه گرفتاری‌های معنوی؛ هرچه می‌خواهد باشد. من در اینجا یک تقسیم‌بندی می‌کنم که وارد بحث شوم؛ دعا، نسبت به معارف‌مان هم درخواست منفعت از خداست و هم درخواست دفع و رفع ضرر از اوست. روایات ما از این درخواست، به جلب منفعت و دفع ضرر تعبیر می‌کنند. حالا منفعت یا ضرر، معنوی باشد یا مادی، فرقی نمی‌کند. دعا‌های ما بر محور این دو چیز است. ما از خدا درخواست کنیم منفعت به سوی ما جلب شود و ضرر از ما دفع شود، همین.

## ◆ تقاضای دفع منفعت، لعن است

حال در اینجا قضیه را به عکس کنیم؛ اگر ما از خدا دفع منفعت را بخواهیم؛ یعنی بخواهیم که منفعت به ما نرسد، یا جلب ضرر را بخواهیم که او به ما ضرر بزند، آیا این هم دعاست؟! بله؛

۱. غررالحکم، ص ۱۹۲؛

۲. کافی، ج ۲، ص ۴۶۸؛

۳. بحارالانوار، ج ۹۰، ص ۳۰۰؛

۴. بحارالانوار، ج ۹۰، ص ۳۰۰؛

۵. کافی، ج ۲، ص ۴۶۷؛

۶. بحارالانوار، ج ۹۰، ص ۳۰۰؛

دعا یعنی «درخواست از خدا» که این دو تا هم دعاست.<sup>۱</sup> اسم اوّلی لعن است؛ یعنی دفع منفعت، لعن است. «اللَّهُمَّ الْعَن فُلان»؛ یعنی خدایا این را از رحمت خود دور کن؛ یعنی رحمتت را به او نرسان، به این دفع منفعت می‌گویند.<sup>۲</sup>

### ◆ تقاضای جلب ضرر، نفرین است

دومی: تقاضای ضرر است. این لعن نیست؛ این عبارت از نفرین است. این خودش یک بحثی است. من حالا نمی‌خواهم، وارد این جهت از بحث شوم؛ چون بحث من اساساً یک چیز دیگری است. راجع به انبیاء و اولیاء علیهم‌السلام است که ما آیات زیادی در قرآن داریم، نسبت به معجزات انبیاء و اولیاء علیهم‌السلام که در آنجاها ما می‌بینیم، این مسائل مطرح است که من ان شاء الله این را بعد می‌خواهم بحث کنم.

### ◆ پناهگاه اصلی، خدا و اولیای خداست

و اما عرض کردم، دنیا پر از پرتگاه است و انسان محتاج به پناهگاه است. در این مسیر پر از پرتگاه، در اینجا پناهگاه اصلی خداست «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»؛ اَما «إِلَّا بِاللَّهِ»؛ در آن دارد. ما می‌بینیم پناهگاه اوست؛ اَما پناهگاه‌هایی هم خدا به ما معرفی کرده که در ربط با خدا هستند و آنها هم دستگیری می‌کنند و آن اولیای خاص خدا علیهم‌السلام هستند. اینها هم پناهگاه ما هستند.

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی آیت الله حاج آقا مجتبی تهرانی رحمته‌الله

۱. اَما در قالب این بحث‌هایی که من راجع به دعا کردم، آن را نیاوردم. آن کسانی که اهل بحث هستند، دَقّت کنند من اصلاً این‌ها را در بحث‌هایم نیاورده‌ام؛ ولی هر دو تای اینها هم دعاست؛
۲. من در این مورد بحث نمی‌کنم؛ چون من این را در مباحث اخلاقی خود بحث کرده‌ام. من این را بحث نمی‌کنم؛ این از مصادیق دعاست؛ البته آنجا من در این قالب‌ها نیاورده‌ام. در آنجا بحثم یک چیز دیگری بوده و اینجا یک چیز دیگر است.







# مراحل شش‌گانه توبه حقیقی

## حضرت آیت‌الله مشکینی رحمة الله عليه

روایتی در نهج البلاغه است که حضرت علی علیه السلام در آن توبه کامل را معرفی می‌کند. ماجرا از این قرار است که مردی خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام رسید و نشست پیش حضرت و گفت «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» حضرت فرمود: «تَكَلِّثُكَ أُمُّكَ؛ مادرت به عزایت بنشیند». یعنی این چه حرفی است که می‌زنی؟! «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» این که توبه نیست، توبه شرایط دارد؛ گفت: «یا علی! شرایطش چیست، توبه حقیقی چگونه است؟»

فرمود: اگر بخواهی از گناه توبه حقیقی کنی شش کار باید انجام دهی: **أَوَّلُهَا التَّوْبَةُ عَلَى مَا مَضَى، وَ الثَّانِي الْعَزْمُ عَلَى تَرْكِ الْعَوْدِ إِلَيْهِ أَبَدًا، وَ الثَّلَاثُ أَنْ تُؤَدِّيَ إِلَى الْمَخْلُوقِينَ حُقُوقَهُمْ حَتَّى تَلْقَى اللَّهَ أَمَلَسَ لَيْسَ عَلَيْكَ تَبِعَةٌ، وَ الرَّابِعُ أَنْ تَعْمِدَ إِلَى كُلِّ فَرِيضَةٍ عَلَيْكَ ضَيَعَتَهَا فَتُؤَدِّيَ حَقَّهَا، وَ الْخَامِسُ أَنْ تَعْمِدَ إِلَى اللَّحْمِ الَّذِي نَبَتَ عَلَى السُّحْتِ فَتُذِيبَهُ بِالْأَحْزَانِ حَتَّى تُلْصِقَ الْجِلْدَ بِالْعَظْمِ وَ يَنْشَأَ بَيْنَهُمَا لَحْمٌ جَدِيدٌ، وَ السَّادِسُ أَنْ تُذِيقَ الْجِسْمَ أَلْمَ الطَّاعَةِ كَمَا أذَقْتَهُ حَلَاوَةَ الْمُعْصِيَةِ، فَعِنْدَ ذَلِكَ تَقُولُ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ.**

\* ۱. التَّوْبَةُ: اول نسبت به آن گناهی که انجام دادی واقعاً پشیمان شده باشی. فرض کنید بعد از این که انسان تیر از دستش خارج شد و کسی را کشت، وقتی که این منظره هر وقت به خاطرش بیاید ناراحت و پشیمان می‌شود، چرا من چنین کاری کرده‌ام، برای شوخی یا برای تربیت سیلی زد و بچه مرد، به عنوان شوخی کاری کرد خطای بزرگی صادر شد، هر وقت این منظره را فکر می‌کنی ناراحت می‌شوی. توبه حقیقی معنایش این است که وقتی آن کار زشت را فکر کنی ندم و ناراحتی پیدا کنی.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
أَنْزَلَ هَذِهِ السُّورَةَ  
وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمَعْنَى

### ضیافت نور



بدن ناراحتی بپشمانی که تمام آن گوشت‌ها که از راه حرام پیدا کردی همه آب شود و به حالت اول باز برگردی. این بُعد پنجم توبه است.

\* ۶. أَنْ تُدِيقَ الْجِسْمَ أَلَمَ الطَّاعَةِ كَمَا أَدَقَّتْهُ حَلَاوَةٌ الْمَعْصِيَةِ؛ هرچه خوشی دیدی باید به این بدن ناخوشی وارد کنی، هرچه لذت دیدی در مقابل او بر بدن زحمت و مشقت بدهی و زیر شکنجه قرارش بدهی تا از آن لذت‌های حرامی که انجام دادی توبه کرده باشی. وقتی که چنین شدی تو یک توبه صحیح انجام دادی.

نسبت به گذشته پشیمان، نسبت به آینده تصمیم جدی، نسبت به حقوق مردم سراغ حقوق مردم رفتن، نسبت به قضا و کفاره، آن‌ها را انجام دادن، نسبت به گوشت زیادی، گوشت‌ها را آب کردن، نسبت به لذت، زحمت دادن، علی‌السلام می‌فرماید: اگر این‌ها را انجام دادی می‌توانی بگویی که من یک توبه حقیقی کردم.

\* ۲. الْعَزْمُ عَلَى تَرْكِ الْعُودِ إِلَيْهِ أَبَدًا: تصمیم‌گیری که پروردگارا! دیگر من سراغ این کار نخواهم رفت نسبت به آن کار پشیمانی و تصمیم داری بعد از این دیگر آن کار را انجام ندهی.

\* ۳. أَنْ تُؤَدِّيَ إِلَى الْمُخْلُوقِينَ حُقُوقَهُمْ: اگر کار زشتت به مردم ضرری رسانده است، اگر کار زشتت و گناهت گناه حق الناس بوده نه حق الله، اگر مال کسی را خورده‌ای، جان کسی را تلف کرده‌ای، حق کسی را ضایع کرده‌ای، توبه در این جا فقط اظهار استغفار نیست، بلکه باید دنبالش بروی و بهای جان و مال او را بپردازی، دیه او را بدهی، از او استحلال بطلبی، این هم بعد سوم توبه است.

\* ۴. أَنْ تَعْمِدَ إِلَى كُلِّ فَرِيضَةٍ عَلَيْكَ صَبَّغَتْهَا: اگر چنانچه توبه تو کاری است که واجبی را ترک کردی و قضا دارد، مدت‌ها نماز نخواندی، روزه را خوردی و امثال این‌ها، اگر توبه‌ات قضا آورده، اگر گناهت قضا آورده، باید قضای آن عمل را انجام بدهی و برای قضای نماز و روزه‌ات اقدام کنی.

\* ۵. أَنْ تَعْمِدَ إِلَى اللَّحْمِ: اگر گناهت گناهی بوده که از انجام آن گناه نیروی بدنی پیدا کردی گناهت گناهی بوده که ۵۰ کیلو بوده‌ای به وسیله آن گناه ۵۵ کیلو شدی، ۶۰ کیلو شدی، یعنی لباس مردم مرفه را پوشیدی، غذاهای سرقت شده و غصبی خوردی، در مسکن‌های مرتب و عالی نشستی، مثل بعضی‌ها که تمام شئون زندگیشان از راه اختلاس مال مردم انجام گرفته و مدت‌ها و سال‌ها این بدن با مال حرام تربیت شده و بدن از راه لقمه حرام ۵۰ کیلو و ۱۰۰ کیلو شده است، اگر گناهت یک چنین گناهی است که در بدنت نیرو گذاشته و در تربیت بدن تو دخالت داشته، این جا توبه حقیقی این است همان‌گونه که لذت گناهان، بدن تو را تربیت کرد، آن قدر باید بر این

# ماه مبارك رمضان

## در كلام آيت الله حق شناس رحمة الله عليه

برخی از توصیه های اخلاقی مرحوم آیت الله حق شناس  
در مورد ماه رمضان و بهره بردن از شب های قدر



ثواب فراگیری علم در شب های احیا: در روایت وارد شده است که هر کس این دو شب (نوزدهم و بیست و یکم) احیا را به مذاکره علم بگذراند، هر یک ساعت، ثواب یک احیای تام و تمام را در بردارد. مذاکره علم همین است، همین «قال الصادق علیه السلام» و «قال الباقر علیه السلام» است. برترین عمل در ماه رمضان: رفقای عزیز من! اگر بخواهید از امیرمؤمنان علیه السلام تبعیت بکنید، باید به این نکات توجه بفرمایید. امیرمؤمنان علیه السلام عرضه داشت: یا رسول الله! افضل اعمال در این ماه کدام است؟ حضرت فرمودند: «الورع عن محارم الله».

مقام ورع اقسامی دارد. یک قسم آن برگشتن از نادانی، فسق و عمل بد، به عمل صالح است. اگر این مرحله ورع را به کاربستی، از علی علیه السلام پیروی کرده ای و به مقام توبه نصوح دست یافته ای. فرمود: «حب علی حسنة لا تضر معها السيئة» محبت علی حسنه ای است که با بودن آن، گناه ضرر نمی رساند. یک کسی عبای امیرمؤمنان علیه السلام را بوسید. حضرت فرمودند: «این معنای محبت نیست». معنای محبت پیروی از امیرمؤمنان و مقام عترت علیه السلام است.

مرحله دوم ورع، پرهیز از مشتبهات است. مرحله سوم هم، مقام متقین است که شخص حرف نمی زند، مبدا اگر تعریف کسی را بکند، یک کسی بگوید: این طور نیست (و غیبت پیش بیاید). خطاب آمد که ای خاتم الرسل! باید به توبه کنندگان سلام کنی! به به! به به! شخص اول امکان - اول ما خلق الله نوری - باید به استقبال توبه کنندگان برود و به آن ها سلام بکند!!!

### ♦ توصیه هایی مهم در خصوص شب های قدر

یکی از شرایط توبه، اخلاص باطن و سریره است. باید خالصاً و مخلصاً بیایید وسط. از دیگر شرایط توبه، معرفت است.

### ♦ تو استغفاکننده نیستی!

حضرت ثامن الحجج علیه السلام وقتی از درون مسجد می گذشتند، یک نفر گفت: «استغفرالله». حضرت به مقام ولایتی به قلب او نگاه کرده و فرمودند: تو استغفارکننده نیستی؛ زیرا خیال





بازگشت به همان معصیت را داری!

### ◆ سخن گفتن دو ملک الهی درباره انسان‌ها

دو ملک الهی با هم سخن می‌گویند که ای کاش مردم خلق نمی‌شدند! حال که خلق شده‌اند، بدانند برای چه خلق شده‌اند. - شما را برای چه به دنیا آورده‌اند؟ - و حال که نمی‌دانند، برای چه خلق شده‌اند، به دانسته‌های خودشان عمل کنند. حال که عمل به دانستنی‌های‌شان نمی‌کنند، از بدی‌هایی که کرده‌اند، توبه کنند. اول قدم، توبه است.

### ◆ ذکر دائمی علامه طباطبایی رحمته‌الله

«لاخیر فی نسک لاورع معه؛ عبادتی که پرهیز از گناه با آن نباشد، سودی ندارد.»<sup>۱</sup> ورع یعنی این‌که دهان و زبانم را نگه دارم. مرحوم علامه طباطبایی رحمته‌الله - که هم در معقول و هم در منقول مجتهد بودند- زبان‌شان همیشه مشغول به ذکر بود؛ مگر این‌که مورد سؤال واقع شده و جواب می‌دادند. آن وقت ما چرا باید این قدر حرف بزنیم؟!

### ◆ عمل ائمه علیهم‌السلام باید نصب العین ما باشد

تنهاگریه کردن برای حضرت علی علیه‌السلام فایده ندارد؛ عمل علی علیه‌السلام را باید نصب العین خودتان قرار دهید. در عیون اخبارالرضا علیهم‌السلام می‌فرماید که عمل علی علیه‌السلام را باید سرلوحه زندگی خودتان قرار دهید که چه فداکاری‌هایی کرد. حضرت می‌فرمایند: «انما هی نفسی اروضها بالتقوی لتأتی آمنه یوم الخوف الاکبر»<sup>۲</sup>؛ من باید به قدر درازی قبرم برای خودم احراز بکنم.

### ◆ اخلاص باطن

یکی از شرایط توبه، اخلاص باطن و سریره است. باید

۱. کافی/۳۶/۱

۲. نهج البلاغه/نامه ۴۵.



خالصاً و مخلصاً بیایید وسط. از دیگر شرایط توبه، معرفت است؛ یعنی ببینم که پروردگار چقدر به من مهربان است. بدانم که چه پروردگاری دارم. توبه نصوح یعنی این‌که من با قصد و یقین و قاطعیت از معصیت صرف نظر بکنم و قصد برگشت به گناه نداشته باشم.

حضرت فرمودند: چنین کسی نداریم که دوباره به گناه مبتلا نشود. انسان در معرض حوادث است. شاید دوباره گرفتار معصیت شود؛ ولی باید تصمیم قاطعانه در توبه بگیرد.

وقتی توبه‌کننده تصمیم قاطع گرفت؛ پروردگار آن دو ملک مأمور ثبت اعمال انسان را احضار می‌فرماید و گناهان توبه‌کننده را از یاد ملکین می‌برد.

به اعضا و جوارح هم خطاب تکوینی می‌شود که حق ندارید، علیه این بنده شهادت بدهید. به زمین هم خطاب می‌رسد که باید از شهادت علیه این بنده توبه‌کننده خودداری بکنی. خدای ما چنین خدایی است!

# سبک زندگی و سیره عملی

## امام خمینی علیه السلام



اشاره: قدر مسلم عمل به آداب ضیافت الله و معرفت عمیق امام نسبت به این ضیافت در شکل‌گیری شخصیت و نفوذ معنوی و موفقیت رهبری پیامبرگونه ایشان بسیار موثر بوده.

هفته‌نامه افق حوزه گوشه‌هایی از مشاهدات همراهان و نزدیکان امام از سیره ایشان در ماه مبارک رمضان را که از سوی حسین شیداییان تنظیم گردیده و در سایت حوزه‌نت منتشر شده است، به عنوان الگوگیری از رفتار ایشان جهت درک بهتر و بیشتر ضیافت الله تقدیم خوانندگان ارجمند می‌کند.

### ۱. دوران طلبگی

در شب‌های ماه رمضان با دوستان و هم‌مباحثه‌های خود جلسات دعا و عبادت داشتند، در این جلسات ابتدا قرآن تلاوت و سپس کلمات و بیانات ائمه معصومین علیهم السلام، را از متن کتاب «عبارات الانوار» خوانده می‌شد، این جلسات معنوی تا نزدیک سحر ادامه می‌یافت.<sup>۱</sup>

### ۲. دوران تدریس

همه ساله امام قبل از تعطیلات دروس حوزه به مناسبت حلول ماه رمضان و هجرت طلاب به روستا و شهرها برای تبلیغ دین، جلسه درس را به موعظه، نصیحت و توجه به آداب سیر و سلوک در ماه رمضان اختصاص می‌داد. در یکی از جلسات خود فرمود: «به آداب اولیه روزه عمل نمایید و همان‌طور که شکم را از خوردن و آشامیدن نگه می‌دارید، چشم و گوش و زبان را هم از معاصی باز دارید. از هم‌اکنون بنا بگذارید که زبان را از غیبت، تهمت و بدگویی و دروغ نگه داشته، کینه، حسد و دیگر صفات زشت شیطانی را از دل بیرون کنید. اگر توانستید که «انقطاع الی الله» حاصل نمایید و اعمال خود را خالص و بی‌ریا انجام دهید، آن وقت از شیاطین انس و جن متقطع شدید.<sup>۲</sup>

۱. پایه پای آفتاب/ج ۳/ص ۳۰۹ خاطرات آیت الله بهاء الدینی، و ج ۵/ص ۱۸۴ (خاطرات آیت الله سید محمد صادق لواسانی)؛

۲. جهاد اکبر یا مبارزه با نفس/ص ۶۲؛





یک روز در نجف قبل از تعطیلات ماه رمضان همانند گذشته، سخنان اخلاقی درباره تهذیب و تزکیه نفس بیان می‌کرد، بیانات شور آفرین و شوق آور و انسان‌ساز امام به‌گونه‌ای بود که جمعیت را دگرگون ساخت و صدای گریه، فضای مسجد شیخ انصاری را فراگرفت.<sup>۱</sup>

تابستان سال ۱۳۲۱ که مصادف با ماه مبارک رمضان بود، به شهرستان محلات مسافرت کرد. از سوی برخی علما امامت جماعت مسجد جامع شهر به ایشان پیشنهاد شد، اما ایشان در یک مسجد دور افتاده و متروک که امام جماعت نداشت، به اقامه نماز جماعت پرداخت تا سنت احیای مساجد را یادآور شود. به پیشنهاد و اصرار بزرگان و علمای محلات، هر روز عصر، سه ساعت قبل از افطار در مسجد جامع شهر، کنار یک ستون می‌نشستند و برای مردم درس اخلاق بیان می‌کردند.<sup>۲</sup>

### ۳. تربیت دینی فرزندان

امام به تربیت فرزندان و حتی نوادگان و تقید آن‌ها نسبت به رعایت آداب شرع و تکالیف دینی توجه خاصی داشتند. آنان را قبل از سن بلوغ، برای تشریف به سن عبادت و نماز و روزه آماده می‌کردند، اما هیچ‌گاه سخت‌گیری نمی‌کردند تا دچار مشقت نشوند و سعی داشتند که ذائقه فرزندان را در اجرای تکلیف دینی و امور شرعی تلخ نکنند.

در یک شب زمستانی وقتی حاج آقا مصطفی را برای سحری بیدار کردند، ایشان بر اثر استنشاق گاز ذغال کرسی ناگهان وسط اتاق بر زمین افتاد و بی‌هوش شد! امام خیلی نگران شد و وقتی او را به هوش آوردند، به ایشان فرمود: به صلاح شما نیست که فردا روزه بگیرید،

پس از ماه رمضان، قضای آن را به جای آورید.<sup>۳</sup>

ماه رمضان یکی از سال‌ها که مصادف با تابستان گرم قم بود، یکی از دختران امام به سن تکلیف رسیده بود. امام به او فرمود که امسال را باید روزه بگیرد، فرزند امام روز اول را با سختی و مشقت بسیار به پایان رساند. امام به علت گرمی هوا و نبودن امکانات خنک‌کننده، همان شب برنامه مسافرت خانم و فرزندان را فراهم ساخت تا به تهران بیاید و قرار شد فرزندان، قصد اقامت نکنند تا در زمستان، قضای روزه‌ها را به جای آورند.<sup>۴</sup>

### ۴. انس با قرآن

امام دائماً با قرآن مأنوس بودند و مطالعه اصلی‌شان تلاوت قرآن بود و شبانه روز هفت نوبت قرآن تلاوت

۱. پا به پای آفتاب/ج ۳/ص ۲۵۴ خاطرات آقای رحیمیان؛

۲. همان/ج ۲/ص ۸۴ خاطرات آقای توسلی محلاتی و ج ۴/ص ۲۲۹ (خاطرات آقای سروش محلاتی) و ج ۶/ص ۷ (خاطرات شهید محلاتی)

و سلسله موی دوست/ص ۱۰۷ (خاطرات آقای رسولی محلاتی)؛

۳. همان/ج ۱/ص ۱۵۸ خاطرات فریده مصطفوی؛

۴. همان/ج ۵/ص ۲۰۳؛ برداشت‌هایی از سیره امام/ج ۲/ص ۳۷۹؛ فرازهای

فروزان/ص ۲۶۰ به نقل از صبیبه حضرت امام؛





می‌کردند و این سنت حسنه تا آخر حیات طیبه‌شان استمرار داشت. در ماه مبارک رمضان، خصوصاً در ایامی که نجف بودند هر روز ده جزء قرآن تلاوت می‌کردند و در هر سه روز یک دوره قرآن ختم می‌کردند. در اواخر عمر شریفشان در ماه مبارک رمضان سه بار قرآن را ختم می‌کردند. در ایامی که نجف بودند چشمشان ناراحت بود، پزشک پس از معاینه به ایشان گفت: شما چند روز استراحت داشته باشید و قرآن نخوانید! امام با لبخندی خطاب به دکتر فرمودند: من چشمم را برای قرآن خواندن می‌خواهم. چه فایده‌ای دارد که چشم داشته باشم و قرآن نخوانم!

#### ۵. رعایت نوافل و مستحبات

در گرمای پنجاه درجه بالای صفر نجف و روزهای بلند تابستان که تقریباً حدود هفده الی هیجده ساعت روزه بودند، نماز جماعت ظهر و عصر را در مدرسه آیت‌الله بروجردی همراه با نوافل و تعقیبات ظهر و عصر به جای می‌آوردند که برای جوانان هم سخت بود. نماز مغرب و عشا را هم با نوافل آن انجام می‌داد. سپس با یک عدد تخم مرغ و دو استکان چای یا بعضی روزها با نیمی از کتلت و مقداری نان افطار می‌کرد.<sup>۱</sup>

در سال‌های آخر عمر شریفش به دلیل بیماری و کهولت سن و مصرف دارو برنامه روزه ایشان تغییر یافت، اما نوافل و مستحبات و تعقیبات را بیشتر ادامه می‌دادند.



۱. یک ساغر از هزار/ص ۵۴۲ خاطرات خانم طباطبایی؛

۲. پا به پای آفتاب/ج ۵/ص ۱۵۱؛ خاطرات آقای قدیری/ج ۲/ص ۳۲۹ (خاطرات آقای حمید روحانی)/ج ۳/ص ۱۲۷  
خاطرات آقای مسعودی خمینی/ج ۱/ص ۱۲۵ (خاطرات صدیقه مصطفوی)؛

## ۶. عبادت، تهجد و مناجات

امام که رهرو خستگی ناپذیر وادی عشق و فنای فی الله بود، در طول زندگی، خصوصاً چند دهه آخر عمر مبارکشان کلیه برنامه‌های درسی، علمی، تحقیقی و ملاقات‌های عمومی و خصوصی غیر ضروری‌شان را در ماه مبارک تعطیل می‌کردند و در برابر تقاضاهای ادامه برنامه‌ها و یاد در پاسخ به علت تعطیلی آن‌ها، با یادآوری اعمال و عبادات ماه رمضان، می‌فرمود: خود ماه رمضان هم کاری است.<sup>۱</sup>

تابستان یکی از سال‌ها (قبل از سال ۱۳۴۱) که مصادف با ماه مبارک رمضان بود و امام به مشهد مسافرت کرده بودند، بارها مشاهده می‌شد که شب‌ها، امام در مسجد گوهرشاد میان جمعیت عبای خود را روی زمین می‌انداختند و تا سحر به تلاوت قرآن، نماز، دعا و مناجات می‌پرداختند.<sup>۲</sup>

عبادات و اعمال و تهجد شب‌های ماه رمضان امام، با سایر ایام و لیالی تفاوت بسیار داشت علاوه بر این که بیشتر شب را به تلاوت قرآن، ادعیه‌های ماه رمضان و خصوصاً به قرائت دعای ابوحمزه ثمالی می‌پرداختند، انابه و تضرع امام به درگاه الهی بیشتر می‌شد. حاج احمد آقا نقل می‌کند که در نجف، ماه رمضان شبی روی پشت بام خوابیده بودم که از صدای گریه و مناجات امام بیدار شدم، دیدم امام در تاریکی شب در حال نماز خواندن، دست‌ها را به طرف آسمان بلند کرده و گریه می‌کند. در ماه رمضان سال‌های آخر عمر شریفشان نیز پرستاران و مراقبان امام، از صدای گریه نیمه شب ایشان از خواب بیدار می‌شدند.<sup>۳</sup>

یکی از محافظان امام می‌گوید: در یکی از شب‌های ماه رمضان نیمه شب برای انجام کاری مجبور شدم که از کنار اتاق امام عبور کنم. هنگام عبور صدای مناجات

و گریه امام را شنیدم که در فضای اتاق پیچیده بود و مرا شدیداً تحت تأثیر قرار داد.<sup>۴</sup>

خانم حاج احمد آقا نقل می‌کند که ماه رمضان قبل از رحلت ملکوتیشان، هنگامی که سحرگاهان برای اقتدای نماز صبح خدمتشان می‌رسیدم، چهره مبارکشان را برافروخته می‌دیدم، چشمانشان سرخ بود، چنان اشک ریخته بودند که دستمال برایشان کافی نبود، حوله کنار دستشان می‌گذاشتند.<sup>۵</sup>

مقام معظم رهبری معتقدند که سیر و سلوک معنوی و عرفانی و انقطاع الی الله امام در ماه مبارک رمضان هر سال در تکامل شخصیت عرفانی و نفوذ معنوی رهبری ایشان محسوس بود و این اوج ملکوتی و عرفانی امام که دستاورد تهجد و مناجات شبانه ماه رمضان‌ها بود در موفقیت‌های گوناگون انقلاب تأثیر داشت. ایشان می‌فرمایند: «شما خیال نکنید که امام سال ۶۸ که به جوار الهی رفت، همان امام سال ۵۷ بود که وارد ایران شد. نه خیر، امام خیلی جلو رفته بود، خیلی پیشرفت کرده بود، خیلی بالا رفته بود. درست است که منازل امثال آن بزرگوار را نمی‌توانیم بفهمیم، اما از همین پایین که انسان نگاه می‌کند اوج آن باز بلند پرواز را می‌بیند. خدا شاهد است که بعد از هر ماه رمضان، گاهی که خدمت امام می‌رسیدم برایم محسوس بود که در این ماه رمضان، امام نسبت به گذشته بالاتر رفته، پرواز کرده و از [جهان] ماده دورتر شده است.<sup>۶</sup>

در هر ماه رمضان، ایشان معمولاً هیچ ملاقاتی نداشتند و بیشتر به خودشان می‌پرداخت. بعد از ماه رمضان که انسان با ایشان ملاقات می‌کرد، محسوس بود که نورانی‌تر و معنوی‌تر شده‌اند. یقیناً بسیاری از موفقیت‌های انقلاب و این ملت، ناشی از همان کانون جوشان منور بود.»<sup>۷</sup>

۴. جلوه‌ای از خورشید/ص ۹۰؛

۵. پا به پای آفتاب/ج ۱/ص ۲۸۵ و ۲۶۱ خاطرات خانم فاطمه طباطبایی؛

۶. حدیث ولایت/ج ۱/ص ۲۴۹؛

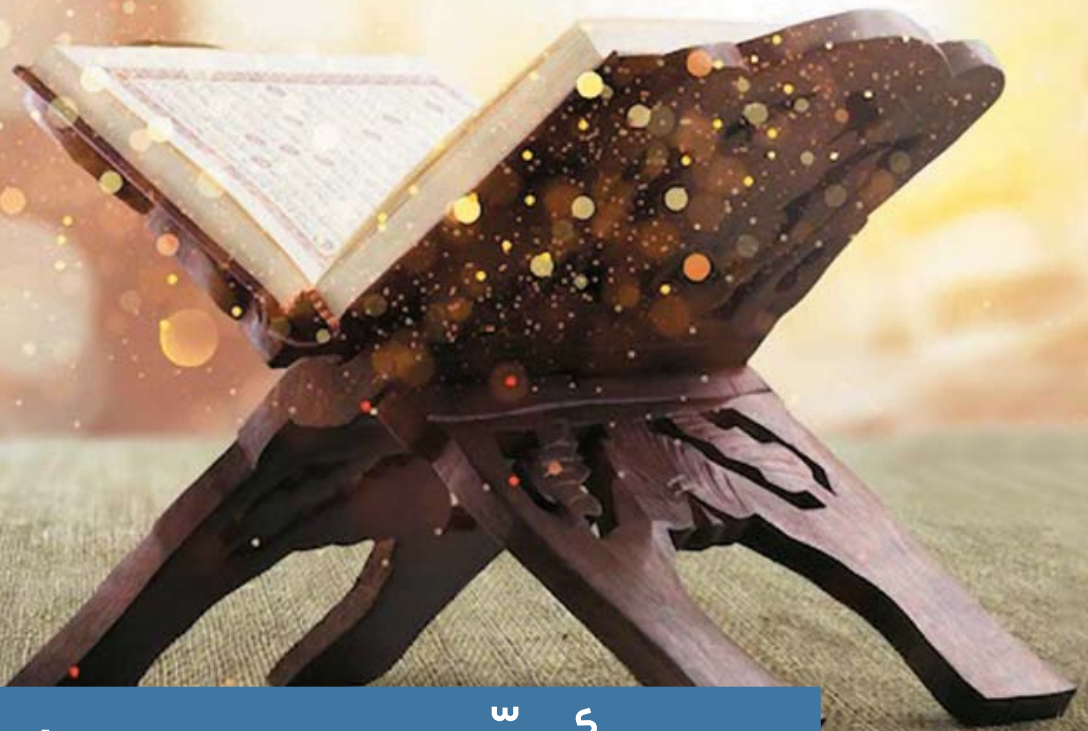
۷. همان/ج ۲/ص ۲۳۷ و ۲۳۸.

۱. همان/ج ۲/ص ۱۰۴ خاطرات آقای توسلی؛

۲. همان/ج ۱/ص ۱۰۳ (خاطرات آقای واعظ زاده خراسانی)؛

۳. همان/ج ۳/ص ۱۵۱ خاطرات آقای ناصری و ص ۱۳۹ (خاطرات آقای

میریان)؛



# سیرهٔ علامه حسینی طهرانی در ارتباط با قرآن و آداب آن

## گفتاری از فرزند ارشد علامه حسینی طهرانی

علامهٔ والد رحمته الله علیه با قرآن کریم ارتباط و انس عجیبی داشتند و حَقّاً با قرآن عشق‌بازی می‌نمودند؛ در نمازها مفضل قرآن می‌خواندند و آیات آن را با حال خاصی تلاوت می‌فرمودند که بر اعماق جان و دل انسان می‌نشست.

هر روز صبح در منزل، حدود سه ربع ساعت تا یک ساعت با صدای بلند قرآن تلاوت می‌کردند و بعد از آن، قرآن در مقابلشان باز بود و شروع می‌نمودند، به تدبّر و تفکّر در آیات قرآن و گاهی این حالت ایشان تا یک یا دو ساعت طول می‌کشید که غرق در تفکّر در آیات قرآن بودند. گاهی نیز پیش از ظهر یا عصر می‌دیدیم، مشغول قرائت بودند یا قرآن باز است و ایشان در سکوت فرو رفته و در آیات مبارکه تأمل می‌کنند. اینها همه غیر از قرائت قرآنی بود که از حفظ در تعقیب نمازها و هنگام بیدار شدن و هنگام خواب می‌خواندند که از میزان دقیقش ما اطلاع نداشتیم.







### ◆ احترام به قرآن و استفاده از رحل قرآن

هنگام خواندن قرآن مقید بودند که قبا در تن داشته و با عمامه باشند و گاهی عبانیز می انداختند و با کمال ادب و احترام رو به قبله می نشستند و قرآن را حتماً روی رحل قرار داده و تلاوت می کردند. به شاگردان شان نیز سفارش می فرمودند که در قرائت قرآن از رحل استفاده کنند و در منزل تعدادی رحل داشته باشند تا وقتی جلسات سلوکی که در آن قرآن قرائت می شود، برای هر نفر یک رحل موجود باشد.

### ◆ هیچ چیزی عدل قرآن کریم نیست

در عالم تکوین هیچ چیزی عدل قرآن کریم که کتاب الهی و متحد با حقیقت و باطن رسول خدا و ائمه علیهم السلام است، نمی باشد و در عالم تشریح نیز، باید مراعات نموده و عظمت و مکانت قرآن را حفظ نمود و هیچ چیزی را نباید قرین قرآن قرار داد.

گاهی در جلسات برخی روی رحل ابتدا مفاتیح را می گذاشتند و روی آن قرآن را قرار می دادند و با هم آن را می آوردند، ایشان فوراً تذکر می داد و می گفت: مفاتیح را با قرآن قرین نکنید. رحل مختص قرآن است و نباید مفاتیح را روی رحل گذاشت.

گاهی برخی قرآن و مفاتیح را با هم روی هم می گذاشتند و می آوردند. ایشان می گفت: قرآن و مفاتیح را نباید در کنار هم گذاشته و یکسان قرار داد؛ قرآن را اول جدا بیاورید و مفاتیح را هم جدا بیاورید.

### ◆ قرآن را در بالاترین مکان قرار دهید

در منزل جایگاه قرآن را بالاترین و شریف ترین نقطه قرار می دادند. همیشه یک جلد قرآن کریم با یک رحل روی منبر می گذاشتند؛ چون منبر را بسیار شریف و محترم می دانستند و می گفتند: منبر رسول خدا صلی الله علیه و آله یادآور خطبه های آن حضرت و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است

و فقط اهل علم، آن هم با آدابی خاص، مجازند بر این منبر تکیه زنند.

اگر رحل و قرآن را می خواستیم، جایی غیر از روی منبر قرار دهیم، می دادند: آن را در محترم ترین نقطه بگذارید. مثلاً اگر دو میز بود که یکی در پائین اطاق و دیگری در بالای آن قرار داشت، قرآن را روی آن میز می گذاشتیم که بالای اطاق قرار داشت.

### ◆ قرآن در بالاترین طبقه کتابخانه

اگر بنا بود، چند جلد قرآن در کتابخانه گذاشته شود، آن را در بالاترین طبقه کتابخانه و به شکلی کاملاً منظم و محترمانه می چیدند و روانمی دانستند که چیزی بالاتر از قرآن نهاده شود.

می گفتند: در جلسات وقتی می خواهید قرآن توزیع کنید، بیش از چهار پنج جلد قرآن روی هم نگذارید. قرآن را به تعداد کم و با احترام بلند کنید و به حاضرین

در جلسه بدهید.

### ◆ سکوت به احترام قرائت قرآن

در مجالسی که قرآن خوانده می‌شود؛ مانند مجالس ختم، پذیرایی کردن اصلاً صحیح نیست و باید همه به احترام قرآن کاملاً سکوت کنند و پس از اتمام قرائت قرآن پذیرایی شود و دوباره پس از اتمام پذیرایی اگر خواستند، قرآن تلاوت کنند. در مجالسی که تحت نظر ایشان برگزار می‌شد، این معنا کاملاً رعایت می‌گشت.

### ◆ چاپ قرآن با بهترین کاغذ

قرآن باید با زیباترین و نفیس‌ترین شکل و با بهترین کاغذ طبع شود و خطش زیبا و درشت و رنگ کاغذ آن زرد یا مانند آن باشد که چشم را در هنگام تلاوت اذیت نکند و در عین حال باید ساده و بی‌نقش و نگار باشد. طبع قرآن با کاغذ یا جلد غیرمرغوب منافی احترام این کتاب الهی است؛ ولی خارج نمودن آن از سادگی و بی‌آلایشی نیز، مدّ نظر شرع مقدّس نیست.

### ◆ همراه داشتن قرآن

مؤمن باید دائماً قرآن در جیبش داشته باشد و همیشه در محضر کتاب خدا باشد و در هر فرصت و مجالی که می‌یابد، به قرائت آن مشغول شده و از فرصت و وقت خود به بهترین شکل استفاده نماید. خود ایشان نیز همیشه در جیبشان یک جلد قرآن جیبی کوچک داشتند که هم جهت تبرک بود و هم در هر فرصتی مراجعه و قرائت می‌نمودند.

### ◆ توصیه به مطالعه تفاسیر

به مطالعه تفاسیر بسیار تشویق می‌کردند. برای سال‌های اوّل طلبگی، تفاسیر فارسی مثل منهج الصّادقین و تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی را سفارش می‌کردند و به برخی از غیرطّلاب هم، تفسیر منهج را معرفی می‌نمودند. به تفسیر المیزان نیز برای سطوح بالاتر عنایت خاصی داشتند و بارها می‌گفتند: تفسیری مانند تفسیر المیزان تا به حال نوشته نشده است. به تفاسیر دیگر نیز مثل برهان، نورالثقلین، مجمع البیان، کشاف، بیضاوی، حواشی شیخ زاده و بیضاوی، روح المعانی و روح البیان عنایت داشتند و خودشان بر مطالعه تفسیر مداومت داشتند و می‌گفتند: طلبه‌ای که دروسش به پایان رسیده است، باید دوره‌های زیادی از تفسیر را از بدء تا ختم مطالعه نموده باشد.

منبع: کتاب نور مجرد، ج ۲، ص ۳۴۴



# عمل به سیره عبادی و اخلاقی اهل بیت علیهم السلام در ماه مبارک رمضان



حجت الاسلام والمسلمین فرحزاد

خدا روزه می‌گیرند، با خدا خلوت می‌کنند، با خدا انس می‌گیرند، میلیون‌ها نفر آب نمی‌خورند، غذا نمی‌خورند! کدام فرمانده می‌تواند این قدر در عالم نفوذ داشته باشد؟ این واقعیت، دلیل بر حقانیت پیامبر ما است. از خدا بخواهیم که ایمانمان را ثابت بدارد و کمک مان کند.

## حفظ زبان در ماه رمضان

اعمال ماه رمضان بسیار است. در خطبه شعبانیه، اعمالی برای ماه مبارک رمضان بیان شده که یکی از آن اعمال فرستادن صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام است. حیف از این زبان و این دل که در غیر راه خدا و پیامبر و اهل بیتش استفاده شود. انسانی که می‌تواند با یک صلوات درجه‌ای از بهشت را برای خودش تهیه کند، چرا مشغول حرف‌های بی‌خودی بشود که در آن نه خیر دنیا و نه خیر آخرت است. یکی از سفارشات پیامبر صلی الله علیه و آله در خطبه شعبانیه این است که «وصلوا أرحامکم و احفظوا ألسنتکم»<sup>۱</sup>؛ در این ماه زبان‌هایتان را حفظ کنید. روایت داریم: بیشتر کسانی که در جهنم می‌افتند، بر اثر گناه زبان است؛ چون گناهان دیگر یا خیلی در دسترس نیستند و یا وسایلشان فراهم نیست. کسی که بخواهد دزدی نکند، شراب بخورد، زنا نکند، همه وقت شرایطش فراهم نیست؛

«فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ بِالْبَرَكَةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ الْمُغْفِرَةِ شَهْرٌ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ أَفْضَلُ الشُّهُورِ أَيَّامُهُ أَفْضَلُ الْأَيَّامِ وَ لَيْالِيهِ أَفْضَلُ اللَّيَالِي وَ سَاعَاتُهُ أَفْضَلُ السَّاعَاتِ»<sup>۲</sup>

## ماه رمضان، ماه مهمانی ویژه خدا

در ماه شعبان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مردم را برای ماه رمضان آماده می‌کردند. این خطبه نورانی در امالی شیخ صدوق از علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل شده است که آقا از پدران بزرگوارشان نقل می‌کنند تا می‌رسد به امیرالمؤمنین علیه السلام که ایشان می‌فرماید: یک روز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای این که مردم را برای ماه رمضان آماده کنند چنین خطبه خواندند: «فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ بِالْبَرَكَةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ الْمُغْفِرَةِ»<sup>۳</sup>؛ ای مردم! ماه خدا به شما روی آورده است. مگر روزهای دیگر از آن خدا نیست؟ چرا، روزهای دیگر هم مال خداست؛ اما این جا عنایت ویژه‌ای است، ساعت‌های ویژه‌ای است، سفره ویژه‌ای پهن است. «وَهَذَا شَهْرٌ عَظُمَتْهُ وَ كَرُمَتْهُ وَ شَرَّفَتْهُ وَ فَضَّلَتْهُ عَلَى الشُّهُورِ»<sup>۴</sup>؛ خدایا! تو این ماه را بزرگ قرار دادی. میلیون‌ها انسان به امر پیامبر و

۱. وسائل الشیعه/شیخ حرعاملی/۱۰/۳۱۳/۱۸- باب تأکد استحباب الاجتهاد فی العبادة... ص: ۳۰۳؛

۲. بحار الانوار/مجلسی/۹۳/۳۵۶/باب ۴۶- وجوب صوم شهر رمضان و فضله... ص: ۳۳۷؛

۳. مفاتیح الجنان/شیخ عباس قمی/۱/۱۷۶/خ ۱۷۶: و می خوانی عقب نمازهای فریضه... ص: ۱۷۶؛

۴. المراقبات/میرزا جواد آقا ملک تبریزی/۱/۱۷۰/فی الإشارة إلى الخطبة الشعبانية... ص: ۱۷۰؛





اما دروغ و غیبت خرج ندارد، وسایلش هم همیشه فراهم است.  
باز روایت داریم که هر روز اعضا و جوارح انسان از همدیگر احوال‌پرسی می‌کنند؛ از جمله زبان که رو می‌کند به بقیه اعضا و می‌گوید: شما چگونه هستید؟ آن‌ها هم می‌گویند: اگر تو بگذاری و ما را به جهنم و آتش نبری، حالمان خوب است. در آیه قرآن آمده است که دست، پا، گوشت و پوست بدن ما در روز قیامت بر اعمالی که انجام داده‌ایم شهادت می‌دهند، پس معلوم می‌شود که این‌ها شعور دارند و می‌فهمند. در آن روز انسان در خطاب به اعضا و جوارحش می‌گوید: ﴿لَمْ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَ هُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾؛ شما دیگر چرا بر علیه من شهادت می‌دهید؟ جواب می‌دهند: ﴿أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ﴾؛ خدایی که همه چیز را به زبان می‌آورد، ما را به حرف آورد تا بر علیه تو شهادت بدهیم.

روایت داریم که اصحاب پیامبر و بعضی از بزرگان مقداری ریگ را تمیز می‌کردند و زیر زبان می‌گذاشتند. پرسیدند که چرا این کار را می‌کنید؟ گفتند: برای این که حرف زیاد و بیهوده نزنیم. اگر حرف لازمی بود، سنگ‌ها را در می‌آوردند و می‌گفتند و بعد دوباره قفلش می‌کردند. مؤمن لجام دارد؛ یعنی دهنه دارد، این طور نیست که هرچه به زبانش آمد بگوید. روایت داریم که ﴿لِسَانُ الْعَاقِلِ وَرَاءَ قَلْبِهِ وَ قَلْبُ الْأَمَّحِقِّ وَرَاءَ لِسَانِهِ﴾<sup>۲</sup>؛ عاقل اول حرف را می‌سنجد که مشتمل بر آتش نباشد، راه جهنم نباشد، آزار و اذیت نداشته باشد، بعد می‌گوید؛ اما آدم بی‌عقل، دلش پشت زبانش است؛ یعنی اول حرف‌هایش را می‌زند، بعد فکر می‌کند.

اگر ما زبان‌مان را نگه داریم، به کتاب‌های آسمانی و قرآن عمل کرده‌ایم؛ ﴿وَ الَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ﴾<sup>۳</sup>. حکما فرمودند: جرم و وزن زبان خیلی کم است، اما جرم و گناهش خیلی زیاد است. پیامبر خدا می‌فرماید: «صلوا أرحامکم و احفظوا ألسنتکم»<sup>۴</sup>؛ زبانتان را نگاه دارید. اگر حرفی را نزنید، طوری نمی‌شود، حرف نزنه را می‌شود زد؛ اما اگر حرفی را زدید و آبروی کسی را بردید یا دل کسی را شکستید یا غیبت کردید، درست کردنش مشکل است.

روایت داریم که خیلی از حرف‌ها مشتمل بر گناه‌اند و اگر گناه هم نداشته باشند، لغو و مؤمن هم طبق آیه: ﴿وَ الَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ﴾ کار لغو و بیهوده نمی‌کند. در روایت آمده که «المؤمن مشغول وقتته شکور صبور و معمور يفكرته»<sup>۵</sup>؛ اگر کسی واقعاً وقتش پر باشد، به کار بیهوده نمی‌پردازد. مؤمن آن قدر به فکر آخرت و حساب و کتاب است که وقت نمی‌کند به کارهای بیهوده بپردازد. به ملا نصرالدین گفتند که فلان جا عروسی است. گفت: به من چه. گفتند: تو را هم دعوت کردند، گفت: به تو چه. یکی عروس و داماد است و من هم مهمان آن‌ها هستم، تو این وسط چه

۱. فصلت/۲۱؛

۲. وسایل الشیعه/شیخ حر عاملی/۱۵/۲۸۱/۳۳-باب وجوب تدبیرالعاقبة قبل العمل... ص: ۲۸۱؛

۳. مؤمنون/۳؛

۴. المراقبات/میرزا جواد آقا ملک تبریزی/۱۷۰/۱۷-فی الإشارة إلى الخطبة الشعبانية... ص: ۱۷۰؛

۵. بحارالانوار/مجلسی/۶۴/۳۰۵/باب ۱۴-علامات المؤمن و صفاته... ص: ۲۶۱؛



از مسلمان بخیل است. کافر خوش اخلاق به بهشت نزدیک‌تر از مسلمان بد اخلاق است. کسی که در این ماه خوش اخلاق باشد، پیامبر جواز و گذرنامه برایش صادر می‌کند. بیاییم در این یک ماه حواسمان را کمی جمع بکنیم. در ماه رمضان خوش اخلاق و باگذشت باشیم، از خدا عاقبت به خیری بخواهیم و عاقبت به خیری خیلی مهم است.

آیت‌الله دستغیب نقل کرده است که در خراسان عالم جلیل‌القدری به نام شیخ احمد زندگی می‌کرد. در همسایگی ایشان یک آتش‌پرست به نام بهرام بود که همه سرمایه‌اش از بین رفته بود. شیخی نزد این عالم آمد و گفت: بهرام انسان مصیبت‌دیده‌ای است، جا دارد که شما به دیدارش بروید و دلداریش بدهید. خلاصه مسلمان نیست، همسایه که هست. شیخ احمد با چند نفر از اطرافیان به دیدنش رفتند.

بهرام تعجب کرد و گفت: شما به خاطر این که ثروتم از

کاره‌ای؟ خیلی از حرف‌ها فضولی است. در کارهایی که به ما ربطی ندارد، دخالت نکنیم.

من چنان بادرد خود درمانده‌ام  
از همه آفاق دست افشانده‌ام

### ◆ رابطه با خدا، در هر جا و هر زمان

چقدر بی‌برکتند آن‌هایی که مسلمان نیستند که یک سجده و راز و نیاز نمی‌توانند بکنند. یهودی‌ها حق ندارند در خانه‌ها عبادت بکنند، طبق مذهب‌شان آن‌ها باید به کنیسه بروند که یک جای مخصوص مثل مسجد است تا در آن‌جا عبادت بکنند. مسیحی‌ها حق ندارند در خانه عبادت کنند، باید یک‌شنبه‌ها به کلیسا بروند و عبادت کنند، اما پیامبر ما می‌فرماید: «وَجَعَلَ لَهُ الْأَرْضَ مَسْجِدًا وَ طَهْرًا»<sup>۱</sup> هر کجای زمین به جز مکان غصبی، می‌توانید عبادت بکنید؛ البته بهتر این است که به مساجد بروید. همه جای زمین را خدا پاک و محل عبادت و سجده قرار داده است و همه وقت و همه جا می‌توانید با خدا رابطه برقرار بکنید و یکی از برتری‌های دین ما بر ادیان دیگر همین است. آقایی می‌گفت: با یک استاندار کار داشتیم، نوبت گرفتیم و بعد از شش ماه نوبت ما شد تا با ایشان ملاقات کنیم. با خدا می‌توانید هر وقت ملاقات کنید. چقدر این ارزشمند است که تو با خدا صحبت می‌کنی و خدا با تو صحبت می‌کند. قرآن بخوان، خدا با تو صحبت می‌کند؛ در دعا هم انسان با خدا صحبت می‌کند. قدر این فرصت را بدانیم.

### ◆ سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام، بهترین جاذبه اسلام

اگر غیر مسلمان‌ها صفات خوبی داشته باشند، قابل هدایت هستند و عاقبت به خیر می‌شوند. امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام می‌فرماید: کافر با سخاوت به بهشت نزدیک‌تر

۱. الکافی/شیخ کلینی/۲/۱۷/باب الشرائع..... ص: ۱۷؛

بین رفته آمدید به من دلداری بدهید؟ دلداری و تسلی ندارد، من از خدا خیلی شاکر و ممنونم برای این که من دزدی نکردم، بلکه مالم دزدیده شده است، من ظالم نشدم، مظلوم شدم؛ الحمد لله که خانه دارم، فرش دارم، ثروتم از بین رفته است، ولی خیلی ها هستند که خانه هم ندارند؛ خدا را شکر می کنم که این آفت به مالم خورده، به دینم نخورده است، بدنم سالم است، دینم سالم است. این عالم بزرگوار گفت: شما با این فهم و درک و شعور چطور آتش را می پرستید؟ گفت: آتش از عناصر اربعه است، آتش گرما دارد، روشنی دارد، فهم دارد، شعور دارد. این عالم شروع کرد با آتش پرست حرف زدن. گفت: آتش کی فهم و شعور دارد من آتش را می پرستم که روز قیامت من را نسوزاند. عالم با او وارد مباحث کلامی و اعتقادی شد تا این که بهرام گفت: راست می گوید، من تا حالا گمراه بودم و اشتباه می کردم. خلاصه این آتش پرست به خاطر یک سیره، یک سرزدن عالم و اظهار همدردی مسلمان شد.

قبل از این که نور اسلام به سرزمین ما بیاید، ایرانی ها آتش پرست بودند، آثارش هم هست و لذا خیلی باید یاد پیامبر بکنیم. این صلوات ها را که می فرستیم، یعنی یاد پیامبر می کنیم. اگر پیامبر نبود، بی شک ما یا بت پرست بودیم یا آتش پرست. به قول بزرگی، خوبی که دیدید صلوات بر محمد و آل محمد بفرستید. «إِنَّ ذِكْرَ الْخَيْرِ كُنْتُمْ أَوْلَهُ وَأَصْلَهُ وَفَرَعَهُ وَمَعْدِنَهُ وَمَأْوَاهُ وَمُنْتَهَاهُ» نماز، روزه، عبادت، ذکر، قرآن، دعا و هر چه که داریم به برکت پیامبر و اهل بیتش است که راه پیامبر را حفظ کردند و نگاه داشتند. درود را برای آن ها بفرست.

همسایه اگر کافر هم باشد، احترامش لازم است. همسایه کافر، زرتشتی، یهودی، مسیحی، هر چه باشد احترام دارد؛ چون در جوار شما است. مهمان ولو کافر هم باشد، باید احترامش بکنید. به خدا قسم اگر این دستورات اسلام پیاده بشود، همه دنیا جذب می شوند. با این که ما به اسلام عمل نمی کنیم، ولی چون ریشه اسلام و حقیقت پیامبر ما محکم است، مردم به طرف اسلام کشیده می شوند. اگر سیره پیامبر برای دنیا بیان بشود که پیامبر سیره و کردارش چه بوده است، همه خواهانش می شوند؛ مثلاً می گوید که اگر با یک یهودی هم مسافرت رفتید و هم نشینش شدید، احترامش بکنید؛ «إِنْ جَالَسَكَ يَهُودِيٌّ فَأَحْسِنْ مُجَالَسَتَهُ»؛ حدیث در صدد بیان این مطلب است که با قلب و دل و روح با مؤمن مانوس بشو و همه وجودت را فدایش بکن، اما غیرمؤمن وقتی همسایه ات شد، هم سفرت شد، هم نشینت شد، کاری نکن که از اسلام و مسلمانی رنجیده بشود. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نامه ای به مالک اشتر فرمود: ای مالک! به همه آن هایی که در مصر تحت حکومت تو هستند، محبت کن، هر دینی که دارند. «النَّاسُ صِنْفَانِ»<sup>۳</sup>؛ مردم دو دسته اند: «إِمَّا أَحُّ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ»<sup>۴</sup> یک عده مؤمن اند و برادر دینی تو هستند و یک



۱. من لايحضره الفقيه/ شيخ صدوق / ۶۱۵/۲/ زیارة جامعة لجميع الأئمة ع... ص: ۶۰۹؛

۲. من لايحضره الفقيه/ شيخ صدوق/ ۴۰۴/۴/ و من ألفاظ رسول الله ص الموجزة التي لم يسبق اليها... ص: ۳۷۶؛

۳. مستدرک الوسائل/محدث نوری/ ۱۶۰/۱۳/ ذکر ما ينبغي أن يأخذ الوالي به نفسه من الأدب و حسن السيرة... ص: ۱۵۸؛

۴. همان؛





عده‌ای هم غیرمسلمانند که آن‌ها هم انسان‌اند، هر چند مسلمان نباشند؛ اگر چه مسلمان حقش بیشتر است و در این شکی نیست. به غیرمؤمن هم محبت بکن که او هم یک انسان است، حالا یهودی یا کافر باشد. اگر هدایت به تو هم نمی‌رسید، مثل او می‌شدی، تو نمی‌توانی گردن بکشی که من خیلی خوبم، چنین و چنان هستم. گاهی می‌بینید یهودی و نصرانی عاقبت به خیر می‌شود، ولی مؤمنی هم هست که منافق می‌شود! مسلمان اگر منافق بشود، در آتش جهنم می‌افتد.

از امیرالمؤمنین علی علیه السلام داستانی در مورد آداب معاشرت با این مضمون نقل شده که اگر آدم با کسی همسفر شد، همنشین شد، همسایه شد، حتی اگر کافر هم باشد، احترامش لازم است، چه برسد به این‌که مؤمن باشد.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام با یک یهودی که ذمی و در پناه اسلام بود، از بیرون کوفه به طرف کوفه می‌آمدند. این یهودی تنها بود و حضرت امیر هم تنها بودند، امیرالمؤمنین علیه السلام با

این یهودی رفیق شد و با هم گفت‌وگو می‌کردند تا به شهر کوفه رسیدند. حضرت به یهودی فرمودند که خوب، شما کجا می‌روید؟ گفت: من آن طرف شهر می‌روم. حضرت فرمودند: من هم راهم این طرف شهر است. از هم جدا شدند و خداحافظی کردند. یهودی راهش را گرفت که از آن طرف برود، یک دفعه دید امیرالمؤمنین علیه السلام دارد پشت سرش راه می‌آید. گفت: آقا شما که گفتید مسیرتان آن طرف است، چرا پشت سر من دارید می‌آیید؟ فرمود: پیامبر ما سفارش کرده که اگر با یکی همسفر شدید، بعد از خداحافظی ده بیست قدم او را بدرقه کنید. این یعنی من دوستت دارم و همراهت می‌آیم. گفت: راست می‌گویی، این سیره پیامبر شماست؟ فرمود: بله، این سیره پیامبر ماست. گفت: «اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله» و مسلمان شد. این سیره‌ها خیلی مهم‌اند. گاهی یک سیره کوچک، یک مملکت را عوض کرده است، مملکتی را مسلمان کرده است. شیخ عبدالله یک روحانی و طلبه بود که برای تجارت یا کارگری به کشور فیلیپین رفته

بود. در آن جا نماز می خواند، راست می گفت، خیانت نمی کرد. یکی از مراجع قم برایم تعریف کرد که به خاطر رفتار این آقای شیخ عبدالله، در فلیپین یک میلیون نفر مسلمان شده بودند. در آن جا هیچ منبری نگذاشته بود تا تبلیغ کند، کارهای پیامبر را پیاده می کرد. این سیره ها خیلی اثر دارد.

### ◆ انس و الفت، از صفات مؤمن

بعضی ها هستند اصلاً با کسی انس نمی گیرند. مثل این که با همه بیگانه و قهرند، با کسی هم کاری ندارد، با خانمش، بچه هایش، مشتری هایش و همسایه هایش رفیق نیست و این خوب نیست. «المؤمنُ أَلْفٌ مَأْلُوفٌ»؛ چند حدیث به این مضمون داریم که مؤمن انس می گیرد و اهل الفت است؛ نه این که همیشه کز بکند و حالت غیض و غضب و خشم داشته باشد. بعضی ها مهمان می آید به خانه شان، با مهمان هم انس نمی گیرند؛ مهمانش یک گوشه، خودش هم گوشه دیگر می نشیند.

بعضی شکایت می کنند که پدرمان اصلاً با ما رفیق نیست؛ این خانم اصلاً در این خانه بیگانه است؛ این خواهر و برادر اصلاً بیگانه اند؛ این دو نفر دوتایی با هم مسجد می آیند، اما با هم دوست نیستند، مثل این که با هم قهرند؛ این درست نیست. مؤمن یک علامتش این است که زود انس می گیرد.

### ◆ حقوق حیوانات در اسلام

روایت شده که اگر به خانه کسی رفتی و در خانه اش گربه ای لاغر و مردنی دیدی که دارد از بین می رود، پشت سر آن شخص نمی توانید نماز بخوانید؛ اگر بیاید شهادت بدهد، شهادتش قبول نیست، عادل نیست. چرا؟ چون به این گربه نرسیده است! اگر شخصی بر الاغ لاغر و مردنی سوار شد، شهادت بدهد، شهادتش را قبول نکن. چرا؟ چون اگر گاو و جو نمی تواند بدهد، خوب ببرد بفروشد. دستور داریم که به حیوانات نمی توانیم ظلم کنیم. در اسلام جایز نیست که من حیوانی را بی خودی بزنم یا گرسنه نگاهش دارم؟ امام صادق علیه السلام فرمود: خدای متعال خانمی را وارد جهنم کرد، به خاطر یک گربه ای که گرفته و در قفس کرده بود و آب و غذا نداده بود تا این زبان بسته مرده بود.

در حالات امام حسن علیه السلام نگاه کنید. یک لقمه خودشان می خوردند، یک لقمه به سگ می دادند. گفتند: آقا، این غذایی است که برای شما تهیه کردیم. می فرمود: خجالت می کشم و از خدا حیا می کنم که یک جاندار به من نگاه بکند و من غذا بخورم.

بترسیم از ظلم. روایت داریم که هیچ وقت روی الاغ یا حیوانات دیگر جلسه قرار ندهید. بعضاً مرسوم بوده است یک ساعت روی الاغ می نشستند و با یکدیگر صحبت می کردند؛ این ظلم است.

